

کارگران جهان متحد شوید!

۳۴ صفحه

۱۰۱

# سکار

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۶۰ بهای ۳۰۰ ریال



## خجسته یاد اول

## ماه مه

### روز همبستگی جهانی کارگران!

## مقاله

### کمونیست‌ها و مضامین و شعارهای جشن اول ماه مه

بزودی اول ماه مه فرا میرسد و فوج کارگران در سراسر جهان به استقبال عید خونین خوبسخت میروند و روز همبستگی جهانی کارگران علیه خیانتهای تاریخی رویزونیستهای خروشنفی است - جهانی‌ها با ردیگر نمایش عظیم قدرت طبقه کارگر، بیگانه طبقه‌ای که رسالت دگرگون کردن تاریخ را اینک بعهده گرفته است، بدنبال خواهد داشت.

امسال نیز مانند بسیاری سالهای دیگر جشن اول ماه مه در بسیاری از کشورها خونین خواهد بود و خون سرخ کارگران و کمونیستهای شهید در بزرگداشت اول ماه مه در رژیمهای ارتجاعی بر زمین ریخته خواهد شد. در بسیاری دیگر از کشورها بورژوا - رویزونیستهای خائن، با منحرف کردن طبقه کارگر از شعارهای انقلابی - طبقه‌ای روز بقیه در صفحه ۲

## اول اردیبهشت: روز مقاومت دانشجویان انقلابی گرامی باد!

صفحه ۱۱

گرامی باد خاطره دانشجویان بخون خفته اول اردیبهشت ۵۹

که با تار خون خود بیوند تا کسمی مبارزات دانشجویی زایان کارگران و زحمتکشان علیه امپریالیسم و ارتجاع، یاد بگر مستحکم تر نبودند.

دانشگاه، این سنگر انقلاب به خدمت نموده‌ها گشوده‌بار گردد!



سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

### جیش کارگری و بحران سرمایه‌داری در لهستان

### دورزندانهای جمهوری اسلامی: شکنجه و ترور کمونیستها و انقلابیون اسپر

کارگران، زحمتکشان، هم‌میهنان انقلابی! هم‌اکنون هزاران نفر از فرزندان کمونیست و انقلابی شما دورزندانهای جمهوری اسلامی، بدون برخورداری از حداقل نیازهای زندگی و در زیر شکنجه‌های قرون وسطایی پاداران سرمایه بسرمیبرند.

وظیفه ماست که از شرایط طاقت فرسای زندانها آگاهی یافته و به پشتیبانی قاطع از مبارزین دربند که در راه استقلال و آزادی و در راه بی‌سروزی انقلاب و برقراری سوسیالیسم، اسپر رژیم جمهوری اسلامی گشته‌اند، برخیزیم. بقیه در صفحه ۱۲

## مسئله وحدت فکری لاتی رویزونیستهای اکثریت بوده‌ای و موضع سائترینی "اقلیت" در قبال آن

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سر مقاله

اول ماه مه را برای بورژوازی بی خطر ساخته و نیز با ردیگر کارگران را به زانده بورژوازی بدل میماند.

در بسیاری دیگر از کشورهای نیز بورژوازی ویا خرده بورژوازی با استفاده از ضعف کمونیستها کارگران را بسوی خویش میکشد و جشن اول ماه مه را با شعارهای مخالف منافع تاریخی طبقه کارگر برگزار میکند. بهرحال است، اول ماه مه فرا میرسد و کمونیستها و کارگران انقلابی با عشق به آرمان تاریخیشان سوسیالیسم خود را برای مقابله با بورژوازی آماده میکنند و در طرف دیگر بورژوازی نیز با سرکوب ویا فریب کارگران میکوشد، خود را از خطر اول ماه مه برهاند، کارگران ایران نیز خود را برای برگزاری جشن اول ماه مه آماده میکنند. مسئله اساسی که در این ارتباط در دستورها کمونیستها قرار دارد، شناخت مضمون این روز و تعیین سیاست پرولتری برای جشن اول ماه مه است، باید با شناخت مارکسیستی از این روز، شعارهای پرولتاریائی انقلابی ایران را برای جشن اول ماه مه تعیین کرده، چگونگی برپائی جشن اول ماه مه را مشخص ساخت و آنگاه در پی برپائی هر چه با شکوهتر این روز، با تمام قوا و امکانات برآمدا بتدبایستی مشخص کنیم اول ماه مه، بهمثابه روز جهانی کارگر، چگونه روزی است.

## ۱- اول ماه مه

### طبقه کارگر را بر خود دارد

همچنانکه میدانیم جنبش جهانی کمونیستی در اولین کنفرانس بینالمللی در سال ۱۸۸۹ در روز اول ماه مه را روز جهانی کارگران نامید، در قطعنامه پیشنهادی نماینده کارگران آمریکا در این مورد آمده است:

"از طرف کنفرانس روز اول ماه مه هر سال به خاطر کشتار کارگران شیکاگو، بنا بر روز کارگر در سراسر جهان اعلام کرد... هر سال نمایش از اتحاد و قدرت کارگران سراسر جهان نشان داده شود... بیاشیما این روز را بنا بر روز طبقه کارگر روز اعتراض به ظلم و ستم و دگر روز نشان دادن حقانیت کارگری، روز پیشرفت مبارزه علیه سرمایه داری در سراسر جهان و روز همبستگی و برادری بینالمللی زحمتکاران قرار دهیم." در کنفرانس بعدی (۱۸۹۱) در قطعنامه تکمیلی، بر خصلت طبقه ای این روز تاکید شد و در کنفرانس ۱۸۹۳ که فریدریش انگلس آموزگار روپیشوی کبیر طبقه کارگر نیز در آن حضور داشت اعلام کردیکه:

"تظاهرات اول ماه مه به خاطر هشت ساعت کار روزانه، باید نمائی با تکرار راه قطع طبقه کارگر برای نابودی تمامی طبقاتی از طریق دگرگونی اجتماعی باشد."

بدین ترتیب روز اول ماه مه، بعنوان روزی

با خصلت خاص طبقاتی و روزی که بر بنابودی طبقات استقامت و رگرو انقلاب تا کیددا رد معین گردید، در واقع روز جهانی کارگر جزا بین هم نمیتوانند باشد. چرا که این روز میبایستی به بیان منافع تاریخی - طبقه ای، طبقه کارگر برپا زد و بیان منافع تاریخی طبقه کارگر، چیزی جز نابودی سرمایه داری نیست. روز جهانی کارگر باید تا کید کند، که طبقه کارگر طبقه ای جهانی است که عزم را دارد، قدرت را بدست گرفته برای همیشه طبقات را پس از طی یک دوران انتقالی (دیکتاتور پرولتاریا) نابود سازد. خصلت طبقه ای این روز، یعنی نمایش طبقه ای طبقه کارگر با یستی در مقیاسی جهانی انجام گیرد. اگر طبقه کارگر طبقه ای جهانی است، روز کارگر نیز روزی جهانی است. که در این روز، طبقه کارگر همه کشورهای با یستی اتحاد بینالمللی خویش را بنمایش بگذارد. از این رو، طشرح شعارهای مشترک پرولتاریائی همه جهان ضروری است، طبیعی است اصلی ترین شعار بینالمللی کارگران جهان، یکی شعار ما نیست کمونیست، یعنی کارگران جهان متحد شوید است و دیگری زنده باد سوسیالیسم، روز جهانی کارگر تنها به این خاطر که کارگران در آن شرکت میکنند، نام روز جهانی کارگر بر خود نگرفته است، بلکه او مهم

- ترا یکنه این روز، روزی با قدرت عظیم طبقه ای است در واقع منافع تاریخی آن یعنی نابودی سرمایه داری است. لنین به روشنی میگوید:

"رفقای کارگر! جشن عظیم شما می کارگران جهان نزدیک میشود. آنها بیداریشان را نسبت به روشنائی و آگاهی اجتماعی از ادراک اتحاد برابرانه برای مبارزه علیه هرگونه ظلم و ستم، علیه هرگونه استبداد علیه هرگونه استثمار، برای یک نظام سوسیالیستی در جاسمه، در اول ماه مه جشن میگیرند." (لنین اعلامیه حزب کارگری سوسیال دمکرات روسیه، اول ماه مه ۱۹۰۵)

بدین ترتیب روز اول ماه مه روز اتحاد طبقه کارگر جهان در مبارزه علیه سرمایه داری است. اشتباه است اگر بپنداریم تنها کمونیستها هستند که باید در بزرگداشت این روز شرکت کنند این روز منحصر به کمونیستها نبوده بلکه روز اتحاد کارگران اعم از کمونیست و غیر کمونیست است.

## ۲- روز جهانی کارگران،

### روزی سیاسی است

همانطور که میدانیم، روز اول ماه مه، روز جهانی کارگران بر علیه سرمایه داری است و با توجه به تعریف زیر که مارکس از مبارزه سیاسی طبقه کارگر بعمل میآورد، اول ماه مه از آغاز روزی سیاسی بوده است:

"هر جنبشی که در آن طبقه کارگر بعنوان طبقه به مخالفت با طبقات حاکم بر میخیزد و میکوشد

آنها را بوسیله فشاری از خارج تحت سلطه خود در آورد، جنبشی سیاسی است. مثلاً، کوشش برای بهنگ آوردن کاهش زمان کار از سرمایه داران منفرد در یک کارگاه یا فقط در یکی از شاخه های صنایع بوسیله اعتصاب و نظایر آن، جنبشی صرفاً اقتصادی است، در مقابل جنبش بمنظور بدست آوردن قانون هشت ساعت کار و نظایر آن، جنبشی سیاسی است." (نامه های مارکس به ف. بولت مورخ ۲۴ فوریه ۱۸۷۱) لنین نیز در تعیین مضمون شعارهای اول ماه مه آنگار آنها را سیاسی تعیین میکند و میگوید:

"جشنها (منظور جشنهای اول ماه مه است - پیکار) نه فقط از لحاظ تعداد شرکت کنندگان، بلکه از لحاظ خصوصیت سازماندهی و آگاهی طبقه ای که شرکت کنندگان ابراز خواهند داشت، از نظر عزم آنان در اقدام به مبارزه ای مصمم جهت آزادی سیاسی مردم روسیه و نتیجتاً جهت فراغت بال برای رشد و گسترش طبقه ای پرولتاریا و مبارزه آشکارش برای سوسیالیسم باید با اهمیت باشند." (لنین - مقدمه ای بر جزوه اول ماه مه در خا رگف). لنین در همین مقاله خواسته های پیش پا افتاده را مورد حمله قرار داده و میگوید:

"ضروری است کاری کنیم که کارگران این تفاوت را درک نمایند تا آنها خواست هشت ساعت کار در روز را به سطح خواسته های ما نند بلیط مجانی قطار، یا کنسرتها و جشنهای بزرگ، جشن اول ماه مه ما لها درسرا سرچان بسا پیکار برای هشت ساعت کار که شاری دقیقاً سیاسی است همراه بود. علاوه بر آن کارگران کشورهای گوناگون منطبق با شرایط جنبش در هر زمان شعار سیاسی مناسب را در اول ماه مه طرح کرده اند. مثلاً جشن اول ماه مه در ۱۸۹۱ در بلژیک و ۱۹۱۰ آلمان با مبارزه برای بدست آوردن حق انتخابات برای کارگران عین میشود. لنین در ۱۹۰۴ در روسیه هشت ساعت کار، زنده باد جنبش کمونیستی بینالمللی و مرگ برترتزار را طرح میکنند و در سال بعد جمهوری دمکراتیک، آزادی کارگری و دهقانی و مرگ برترتزار داده و به کارگران میگوید که برای قیام و تدارک کمیته های دهقانی آماده شوند. در جریان جنگ جهانی اول نیز لنین نیست شعار نیست با جنگ را طرح میکنند.

بدین ترتیب شما را و قطعنامه اول ماه مه ۱۳۵۸، (که همه تیروها ی کمونیست و از جمله سازمان ما در آن شرکت داشتند) به خاطر طرح شما را ی اقتصاد ما نند افزایش دستمزد، برابری مرخصی کارگران و کارمندان، اداره سالنها ی کارگری توسط کارگران، تمیین باز نشستگی، بیمه، بهداشت و ممنوعیت در مقابل خطرات و بیمه ریه های ناشی از کار و... در کنار بقیه در صفحه ۲

# زنده باد کمونیسم!

# جنبش کارگری



## کارگران نورد اهواز در مبارزه شان بیشتر به ماهیت ضد کارگری رژیم پی بردند

بعد از جنگ ارتجاعی، قسمتی از حقوق کارگران نورد و فولاده اهواز را بصورت علی - الحساب برداخت میگردند و حتی دریا فنی بهمن ماه آنها را تا ۱۹ اسفند نداده بودند. تا اینکه فشار ناشی از آوارگی، فقر و گران شدن جان کارگران را بلبیسان رسانده و موجب اعتراض هر چند نامشکل و پراکنده آنها شد. در این روز ۲ نفر از هیئتی که سرپرستی احمدزاده معاون وزیر صنایع و معادن، برای "رسیدگی" به وضع کارگران به اهواز آمده بودند، به محل کارخانه میایند. کارگران این مفت خواران را حلقه کرده و ضمن حمله به رژیم و مقاماتش، خواهان دریافت حقوق و عیدی خویش گردیدند. اعضای هیئت که جوابی در مقابل سوالات و خواستههای بحق کارگران نداشتند، داشتند مسئله را به "احمدزاده" حواله میدادند. گویی خودشان تنها "مترک" بودند! بالاخره که سه مبرک کارگران

لبریز شده اعلام کردند تا به خواستههایشان رسیدگی نشود، اجازه خروج به هیچکس نخواهند داد. علاوه بر اعضای هیئت مذکور، مدیر امور اداری کارخانه نیز در محل بود و اجازه خروج بوی نمیدادند.

در این گیرودار، اعضای شورای قلابی کارخانه که یکی از خائستین اکثریتی نیز در میان نشان بود، عاجز تر از همیشه حرفی برای گفتن نداشتند و در این جریان چهره خدکارگریشان بیشتر برای کارگران افشا گردید. سرانجام سرمایه داران در مقابل قدرت و جلوه ای از اتحاد کارگران تسلیم شده و مبلغی بکارگران پرداخت میکنند. اما مسئله مهم اینست که کارگران نورد بنحوائی از این مبارزه خود در پس گرفته و بقدرت اتحاد و تشکل خویش واقف شده و به ایجاد تشکیلات واقعی خود در کارخانه مبارز و رزند.

## یورش زاندارها نیز نتوانست مبارزات قاطعانه کارگران "بلوچین" را منحرف کند

در پی عدم پرداخت عیدی و پاداش و یکماه حقوق عقب افتاده کارگران بلوچین آمل، روز ۱۹/۱۲/۵۹ کارگران تصمیم میگیرند بعنوان اعتراضی بطرف فرمانداری راهپیمایی کنند. تلاشهای فرمانداری برای فریب کارگران به بهانه جنگ و متصرف کردن آنها از این اقدام به نتیجه ای نمیرسد و کارگران مطرح میکنند اگر خواهستههایشان برآورده نشود، در فریادنداری متحصن خواهند شد.

پس از رفتن فرماندار از کارخانه، کارگران مدیر تولید و دستیارانش را که از مزدوران صاحب کارخانه اند، بگروگان گرفته و دست به اعتصاب میزنند. سپس کارگران دوشیفت کارخانه ۲ نفر را از میان خود انتخاب میکنند تا شبانه سه روز کشیک دهند تا اینکه روز ۲۳/۱۲/۵۹ صاحب کارخانه مفت خور به آنها زاری شکایت میکند و مزدوران

رژیم نیز برای دستگیری اعضای شورای کارگران بکارخانه یورش میبرند. اما با مقاومت قهرمانانه کارگران مواجه میشوند. کارگران به افشای رژیم و وارگانهای سرکوبش نظیر زاندار و مری و پاسداران پرداخته و با فریاد "سگ زردبهرادر شغال!" نشان میدهند. مزدوران سرمایه داران را در هر لباس شناخته اند. در این روز کارگران از شدت خشم و برای رساندن فریادشان بگوش دیگر کارگران، دست به اعتصاب غذا میزنند.

سرانجام صاحب کارخانه سی به عقب نشینی داده و اقدام به فرستادن یکصد هزار تومان برای کارگران میکند. ولی کارگران آنرا قبول نکردند و اعلام میکنند تا یکماه حقوق عقب افتاده شان و دو ماه پاداش تمام پرداخت نشود به مبارزه خود قاطعانه ادامه خواهند داد.

## سخنی با رفقای بخش کارگری!

بمنظور بر خورد دقیقتر با مسئله دستمزد و ضرورت افزایش آن در وضعیت فعلی، با توجه به سطح گرانی و تورم و اینکه فصل بهار، فصل مبارزات کارگری بر سر افزایش دستمزد میباشد، لازم است که ما در این رابطه بتوانیم اطلاعات دقیقتری از اوضاع فعلی دستمزد در کارخانه مختلف داشته باشیم. لذا از شما مرفقا میخواهیم در ۳ زمینه زیر سوالات ما پاسخ دهند:

### بخش اول برخورد با وضعیت عینی دستمزد در کارخانه نجات:

- ۱- شکل پرداختی دستمزد در کارخانه شما چگونه است؟ الف - کارمزدی، ب - مزد ثابت روزانه با ضابطه انجام حداقل کار مشخص، ج - مزد ثابت روزانه، در رابطه با بند ب شوخ دهید که حداقل کاری که میبایست صورت گیرد و رابطه آن با نوع تولید و نظرتوان انجام توسط کارگران چگونه است؟
- ۲- ساعات کار روزانه و هفتگی چقدر است و به چه صورت (شیفتی یا ...)?
- ۳- میزان حداقل دستمزد در کارخانه شما چقدر است؟
- ۴- میزان دستمزد پرداختی بکارگران، کارمندان در درجه های مختلف، سرپرستان، فورمنها، مهندسین و مدیران کارخانه چقدر است؟ (دست - مزد و مزایا بطور جداگانه بنویسید).
- ۵- در کارخانه شما مزایا شامل چه چیزهایی میشود و مبلغ هر کدام چقدر است و در رابطه با کارگری و کارمندی چه تفاوتهایی دارد؟
- ۶- تعداد کارگران پیمانی ویا موقت در کارخانه شما چقدر است و وضعیت دستمزد آنها چگونه است؟
- ۷- آیا در کارخانه شما بین حقوق کودکان و زنان و مردان شغل اختلافی هست؟ میزان آنرا بنویسید.
- ۸- آیا کارگران غیر ایرانی در کارخانه شما کار میکنند؟ وضعیت دستمزد آنها چگونه است؟

### بخش دوم طبقه بندی مشاغل

طرح طبقه بندی مشاغل وضعیت آن در کارخانه شما چگونه است؟ آنرا بطور مفصل جدا - گانه بنویسید. تجربه و دید شما از این مسئله چیست؟

### بخش سوم

- ۱- تحلیلی از روحیات کارگران کارخانه (آگاه و پیشرو، متوسط و پائین) نسبت به مسأله افزایش دستمزد.
- ۲- آیا کارگران برای تامین ما یحتاج زندگی بقیه در صفحه ۷

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۲ سر مقاله

شاعرهای سیاسی، در واقع به مخدوش کردن مضمون سیاسی این روزا نجا مید.

تعیین اساسترین شاعرهای اول ماه مه از یکسودار ارتباط با خصلت طبقاتی این روز تعیین میشود که ما شاعر پرولتاریای ایران را که با پرولتاریای جهان در اشتراک است قبلا ذکر کردیم و از طرف دیگر با سطح جنبش توده‌ای، مرحله انقلاب و شناخت چگونگی قوای مفسوف دشمنان توده‌ها اعتلا انقلابی و در ارتباط مشخص است. بدین ترتیب برای تعیین شاعرهای سیاسی اول ماه مه پرولتاریای ایران با یستی نظری به شرایط جنبش بنفکیم و در این ارتباط با توجه به مبنای تاکتیکی، شاعرهای پرولتاریای ایران را تعیین کنیم.

با توجه به اینکه در شرایط کنونی رژیم جمهوری اسلامی، اصلترین نیروی است که در مقابل انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران قرار دارد. با توجه به شرایط اعتلا انقلابی و هر چه سیاسی تر شدن توده‌ها و کنده شدن روزافزون توده‌ها از رژیم، مسئله قدرت سیاسی، اساسی ترین مسئله‌ای است که مورد توجه پرولتاریای ایران قرار دارد. بدین ترتیب طرح شاعر پرولتاری در ارتباط با قدرت سیاسی، اساسی ترین شاعر پرولتاریای ایران را در ارتباط با مسائل کنونی جامعه تشکیل میدهد. بخصوص اینکه لیبرال‌ها و جاه‌نیزها و دمکراتهای ناپیگیری چون مجاهدین با طرح خلق پیداز حزب حاکم و ریزبونیستهای خروشقی و حزب جمهوری با طرح کنار زدن لیبرال‌ها، آلترنا تیبوهای خود را در ارتباط با قدرت سیاسی مطرح ساخته‌اند. شاعر پرولتاریای ایران طبعا شاعری بر علیه هر دو جناح حاکمیت خواهد بود و با توجه به اینکه طرح مستقیم شاعر سونگونی علیه رگم‌گاش بسیار توهمن توده‌ها، شاعری زودرس است، و این شاعر با یستی بطور غیر مستقیم طرح کرده، این شاعر عبارت خواهد بود از: مرگ میرا امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی و نیز طبیعی است طرح این شاعر با یستی با طرح مستقیم آلترنا تیبو پرولتاری در این شرایط یعنی "برقراری جمهوری دمکراتیک خلق" بمشابه سرانجام مبارزات انقلابی توده‌ها برهبری طبقه کارگر در این مرحله از انقلاب همراه باشد. در کنار شاعر اساسی پرولتاریای ایران در ارتباط با قدرت سیاسی، با یستی، به مسئله مهم دیگری در تبلیغات خویش توجه کامل می‌ذول داریم و در شاعرها، قطننا مه‌ها و پلاکاردهای خود آنرا بگنجانیم و آن طرح مسئله دمکراسی پرولتاری است. اما طبیعی است که این مسئله همپس از مسئله محوری یعنی قدرت سیاسی قرار دارند (هر چند که با آن مربوط نیز میشوند) در شرایطی که دفاع از دمکراسی در میان توده‌ها جا افتاده است، میبایستی لیبرالیسم بورژوازی را افشا کرده دمکراتیسم خرده بورژوازی را ارتقاء بخشید. بدین ترتیب لازم است با

طرح دمکراتیسم پیگیر، شعارهای زیر را هر چه بیشتر در میان توده‌ها تبلیغ کرد آزادی زندانیان سیاسی انقلابی، بازگشایی دانشگاهها این سنگر آزادی، آزادی فعالیت سیاسی، اجتماعات، مطبوعات، احزاب و... برای نیروهای انقلابی و کمونیست، آزادی تشکلهای توده‌ای و بخصوص دفاع از شوراهای واقعی کارگری و... در زمینه محکوم کردن جنگ ارتجاعی نیز بخصوص با یستی از جنبش آوارگان حمایت کرده و به محکوم کردن تضییقات و سرکوب آوارهگان توسط هیئت حاکمه پرداخت. همچنین رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق برای سرافروختن آتش این جنگ ارتجاعی و کشتارها و فلاکت توده‌ها محکوم گردند. بدین ترتیب شاعرهای خاص پرولتاریای ایران در شرایط کنونی حول محور قدرت سیاسی و پیکار علیه رژیم جمهوری اسلامی مطرح میگردد. ضمن اینکه از دمکراتیسم پرولتاری نیز در تبلیغات نشریات فابریک، قطننا مه‌ها، پلاکاردها و شعارهای شاعران در کنار مسئله اصلی با یستی مورد توجه قرار گیرند.

بدین ترتیب از هم اکنون لازم است تمامی قوای تشکیلات کمونیستی حول تبلیغ شاعران و خواستهای پرولتاری و نیز تدارک جشن اول ماه مه با شد. تبلیغات گسترده از پیش با استفاده از تمامی امکانات، اعلامیه‌ها، شعاریسی، نشریات فابریک و... با یستی به خدمت گرفته شود. تا توده‌ها بنیاسبت اول ماه مه پیش از پیش با شاعرهای پرولتاریای آشنا گردند.

### ۳- شکل برپائی جشن اول ماه مه

میدانیم انکال مبارزه بستگی به سطح جنبش توده‌ای دارد. جشن اول ماه مه در دوران رکود اعتلا موقعیت انقلابی یکسان برگزار نمیگردد. خا طرات رفیق کارگری در با کودر این مسورد جالب است:

" امروز وقتی برای تظاهرات اول ماه مه در اینجا جمع میشدیم، اجتماع بیباید مدکه ما برای اولین بار در سال ۱۹۰۰ تشکیل دادیم... ما در دانه‌های کوه را زمین جمع شده بودیم. برای جلب نکردن نظریلیس، مقداری غذا و مشروب نیز داشتیم ولی کسی در فکر خوردن نبود ما در باره وضع طبقه کارگر، ستمگریهای سرمایه‌داران، ما موران و پلیس‌های تزاری و کارهای آینده - ما ن حرف زدیم. افسوس که عده ما کم بود. جمعی سی نفر بودیم... عدهی شرکت کنندگان در جشن اول ماه مه با رسال زیبا در نبود. تنهادر بالاخانی مدوسی کارگر جمع شده بودند. پیش از سید کارگر در تظاهرات شرکت کردند. پلیس و ژاندارم به وحشت افتاده بود. ا سال نیز... ببینید، به اطراف اثار کرد. ا ژدر برگشت به جمعیت نگاه کرد. درپا را پت، جای سوزن انداختن نبود." (نینتا نوشته ثابت رحمان)

بدین ترتیب در دوران رکود، جشن محدود و شکل مخفی دارد و با آغاز اعتلا انقلابی و اوچگیری آن

اشکال تعرضی. مبارزه ما نند تظاهرات کارگران بکار گرفته میشود. تظاهرات خیا با نی بخوبی میتوانند شعارهای طبقه کارگر را میان توده‌ها ببرد و اتحاد کارگران را هر چه قویتر نشان دهد. تظاهرات خیا با نی بعنوان یک شکل تعرضی مبارزه در واقع بطور کامل میتوانند در شرایط اعتلا انقلابی در خدمت مضمون پرولتاری اول ماه مه بدر آید. البته در اینجا لازم است به سه دو درک اساسی انحرافی نسبت به شکل مبارزه "تظاهرات" انجام گیرد:

یکی درک راست، که لزوم برپائی تظاهرات گسترده را در شرایط اعتلا انقلابی کنونی اساسی کند و شرایط سیاسی وسط جنبش توده‌ها، برآمد جنبش، بحران، وضعیت درون هیئت حاکمه و... را در نظر نگیرد و دیگری درک "چپ" و گمنا تیبستی که بخواد در هر شرایطی روز اول ماه مه را بصورت تظاهرات گسترده برپا دارد. طبیعی است با توجه با دامنه امواج اعتلا در نقاط مختلف ایران و علاوه بر آن بدلیل نیرومندی رژیم در برخی نقاط و جوا کم پلیسی نیرومندی در برخی شهرها، که در نتیجه تظاهرات خیا با نی گسترده نیروهای کمونیست، ضربات جبران ناپذیری را بر آنها وارد میکند و نیز اینک در برخی نقاط بعلت ضعف خود، توانائی برپائی این شکل مهم و اساسی جشن اول ماه مه را نداشته ایم. بایستی از اشکال دیگر برپائی جشن اول ماه مه استفاده کنیم.

بدین ترتیب لازم است تشکیلات سازمان در سراسر ایران و نیز رفقای هوادار در هر نقطه‌ای از ایران روز اول ماه مه را جشن بگیرند. طبیعی است شکل اصلی برپائی این جشن تظاهرات گسترده با همکاری دیگر نیروهای کمونیست (در چهار چوبه منطبق با اهداف روز جهانی کارگر) است. اما در شهرها و روستاهای بزرگ و کوچکی که امکان برپائی تظاهرات گسترده وجود ندارد رفقا موظفند بصورت متناسب با شرایط جشن روز اول ماه مه را برپا دارند. لازم است رفقا در این جشنهای کوچک نیز، اهداف جشن اول ماه مه را توضیح داده و بروی شعارهای سیاسی فوق، کار آگاه‌ها را نه نمایند. ما دست تمامی رفقا را در برپائی هر چه با شکوهتر جشن خیا با نی کارگران در سراسر ایران میفشاریم. بگذارد جشن اول ماه مه امسال، نیز پیشت بورژوازی را از قدرت اتحاد و همبستگی طبقه کارگر بلرزاند. بگذارد جشن اول ماه مه امسال بیش از پیش شعارهای پرولتاریا - شی را میان توده‌های وسیع ببریم. بگذار جشن اول ماه مه امسال بیش از پیش راه را برای پیکار در راه آزادی طبقه کارگر هموار سازد.

زنده باد اول ماه مه!  
مرگ میرا امپریالیسم و ارتجاع!  
زنده باد کمونیسم!

زنده باد پیکار توده‌ها بر علیه رژیم جمهوری اسلامی!  
برقراری جمهوری دمکراتیک خلق!







خلق ها و مسئله ملی

بقیه از صفحه ۵ سفر...

بنی مدروولیرالها بهمان اندازہ حزب جنایتکار جمهوری اسلامی، دستشان به خون زحمتکشان کردستان آغشته است .

اخیرا نیز در رابطه با توبه و امان نامه و جنگ روانی که جمهوری اسلامی بر علیه خلق کرد و جنبش مقاومت ایجا کرده، آیت الله شراقی به کردستان مسافرت کرد، استاندار آذربایجان غربی در مورد سفر شراقی به کردستان گفته است :

"بررسی نحوه دادن امان نامه و دادن اطمینان به نیروهای که به سبب تبلیغات تاکنون خود را تسلیم نکرده اند و همچنین بکار گرفتن صحیح و مثبت نیروهای که تسلیم می شوند و همچنین ارشاد و راهنمایی و جلب اعتماد و بیان حقایق از امور است که در ما موریست آیت الله شراقی بدان توجه میشود." (کیهان ۱۶ فروردین)

سفر شراقی به کردستان قبل از هر مسئله، تلاشی است که رژیم برای جبران رسوایی توبه و امان نامه و گسترش تبلیغات به حول این سیاست میکند. اما از مضمون سخنان استاندار مورد سفر شراقی به دو نکته میتوان پی برد:

۱- وحدت لیبرالها و حزبیهاد سرکوب خلق کرد: چنانکه میدانیم در جنگ قدرت بین دو جناح رژیم، شراقی در صف لیبرالها قرار دارد. حال که رژیم از سرکوب خلق ستم دیده کرد و در مقابل اران متحد و یکپارچه این خلق قهرمان عاجز مانده است، شراقی لیبرال برای تکمیل توطئه های رژیم در جهت ایجاد جنگ روانی بر علیه خلق کرده کردستان رفته است. خلق کرد و تمام نیروهای آگاه ایران بخوبی میدانند که تبلیغات رژیم حول توبه و تسلیم پیشمرگان انقلابی و تحویل اسلحه و گرفتن امان نامه

یک توضیح:

اخیرا جزوهای تحت نام "چرانان چاربه" جدائی از سازمان پیکار شدیم! "بهامضای سه تن از اعضای سابق س-ب" منتشر شده است. نویسندگان این جزوه با انتشار آن "انشعاب" خود را از سازمان اعلام کرده اند. ما ضمن تکذیب چنین انشعابی که از سوی نویسندگان این جزوه در سطح جنبش اعلام شده است، توضیح میدهم که نویسندگان فوق، عناصرا پورتونیستی هستند که مدتها پیش بدلیل عدم صلاحیت خود از سازمان تصفیه شده بودند. آنها اکنون پس از گذشت این مدت، بفکر اعلام "انشعاب" افتاده اند و با

انتشار این جزوه کذائی و بهیاری و کمک بی - دریغ کسانی که هر مخالفت پورتونیستی با سازمان ما را به سود خویش یا فتنه اند، دکمان جدیدی برای خود بنا ز کرده اند. این سه نفر در خارج از کشور، در ارتباط با بخش منشعب از سازمان مجاهدین (بخش خارج از کشور) قرار گرفتند. دوفرازانها در نیمه اول سال ۵۷ از

طرف این ارگان عضوگیری میشوند. و با این تلقی بحد از قیام به داخل ایران میآیند. و در ارتباط با سازمان قرا را میگیرند. لیکن از همان ابتدا بدلیل خصوصیات و گرایشات شدیداً روشنفکری آنها و نیز عدم صلاحیت های ایدئولوژیکشان، عضویت آنها معلق شده و در پراستیک تسوده ای سازماندهی میشوند. پس از طی چندین ماه، به دلیل تزلزلاتشان نسبت به مواضع سازمان (از موضع راست) و نیز بدلیل تعمیق صف ها و انحرافات فردیشان، از حالت تعلیق عضویت در آمده و عضویت آنها لغو میگردد و بنا بر ترمینیل خودشان در حاشیه تشکیلات سازماندهی میشوند.

اما پس از گذشت چند هفته، بدلیل برخورد های غیر مادیانه و سازمان شکنانه شان، رابطه سازمان با هر سه آنها بطور کامل قطع میشود. عناصرفوق اکنون و پس از گذشت چندین ماه از اخراج آنها به اصطلاح اعلام انشعاب نموده اند. ما ضمن رد این ادعا، توضیح فوق را برای جلوگیری از سوء استفاده بیانا و روشن شدن اذهان جنبش، ضروری دانستیم.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۲۱ تظاهرات...

این تحلیل از رژیم، مسئله جنگ و... آیتها با لایحه تا کتیک تظاهرات را فارغ از هر اما و آگری در شرایط کنونی، مجاز می شمارد. و آگرمی شمارد، در چه شرایطی، چگونه و با چه مختصات؟ و نیز با این قلمفرسائی در مورد شرایط ذهنی توده ها، توهمات آنها، شناسب نیروها، وضعیت کمونیست ها و نیروهای دمکرات و... با لایحه آ آ کمونیست ها و نیروهای انقلابی میتوانند و یا بد ز تا کتیک شعری تظاهرات

استفاده نمایند یا نه؟

دروغی بیش نیست و جنبش مقاومت و روحیه پیشمرگان تحت تا شیر چنین تبلیغاتی نه تنها متزلزل نشده است بلکه گرایش هر چه بیشتر توده های وسیعی از خلق کرد بطرف سازمان نهیسی انقلابی - کمونیستی در کردستان، راه هرگونه تزلزل و تسلیم طلبی را مسدود کرده است. به همین علت لیبرالها در پی جبران شکست سیاسی رژیم در این جنگ روانی بر آمده و چهره عوام فریبی همچون شراقی را برای "بررسی نحوه دادن امان نامه و اطمینان دادن به نیروهای که تسلیم نشده اند" به کردستان فرستاده اند.

۲- استفاده از خائنین بر علیه

همچنانکه با رها گفته ایم توبه و گرفتن امان نامه از جانب پیشمرگان انقلابی و خلق کرد دروغی بیش نیست. مبارزات سیاسی گسترده خلق کرد با رژیم در شهرهای کردستان از یکسو و نبرد مسلحانه بی امان پیشمرگان انقلابی از سوی دیگر بروشنی دروغ بودن ادعا ها و شایعات رژیم را ثابت میکند. آنها که تسلیم شده و امان نامه دریافت میکنند و ریزیونیست های خیانت پیشه سازمان چریک های فدائشی اکثریت و مزدوران خائنی همچون حامد بیگها و سارمان مدی ها و... هستند که جنبش مقاومت خلق ستم دیده کرد را دستاویز حصول به منافع کثیف خود قرار داده و با تسلیم شدن در برابر جمهوری اسلامی و دریافت امان نامه خود را ک تبلیغاتی این رژیم ضد خلقی را فراهم میکنند و در واقع آیت الله شراقی نیز از جمله "سرای بکار گرفتن صحیح و مثبت" این چنین نیروهای خائنی و ضد خلقی بر علیه خلق کرده و اسفاده از آنها، جهت سرکوب زحمتکشان کردستان به آنجا سفر کرده است.

اما تیر عوام فریبانی همچون آیت الله شراقی اینبار نیز به سنگ خواهد خورد، چرا که خلق کرد، علاوه بر گسترش مبارزه سیاسی - نظامی خود بر علیه هر دو جناح رژیم، با افشا و طرد خائنین تسلیم طلبان و سازشکاران، فرصت استفاده از خائنین را به شراقی نخواهد داد.

آن به مبارزه خواهد پرداخت ولی در عین حال در شرایط فعلی با توجه به فعالیت علنی سازمان نهیسی در کردستان بخصوص در یوکان از جانب دیگران و لولیت دادن به مسائل آموزشی و جبران عقب ماندگیهای درسی، عملاً بحث مسائل سیاسی کمتر ضرورت یافته بخصوص تبلیغات گروهی بهیچوجه بعمل نیامده است و آنها هم حزب مبتنی بر ایجا در انحراف فکری جوانان با تبلیغات تنگ نظران گروهی کاملاً بی اساس و واهی است.

(خبرنا مه کومه ۱۱۸)



پیروزی باد جنبش مقاومت خلق کرد

بیاد شهیدان فروردین

اعدام کارگران بیگار در ورود

۳۰ - در سرکوب مبارزات بیگاران درود فروردین ۵۹ شهید احسن فاضلی (کارگر) و مرتضی دزگانه بدست رژیم جمهوری اسلامی به اعدام محکوم شده و شهبازان شدند.

ششمین سالگرد جنایت هولناک رژیم شاه

روز ۲۹ فروردین ۵۴، آدم کشان رژیم جنایتکار رووا بسته به امیریا لیسما شاه ۹ تن از فرزندان مبارز خلقی که ظمذوا لائوا رومطلقاً جوان خوشدل (ازما هدین) و بیژن جزئی، حسن ضیاء ظریفی، عباس سورکی، محمد علی جویا نژاد، سعید گلانتی، عزیز سردی و واحد گلایل افشار را که در زندان اوین اسیر بودند، شبانه به تبه های اوین کشانیده و به رگبار مسلسل های آمریکا بی بستند. این جنایتکاران ندهنده رژیم خونخوار را به بیش از بیست افشا کرده و ما هیئت پلید آنرا برای جهان با بیارما ساخت

گرامی باد خاطره سرما از انقلابی رضاشمس آبادی روز ۲۱ فروردین ۴۴ سرما از انقلابی رضاشمس

آبادی که قصد ترور شاه جلاد در کاخ مرمره ادا داشت بدون اینکه موفق شود با این خون آشام آسیبی برساند، در اثر گلوله های مزدوران شاه به شهادت رسید. او در ارتباط با یک گروه کمونیستی دست با این عمل زده بود.

یادشان گرامی باد!

بقیه از صفحه ۳ سخنی با همه

۱- خدا زکمانی وام گرفته اند؛ و اگر گرفته اند مبلغ آنرا ذکر کنید.

۲- خواسته های که هم اکنون در کارخانه ندشما بشوئی میتوانند به افزایش دستمزدها مربوط شوند کدا میا هستند؟

۳- کارخانه شما در رابطه با سود و زیاده مبارزه ای داشته و با رد (در هر سطحی)؟

۴- از نظر شکل (نور یا سنیگا) وضعیت کارخانه شما چگونه است؟

۵- با توجه به وضعیت کارگران در شرایط فعلی، شما چه میزان افزایش دستمزدها را پیشنهاد میکنید؟

۶- با توجه به وضعیت کارگران، شما چه شکلی مبارزه را در کارخانه و در شرایط فعلی پیشنهاد میکنید؟

ببروز با سدا!

۱ - معظم کوبین های سز رسد، ۱۹ - شترود - هبوا دار	۲۰۰۰۰	رفقای کارگر ۲۰۰۰۰
۲۱ - سلمان - ش ۳۰۰۰	۵۰۰	ش ۱۵۰۰
۲۲ - مادردلسر و قهرمان برجم	۲۰۰۰	۱۱ - را صبر - ش ۵۰۰۰
۲۳ - کربلا شترود	۲۰۰۰	۱۲ - شهبان - ش ۸۰۰۰
۲۴ - اسلام - الف ۲۳۰۰ و کوبین اراق رسول ۱۰۰۰۰	۲۰۰	الف - ب ۱۰۰۰۰
۲۵ - گیلانغرب - ش ۶۹۰۰	۲۰۰	۱۳ - شرا ز - کارگران آوارا: ۸۹۰۰
۲۶ - کرمانشا در رفقای ۱۰۰۰۰	۲۰۰	۱۴ - شهید معظمین ۲۰۰۰
۲۷ - کوجولوب ۲۰۰۰۰ - الف ۲۰۰۰	۲۰۰	۱۵ - سبوا ر - ش ۱۰۰۰
۲۸ - محمد سلیمان - ش ۲۴	۲۰۰	۱۶ - زخان - رفیق ۱۰۰۰
۲۹ - ما در زلفنون تا مه مبلوا ز	۲۰۰	۱۷ - سرخ - الف ۵۰۰
۳۰ - شورا خنالی همبراه ۲۰۰۰	۲۰۰	۱۸ - کجا ران - رفیق ۲۰۰۰
۳۱ - سومان دربا نرسد	۲۰۰	۱۹ - آنزلی - طوفان مدینه بودرجمه کوبین خوارا ۲۵
	۲۰۰	۲۰ - سا هگل - هوا داران ۱۰

۱۰۰۰۰	ح	رفقای کارگر:
۵۰۰۰	ص	
۲۰۰۰	م	
۱۲۰۰۰	الف	
۱۰۰۰۰	ب	معلم هوا دار
۱۰۰۰	ج	کارگر پوش
۱۰۰۰	د	ج - کارگر خرا جی
۲۰۰۰	ه	رفقای رهروس - ب
۱۲۱۰۰	و	رفیق زندانی
۵۰۰۰	ز	ن کارگر
۱۰۰۰۰	ح	اف معلم
۲۰۰	ط	احمد دیلمه بیگار
۲۰۰	ث	حسین کارگر سلمانی
۷۰۰۰	ج	خانواده های هوا دار
۵۰۰۰	ح	شهرکرد:
۱۰۰۰	ط	محمد ۵۰۰ و
۲۵۰۰	ث	منظم
۲۲۰۰	ج	شیرعلی
۵۰۰۰	ح	آمان
۱۰۰۰	ط	منطقا ران
۱۰۰۰	ث	سیوا ب - سامان
۱۵۰۰	ج	آستانه:
۸۰۰	ح	ل کارمند
۶۰۰	ط	دانش آموز هوا دار
۹۰۰۰	ث	ل دانش آموز
۹۰۰۰	ج	دانش آموزان بدون کده
۱۷۰۰	ح	لاهیجان:
۵۰۰۰	ط	م - دیلمه
۱۰۰۰	ث	م - دیلمه
۲۵۰۰	ج	رفیق آخرا جی
۲۵۰۰	ح	رفیق دکاندار
۱۰۰۰۰	ح	کارگر خرا جی
۱۴۰۰۰	ح	رفیق دربند
۱۶۰۰۰	ح	عمدی هوا داران
۹۰۰۰	ح	دیلمه م
۱۰۰۰	ح	بروجرد:
۱۰۰۰۰	ح	سعید
۱۰۰۰۰	ح	بدرشیر
۱۵۰۰۰	ح	بدرتقاب مارز
۲۰۰۰	ح	دوستان خیدرها بلاکمان
۱۰۰۰۰	ح	دانشا ش عروسی هوا داران
۵۶۵۰	ح	دزفول:
۵۰۰۰	ح	ک - م
۱۵۰۰	ح	ی - م
۲۰۰۰	ح	آفرین
۲۰۰	ح	علی
۲۰۰	ح	۲۰ لیترین
۱۱۰۰۰	ح	خوزستان:
۱۱۰۰۰	ح	باران احمدپس
۱۱۰۰۰	ح	باران احمدافند
۲۰۰۰	ح	عمدی باران احمد
۲۰۰۰	ح	هسته باران احمدکوبین
۲۰۰۰	ح	خوارا برای پیشمرگان
۲۰۰۰	ح	سنندج:
۷۰۰۰	ح	ه
۶۰۰	ح	ع معلم
۵۰۰۰	ح	اکبر
۲۰۰	ح	فا خانه دار
۲۰۰	ح	کک مالی رفقای خارج:
۲۰۰	ح	آمریکا لاشن - رفیق L
۲۰۰	ح	دارو
۲۰۰	ح	آلمان غربی - اتحادیه
۲۰۰	ح	دانستجویان ایرانی دارو
۲۰۰	ح	آلمان و برلین غربی - اتحادیه دانشجویان ایرانی
۲۰۰	ح	سازگاری
۲۰۰	ح	رفقای "تو" ۴۰۰۰۰ ریال
۵۰۰۰	ح	۱ - ماکو - همزاده دوکوبین
۱۰۰۰	ح	سبزی
۱۰۰۰	ح	۲ - سامان - شهاب ۶
۱۵۰۰	ح	لیترین
۲۰۰۰	ح	۳ - هفت شعبه کارگرگاند
۹۰۰	ح	با برین
۲۰۰۰	ح	۴ - سامانکوه - دیلمه
۵۰۰	ح	هوا دار
۹۱۰	ح	۵ - سندرکینیا شجر - کارگر
۲۴۶۰	ح	۶ - فولادشیرش - ش
۴۰۰۰	ح	۷ - سرخ - الف ۵۰۰
۵۰۰	ح	۸ - کجا ران - رفیق ۲۰۰۰
۵۰۰	ح	۹ - آنزلی - طوفان مدینه بودرجمه کوبین خوارا ۲۵
۲۴۰	ح	۱۰ - سا هگل - هوا داران
۱۰۰۰۰	ح	معلم روستا
۱۰۰۰	ح	ک - بانک مرکزی
۱۰۰۰	ح	هدایای عروسی دورفیش
۱۰۰۰	ح	هوا دار
۱۰۰۰	ح	ه - ۱۱ ساله برای
۸۰۰	ح	پیشمرگان
۲۰۰۰	ح	عمدی و با داش رفیق
۲۰۰۰	ح	کارمند
۵۰۰۰	ح	ج - دانش آموزا زیدی خود
۲۵۰۰	ح	د - (۲۷) عمدی برای
۲۴۰۰	ح	سازبان سید بیطوی ۲۹۰۰۰
۲۴۰۰	ح	ازا هوا زم - اروج + ن
۱۰۰۰	ح	رفقای جنوب شهر
۶۶۰۰۰	ح	م - الف هوا داران لیترین
۲۰۰۰	ح	ر - مهنا ز - م دانش آموز
۱۰۰۰	ح	عمدی
۲۵۸۰	ح	دا ودا آلیمان غربی
۲۵۸۰	ح	جمع شهید علوی شونتهی
۱۲۲۰۰	ح	فلک ازبد - د جنوب
۶۴۰۰	ح	م - م ف لیترین
۹۰۰۰	ح	زنونوهرکارگر (الف الف)
۱۱۲۰۰	ح	کوبین غذا برای کوبه
۱۲۰۰۰	ح	مصوم کوبین خوارا و باوشت
۲۵۰۰	ح	رفیق مریم هدیه طلا رسد
۱۶۲۵۰	ح	م - م تلویزیون رسد
۱۶۲۵۰	ح	الف - ۲۱ لیترین کوبین
۸۶۰۰	ح	ر - ش - ۲۰ و سا ل پزشکی
۸۶۰۰	ح	+ دارو + ۲۵ کیلو برنج
۸۶۰۰	ح	ر - ش - (۲۰) ماشین حساب - دستی
۱۲۲۰۰	ح	مرضی الف ۶۰۰ لیتر
۱۰۰۰	ح	کوبین بنزین
۶۰۰۰	ح	مادرما رزم - کوبین
۲۸۰۰	ح	بنزین
۲۸۰۰	ح	رفیق هوا دار رگلی هدیه
۲۲۲۰۰	ح	آرزنده ات درد و نوبت رسد
۷۰۰۰	ح	رفیق محمد دانش آموز
۵۷۰۰	ح	کلاس سوم دبستان بهر راه با
۸۵۰۰	ح	نامه ای فلک بول خود
۲۵۹۰۰	ح	را فرستاده است فلک رفیق
۲۲۷۰	ح	۱۲۲۹ ریال داشت
۲۱۱۰	ح	ککهای مالی رفقای کارگر
۱۳۰۰۰	ح	وهسته های کارگری شورا ن
۸۰۰۰	ح	هسته های کارگری:
۹۶۵۰	ح	۱ - صنعت ۲۵۰۰۰ + ۱۲۵
۵۵۰۰	ح	۲ - شعل
۵۱۶۰۰	ح	۳ - صنعت ۲۵۰۰۰ + ۷۰۰
۱۱۰۰۰	ح	لیترین
۱۵۰۰۰	ح	۴ - کفش سازی ۲
۲۶۵۰۰	ح	۵ - عمدی ازبک با نامه
۱۰۰۰۰	ح	کارگران نساجی ۱
۲۶۵۰۰	ح	عوزها کارگری کفش سازی
۱۰۰۰	ح	الف - ش کارگر وینا سا
۲۰۰۰	ح	ر - م از حوزه کارگری
۲۳۰۰	ح	صباغ ایزکارخانه
۱۲۰۰۰	ح	زاهدی ایزکارخانه
۲۵۰۰	ح	تا سینوال
۱۵۰۰	ح	ص - کارگر
۶۰۰	ح	کارگر نساجی کک مالی رسد
۶۱۰۰	ح	کارگر تریسوی
۳۲۰۰	ح	کک مالی دارویی
۳۲۰۰	ح	غلامرضا کارگرفشان کوبین
۳۰	ح	لیترین بنزین
۷۰۰۰	ح	سودویزه رفقای کارگرداویی:
۷۰۰۰	ح	نا هید
۱۰۰۰۰	ح	صدیقه
۲۰۰۰	ح	ب
۲۱۰۰۰	ح	سودویزه یکسال ش
۵۰۰۰	ح	هوا ز:
۱۰۰۰	ح	ز الف
۱۰۰۰	ح	م کارگوزن
۱۵۰۰۰	ح	ب - ب
۲۰۰۰	ح	کارمند
۹۰۰	ح	احتر
۲۰۰۰	ح	تکسین
۵۰۰	ح	مادر محمد
۹۱۰	ح	ع سرما زوظیفه
۲۴۶۰	ح	آرگان مصلحین
۴۰۰۰	ح	کارگر هفت شعبه
۱۰۰	ح	مخوچهر ۹ ساله از شوش
۱۰۰	ح	هوا داران آوارا شوش
۵۰۰	ح	م - م کارگر
۵۰۰	ح	غ کردی شوش
۵۰۰	ح	الف - ص دوکوبین
۲۴۰	ح	لیترین

۸۰۰۰	۴	۲۲۰۰	ه	شهران:
۱۰۰۰۰	۴	۱۲۳۰	گ	آ
۲۰۰۰	ح	۲۱۰۰۰	الف - الف	۴۲۰۰
۸۰۰۰	ح	۱۸۱۰۰	الف - ط	۶۸۰۰
۲۱۰۰	ح	۱۱۲۰۰	ب - ح	۱۲۰۰۰
۱۱۱۰۰	ح	۲۵۱۰۰	ب - س	۱۱۲۳۰
۲۵۰۰	ح	۹۲۰۰	الف - ک	۱۶۰۰۰
۵۰۰۰	ح	۸۹۹۰۰	ف - س	۲۵۱۰۰
۲۴۰۰	ح	۵۰۲۰	ز - م	۲۴۰۰
۲۴۰۰	ح	۲۷۱۰۰	ب - ف	۷۰۰۰
۲۵۰۰	ح	۱۱۲۰۰	م - ب	۶۵۰۰
۲۵۱۰۰	ح	۲۵۱۰۰	ط - الف	۲۵۰۰
۱۲۵۰۰	ح	۲۲۱۰۰	ب - ف	۲۰۰۰
۶۰۰۰	ح	۲۲۰۰	ز - کارگر	۶۱۰۰
۲۵۸۰	ح	۱۵۱۰۰	ب - ف	۱۱۰۰۰
۲۵۸۰	ح	۳۵۰۰	امیر	۹۰۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۷۰۰۰	ک شیراز	۴۰۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۶۱۰۰	ع برین	۱۱۲۳۰
۶۴۰۰	ح	۶۰۰۰	م دانش آموز	۸۵۰۰
۹۰۰۰	ح	۴۰۰۰	ک تاکستان	۲۲۰۰
۱۱۲۰۰	ح	۸۲۰۰	ت کارگر	۲۵۰۰
۱۲۰۰۰	ح	۳۰۰۰	ب کارگر	۲۰۰۰
۲۵۰۰	ح	۳۲۵۰	ب - ب برای کوبه	۹۰۰۰
۱۶۲۵۰	ح	۱۱۱۰۰	ف جگده	۲۲۲۵۰
۱۶۲۵۰	ح	۱۰۶۰۰	نارنارلا کردستان	۲۴۰۰
۸۶۰۰	ح	۲۲۰۰	ر	۲۲۰۰
۸۶۰۰	ح	۷۲۰۰	س	۱۲۴۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۱۲۲۰۰	ت	۱۲۲۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۷۰۰۰	ث	۷۰۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۶۸۰۰	ج	۶۸۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۳۶۰۰	د	۳۶۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۵۱۳۰۰	ذ	۵۱۳۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۱۱۲۰۰	ر	۱۱۲۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۱۶۰۰۰	ز	۱۶۰۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۹۰۰۰	ح	۹۰۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۲۲۳۰۰	ط	۲۲۳۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۱۲۴۰۰	ث	۱۲۴۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۱۱۰۰۰	ج	۱۱۰۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۵۸۰۰	ح	۵۸۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۱۵۰۰	ط	۱۵۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۱۴۰۰۰	ث	۱۴۰۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۵۲۶۰	ج	۵۲۶۰
۱۲۲۰۰	ح	۶۰۰۰	ح	۶۰۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۵۲۵۰	ط	۵۲۵۰
۱۲۲۰۰	ح	۲۴۰۰	ث	۲۴۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۲۱۰۰	ج	۲۱۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۱۸۰۰	ح	۱۸۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۱۱۲۰۰	ط	۱۱۲۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۲۱۲۰۰	ث	۲۱۲۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۵۵۰۰۰	ج	۵۵۰۰۰
۱۲۲۰۰	ح	۴۵۰۰	ح	۴۵۰۰

بقیه از صفحه ۳۲ اطلاعیه

لیکنند ملیح و با دادن خرده امتیازاتی محدود،  
دامنه تزلزل را در صفوف نیروهای ناپیگیسر  
افزایش داده و آنان را به جبهه بورژوازی فرا-  
خواند، تا در سرکوب جنبش و نیروهای راستین  
انقلابی، بویژه کمونیست ها میدان باز شود و قدرت  
متمرکزتری را بدست آورد.

اطلاعیه داستانی، چنین هدف مزورانه ای را  
دنبال میکنند زمانی که در بند خود میگویند:  
"گلبه حزب و گروهی که بر ضد جمهوری  
اسلامی ایران اعلام مبارزه کرده اند، چنانچه  
موضع قبلی خود را رها نکنند و سلاح های خود  
را تحویل سپاه ساداران یا مقامات انتظامی  
دهند و موضع خود را رسماً اعلام نمایند، میتوان  
در چهار چوب قانون فعلی سیاستی (ا) داشته  
باشند. سپس در بند ۹ "دمگراسی" خود را تکمیل  
میکند و میگوید: "گلبه حزب و گروهها اجازه  
منظور و بحث های عقیدتی و سیاسی از طریق  
وسائل ارتباط جمعی را در حدود امکانات دارا  
میباشند. مگر آنها که اعلام مبارزه مسلحانه بر ضد  
نظام جمهوری اسلامی کرده و موضع خود را تغییر  
نداده اند. "ظاهراً هم، متصفاً به نظر میاید  
چنین شعوری را بوجود میورد که رژیم نسبت به  
قوانین و طرح های گذشته کاملاً به جلو برداشته  
است. در وهله اول چنین القاء میشود که رژیم  
تنها با بطلان رسمیت شناختن و قانونیت احزاب  
و نیروها را "رها کردن" مبارزه مسلحانه با رژیم  
قلمداد کرده است و دیگر مانند طرح ها و قوانین  
گذشته هرگونه مخالفت و ضدیت با رژیم جمهوری  
اسلامی را ملایم خود قرا نمیدهد و اما این تنها  
ظاهر قضیه است. در خروس زمانی بیرون میاید  
که اطلاعیه در بند ۸ خود اعلام میکند: "حزب و  
گروهها مجاز به تشویق و تحریک به اعتصاب، کم-  
کاری و یا هر نوع اغلال در موسسات مختلف کشور  
نیستند و چنانچه مواردی مشاهده شود متخلفین  
تحت پیگیری قانونی قرار میگیرند." و در بند ۷:  
"گلبه احزاب و گروهها در بیان آراء و افکار  
سیاسی آزادند بشرط اینکه مشتمل بر سر دروغ،  
تهمت و تحریک نباشند." (ا) (تا کید از است)

رژیم در واقع از احزاب و نیروها میخواهد که  
دست از شرکت در مبارزه طبقاتی بزدارند و  
همچون رویزیونیست های توده ای و اکثریت به  
مجیز گویان رژیم تبدیل شوند، آنگاه حقیقت  
"فعلییت سیاسی" را خواهند داشت. رژیم می-  
خواهد که نیروهای انقلابی از افشای نظام حاکم  
سیاست های رژیم و ماهیت واقعی آن دست بر-  
دارند، آنگاه تا حق "فعلییت سیاسی" آنها محترم  
شمرده شود. مفهوم "دروغ و تهمت و تحریک" در  
فرهنگ ارتجاعی رژیم های بورژوازی و ضد  
انقلابی و منجمله رژیم حاکم، به اندازه کافی بر  
توده های آگاه روشن است و نیازی به تفسیر  
ندارد. در فرهنگ اینان، افشاکاری نیروهای  
انقلابی بر علیه رژیم، "دروغ، تهمت" معنی می-  
دهد و جز این نیز نمیتواند باشد. در فرهنگ اینان

بقیه از صفحه ۳۲ معرفی  
درباره سازمانهای کارگری

آزاد سنا دکمیسترن

ترجمه - مافی

از انتشارات: نشر تند

مبارزات سندیکا شی یکی از قدیمی ترین  
اشکال مبارزه پرولتاریاست. از نظر کمونیستها  
این مبارزه هر مسمی در خدمت پرورش سیاسی  
پرولتاریا جهت دستیابی به مضمون و هدف  
اساسی مبارزه پرولتاریا یعنی برقراری  
دیکتاتور انقلابی خویش میباشند.

طبقه کارگر ایران در گذشته به سبب مجموعه  
عوامل عینی و ذهنی از جنبش شکلی از مبارزه  
با مضمون فوق الذکر محروم بوده است ولی در  
شرایط کنونی که بحران عمیق اقتصادی -  
سیاسی جامعه را در بر گرفته و اعتلاء انقلابی روند  
عمومی آنرا تشکیل میدهد، کمونیستها ی ایران  
این شکل از مبارزه را چه از نظر متشکل کردن  
وسیع ترین توده طبقه و چه از نظر پرورش سیاسی  
آنها با ید مورد توجه قرار میدهند.

بر اساس چنین ضرورتی است که شناخت  
اصولی از مضمون ما رکمیستی سازمانهای  
توده ای کارگری و مبارزات سندیکا شی طبقه  
اهمیت می یابد بویژه که اولاً انحراف به راست  
موجود در جنبش کمونیستی تاکنون مانع تمرکز  
و توجه کامل روی پرورش سیاسی و شکل طبقه  
گردیده است تا نیا درکهای رفرمیستی و سازش-  
کارانه از تاجادیه های کارگری که رویزیونیست

"تحریک" یعنی شرکت در مبارزه عادلانه توده ها  
بر علیه نظام حاکم و سازماندهی و هدایت مبارزه  
طبقه ای توده های زحمتکش، وظیفه ای که اولین  
شرط انقلابی بودن یک نیروی سیاسی است.  
رژیم با برداشتن این "شرط" کوچک میخواهد  
نیروهای سیاسی، به موجوداتی اخته و "بی ضرر"  
برای بورژوازی تبدیل شوند. بنا بر این روشن  
است که گردن گذاشتن نیروهای سیاسی به مواد  
این قانون ارتجاعی، بمعنای تبدیل شدن به  
یک سازمان سیاسی بورژوازی و بدور انداختن  
درونمایه انقلابی خویش است. رژیم، نیروهای  
انقلابی را به چنین گرداب مشغفنی فرا میخواند  
و چنین در باغ سبزی "آزاد" به روی نیروهای انقلابی  
بازی میگذارد. "بحث آزاد" مطلوب رژیم،  
بر اساس چنین پیش شرط ها و قوانینی "بحث  
آزاد" میان رژیم حاکم، با نیروهای سیاسی  
خیانت پیشه ای است که با پشت کردن به مبارزه  
طبقه ای و خیانت به توده ها، خود را به بورژوازی  
فروخته اند. فقط نیروهای چون حزب توده و اکثریت و  
سه جهانی های خائن و بیانیهروها شی که بخواهند از این  
پس به آرمان انقلاب خیانت ورزند و به در پیوزگی  
در آستان بورژوازی بپردازند، میتوانند به بگه  
گویان چنین قوانینی باشند و به آن گوردن  
گذارند. مسئله بر سر بهره گیری انقلابی از

های خاش مبلغ آن میباشد. بسیار رایج  
است تا لاشا خود جنبش کمونیستی نیز به درکهای  
انحرافی از تشکلات توده ای کارگری آلوده  
بوده است.  
در چنین رابطه ای است که ما معرفی کتاب  
ارزنده ای در این زمینه را که اخیراً منتشر  
گردیده است ضروری دانستیم.  
این کتاب مشتمل بر دو بخش (سندیکا ها و  
فعلییت در تمانی ها) میباشد که مجموعه ایست  
از قطعاتی که در دومین، سومین و چهارمین  
کنگره انترناسیونال دوم.

علاوه بر اینها، در مقدمه هر بخش قسمتی از  
قطعاتی که بین الملل اول را در باره درک  
"مبارزات اقتصادی و مبارزات سیاسی" سندیکاها  
و "کار تعاونی ها" آورده است که توسط ما رکس  
آنوزگار کیپر پرولتاریا نگاشته شده اند. این  
قسمتها در عین اختصار خود بسیار غنی و  
نگرش انقلابی مارکس از این مضامین میباشند.  
ما ضمن توصیه مطالعه این کتاب را ارزنده  
به همه کمونیستها و هر کارگر آگاه و بیداری، توجه  
رفقا را به این نکته مهم جلب میکنیم که مطالعه  
این اثر نه تنها از زاویه پیدا کردن درک  
ما رکمیستی از مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه،  
ما زمانهای کارگری و وظیفه کمونیستها در قبال  
آنهاست. بلکه از زاویه شناخت درست از نحوه  
برخورد ما رکمیستی به تشکلات توده ای که در  
شرایط اعتلاء یا بنده کنونی از اهمیت بسیاری  
برخوردار میباشد نمیتوان ندیدن مفید و گرا نقدر  
باشند.

عقب نشینی های رژیم و یا سودجستن از شکاف -  
هایی که بر اثر فشار جنبش در سیاست های رژیم  
پدید میاید نیست. همچنین سخن از استفسار از  
امکانات و شرایط سیاسی مسا عدو هر چند محدودی  
که در بستر مبارزه توده ها و با عقب نشینی  
بورژوازی برای دامن زدن به مبارزه طبقه ای  
در جامعه و بقی مصالح انقلاب بدست میاید، نیست، بلکه  
سخن از این است که بدست آوردن این امتیازات  
محدود به قیمت دست کشیدن از مبارزه انقلابی  
تمام میشود. اطلاعیه داستانی چنین هدفی را  
دنبال میکند. آری معنای واقعی بیامفرب -  
کارانه رژیم در اطلاعیه مذکور چنین است:  
"فعلییت سیاسی" احزاب و گروهها آزاد است به  
شرط آنکه از فعلییت سیاسی دست بردارند!

قابل توجه رفقا و هواداران!

نشریه پیکار برای غنی تر نمودن آرشیه  
عکس و سنا دخودا ز کلبه رفقا و هواداران ما زمان  
میخواهد که هرگونه عکس مربوط به شخصیتها  
و شهدای کمونیست و انقلابی ایران و جهان  
و اسنادی که بطور مستقیم و یا غیر مستقیم مرتبط  
با جنبش کارگری و انقلابی و متنا سبب برای  
افشاکاری و... در اختیار دارند، برای ما  
ارسال دارند.  
موفق باشید!



# اخبار مبارزات توده‌ها



## اعتصاب غذای زندانیان سیاسی انقلابی بند زندان زندان کارون

زندانیان سیاسی انقلابی زندان کارون اهواز، بندزندان، در تاریخ ۱۲/۱۲/۵۹ دست به یک اعتصاب غذای خشک زدند. این اعتصاب غذا در اعتراض به شرایط غیربهداشتی و بیماری‌زا و یکجا بودن زندانیان سیاسی انقلابی با دیگر زندانیان بوده است. در روز دوم اعتصاب، مسئولین زندان و پاسداران از انقلابیون زندانی میخواستند که اعتصاب غذا را بشکنند و سعی میکنند با انواع بیانه‌ها و فشارها آنها را مجبور به اینکار نمایند اما موفق نشدند. در روز چهارم اعتصاب غذا، حال چهار تن از زندانیان بهم خورده و با لایحه مقاومت انقلابی رفقای دربند در ادامه اعتصاب غذا، مسئولین مزدور زندان را وادار به عقب نشینی نموده و زندانیان سیاسی انقلابی را به "بازداشتگاه غذا انقلاب" (بخوان: بازداشتگاه انقلابیون) منتقل میکنند.

با مبارزات انقلابی خود، ارتجاع را در همه جا شکست دهدیم!

## تظاهرات در قهرمان شهر

در روز ۲۳ اسفند بدعت سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار، در قهرمان شهر یک تظاهرات موضعی برگزار شد، رفقا با شعارهایی چون "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده‌ها"، "از قحطی و گران، این جنگ ارتجاعی، مردم بتنگ آمدند"، "شمار زحمتکشان، نان، مسکن، آزادی" و حمل پلاکاردهای افشاگرانه، به افشاء رژیم جمهوری اسلامی پرداختند. در مسرتظاهرات اعلامیه‌های سازمان پیکار و سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در ارتجاع و با گران و بیگاری بخش شد. مردم با اشتیاق اعلامیه‌ها را گرفته و میخواندند گروهی از مردم به صف تظاهرات کردند پیوسته و یک ربع اول تظاهرات بدون درگیری ادامه یافت. اوایل آن رژیم جمهوری اسلامی کسه میدیدند مردم به استقبال تظاهرات رفته و حتی رانندگان اتومبیلها با بوق زدن و تکرار شعارها با رفقا همراهی میکنند، وحشیانه به آنان حمله نموده و چند نفر را دستگیر میسازند. مردم نیز در اعتراض به مزدوران رژیم و به حمایت از تظاهرات کنندگان در خانه‌های خود را بروی رفقای که مورد هجوم قرار گرفتند بودند، میگردند. این تظاهرات ۲۰ دقیقه طول کشید.

## جنایات ارتجاع و نورو خونین زحمتکشان را مسر

مجاهدین حمله میبرند و اداران نیروهای کمونیست و انقلابی به پراهای "کناره محله"، در اعتراض به این یورش وحشیانه با پاسداران مزدور درگیر میشوند که ۱۲ نفر از مردم زخمی میشوند. با خروج پاسداران مزدور از محله، رفقای سازمان پیکار و اقلیت دست به افشگری وسیعی میزنند و این در حالی بود که مجاهدین حاضر به افشگری وسیع حول حمله وحشیانه پاسداران نبوده‌اند. در روز جمعه پاسداران و فالتزهای بسیج شده از رشت و لاهیجان، شهر را تحت کنترل خود میگیرند. این مزدوران هنگامیکه در جلوی بساط فروش کتاب و نشریه رفقای پیکار، قصد دستگیری یک رفیق اقلیتی را میکنند، با مقاومت مردم روبرو شده و عقب می‌نشینند. همچنین یکی از هواداران مجاهدین که توسط بقیه در صفحه ۱۰

سال ۵۹ از یک طرف سال اعتلا و رشد مبارزات کارگران و زحمتکشان و خلقهای قهرمان ما بر علیه رژیم سرمایه‌داری وابسته، و از طرف دیگر سال سرکوب مبارزات توده‌های مبارز و نیروهای انقلابی و کمونیست توسط ارتش و پاسداران و قداره‌بندان رژیم جمهوری اسلامی بود. سال جدید نیز طبیعتاً و گویا مبارزات کارگران و زحمتکشان را نوبت میدهد، اگر چه سرکوبگری‌های رژیم جمهوری اسلامی را هم در پی دارد. وقایعی که اخیراً در چند نقطه از کشورمان رخ داده نشان میدهد که چگونه رژیم ضد خلقی با آغاز سال جدید سرکوب و ترور و خفقان را افزایش داده و از ریختن خون پاک فرزندان خلق هیچ باکی ندارد. در روز چهارشنبه ۱۵/۱/۶۰ در ارتجاع، پاسدارانی که عازم جبهه جنگ ارتجاعی بودند به همراه فالتزهای دهات اطراف به نمايشگاه

## خودکشی يك سرباز منقضي خدمت ۵۶ و تهدیدهای فرمانده مزدور

آری فرزندان زحمتکشان قربانی جنگ ارتجاعی کنونی و سیستم ارتجاعی ارتش ضد خلقی جمهوری اسلامی شده و تحت فشار روحی دست به خودکشی میزنند و فرماندهان مزدور حافظ این سیستم نیز، اینگونه وقیحانه به سوء استفاده از آن پرداخته و برای تامین منافعی ارتجاعی رژیم سرمایه‌داران و حفظ ماشین سرکوبگر آن، ارتش، سربازان را در مقابل عدم اطاعت کورکورانه از دستورات ارتجاعی، به مرگ و زندان تهدید میکنند.

سربازان زحمتکش با دیدن اینکه مسئول خودکشی "حبیب‌الله زاده" هاتنها رژیم ضد خلقی حاکم است و آنها فقط با اتحاد و مبارزه پیگیرانه خود و ایجاد تشکل انقلابی در زون ارتش و در پیوند با مبارزات کارگران و زحمتکشان جهت سرنگونی این رژیم، میتوانستند از قربانی شدن خود و دیگر فرزندان زحمتکشان جلوگیری کنند.

در روز شنبه ۱۶/۱۲/۵۹ یک سرباز منقضي خدمت بنام "نعمت‌الله حبیب‌زاده" در پادگان دیپوترایی (تهران)، دست به خودکشی میزند. وی از اهالی یکی از روستاهای بابل بوده و با آنکه دوره خدمتش پایان یافته بود، به بیانه و وضع جنگ هنوز او را مرخص نکرده بودند. این امر و اسوی دیگر رنج فقر و تنگدستی خانواده و اینکه کسی نبود تا به آنها کمک کند، این سرباز منقضي خدمت را آنچنان تحت فشار روحی قرار میدهد که تاب تحمل نیاورده و با شلیک دو گلوله به زندگی خویش خاتمه میدهد. فرمانده مزدور گروهان که جان فرزندان زحمتکشان برای وی اهمیتی ندارد، با استفاده از این امر، به تهدید دیگر سربازان پرداخته و میگوید "اگر کسی از دستورات من سرپیچی کند، آنقدر به پروپا و اومیچم تا مثل آن سرباز دست به خودکشی بزند و با آنکه آنقدر توی زندان نگهش میدارم تا بپوسد".

به استقبال جنبش او بگیرند توده‌ها بش تائیم



# پیکار

## نوطه‌های رژیم برای ایجاد برادر کشی بین زحمتکشان آبادانی و شیرازی را خنثی کنیم

گرفتاریها، بیکاریها، گران‌ی، جنگ، خانه‌خرابی آوارگی و هزاران مشکل دیگر را که گریبان همه را گرفته است، پیدا میکنیم. چرا با یادآبادانی درجبهه‌مانند جان خود را در جنگ بین دو رژیم ارتجاعی از دست بدهد؟ چرا با ید شیرازی بسه جبهه برود و گوشت دم‌توب سرما بدهد؟ بشود؟

عکریب‌روزی یا نسکت رژیم جمهوری اسلامی چه نفعی بحال زحمتکشان دارد؟ مگر آن‌موقع که جنگ نبود مردمیک لحظه از زورگویی های رژیم و فشار مضکلات زندگی آسوده بودند؟ مگر با عسث تمام این بدبختی ها رژیم‌ها کم نیست که از منافع سرما بدهد؟

آیا دشمن آبادانی، شیرازی است؟ آیا دشمن دشمن شیرازی، آبادانی است؟ نه! دشمنان کارگران و زحمتکشان شیرازی و آبادانی، رژیم سرما بدهداری حاکم است که جنگ ارتجاعی را برآنها انداخته است، از سرما بدهد؟ از آن حمایت میکند و کوچکترین صدای حق طلبی را سرکوب میکند. دشمن شما ارض و سپاه یا ساداران که از منافع دارو دست‌ارتجاعی حاکم حمایت میکنند هستند! مگر زحمتکش خوزستانی و زحمتکش شیرازی چه فرقی با هم دارند؟ مگر هر دو گرفتار زورگویی های رژیم‌ها کم نیستند؟ مگر شیره‌جان هردو میکشیده نمیشود؟ مگر گران‌ی به هردو فشار مینماید؟ مگر هردو زیر بار قرض، بی‌مکنی و هزار مشکل دیگر کمر خم‌نکرده‌اند؟

کارگران و زحمتکشان مبارز، مردم‌قهرمان شیرازی و خوزستانی!

نوطه‌های رژیم جمهوری اسلامی را که با سیاست "تفرقه‌بیا ندادن و حکومت کن" زمینه‌سازی سرکوب وسیع زحمتکشان خوزستانی را فراهم کرده است خنثی کنیم. لبه تیز خنم و کینه خود را متوجه دشمنان مشترکمان سازیم، هدفهای رژیم‌ها را بین نوطه‌ها برای دیگران توضیح دهیم.

تتها اتحاد و مبارزه مشترک ما برای نابودی رژیم سرمایه‌داری است که میتواند بدبختی و فلاکت‌مان را پایان بخشد. پیش بسوی اتحاد دیگانی برای مبارزه با دشمنان واقعی مردم!

نابودیا نوطه‌های رنگارنگ رژیم‌ها کم! مرگ برامبریا لیسما و ارتجاع داخلی!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر (تشکیلات شیراز) ۱۳۶۰/۱/۱۷

اخیرا به تحریک سپاه یا ساداران شیراز و به رهبری جفا‌قادران رژیم‌دگرگیری‌ای وسیعی در شیراز روی داده که منجر به کشته شدن دو نفر نیز گردیده است. تشکیلات شیراز سا زمان ما در مورد این نوطه رژیم، اعلامیه‌ای منتشر کرده است. ما قسمتها را از ساداران اینجا میاوریم:

کارگران و زحمتکشان! مردم مبارز شیراز!

جنگزدگان قهرمان خوزستانی!

در دوروزا خیرشیرازها هدرگیری‌ها و جفا‌قندی‌های وسیعی است. این درگیری‌ها شعاع‌دزیدی زخمی و آنطور که از اخبار بر میآید یک نفر یا بیشتر کشته شده است. دسته‌های جفا‌ق - دار که آشکارا حزب‌اللهی‌ها و عوامل سپاه یا ساداران با لباس شخصی آنها را هدایت میکنند به خوابگاهها و محلهای تجمع جنگزدگان خوزستانی میریزند و درگیریها را گسترش می‌دهند. نیروهای انتظامی، با سبانهای با شوم بدست شهربانی نیز بطور نمایی در لحظات درگیری حضور دارند و مطلقا کاری به جفا‌ق‌داری که خوابگاههای جنگزدگان را محاصره کرده و قمد و رودیه آنها را دارند، ندارند.

زن و بچه‌های جنگزدگان خوزستانی در دوروزا اخیر بدترین لحظات آوارگی خود را گذرانده‌اند آنها تا مین جانی ندارند و هر لحظه منتظرند تا جفا‌ق‌داران حزب‌اللهی این زندگی را سرغرم و اندوه آنها را نیز از هم بپاشند.

**واقمیت مسئله چیست**  
 ود رگیری بسود چه کسی تمام میشود؟  
 حزب‌اللهی‌ها و سپاه یا ساداران در پوشش چند شیرازی در شا هجراغ با آبادانی‌ها درگیری راه می‌اندازند. در این درگیری یک نفر کشته شده و دامنه درگیری به خوابگاهها کشیده میشود سپاه یا ساداران با راه‌انداختن جفا‌ق‌داران و شایعه‌پراکنی در شهر دامنه درگیری را وسیع‌تر میکنند و با مطلق جنگ بین "آبادانی و شیرازی" برآه می‌اندازد. سپاه یا ساداران سعی میکنند با این کار اتحاد بین مردم را از بین برده و آنها را بپراکنده کند و زمینه سرکوب زحمتکشان و نیروهای انقلابی و کمونیست را فراهم سازد.

**کارگران و زحمتکشان مبارز،**  
 همشهریان شیرازی و خوزستانی!  
 اگر کمی بیشتر فکر کنیم، علت اصلی

جنايات بيشما خود برده افکنند. اما ما می - گوئیم: جسدریائی سندر سواشی ارتجاع است ما میگوئیم: نه سرکوب و نه کشتار و نه دستگیری و شکنجه و نه ترور و اعدام نمیتوانند در های از پیکار انقلابی کارگران و زحمتکشان و خلقهای قهرمان ما بر علیه سیستم سرما بدهداری وابسته به امبریا لیسما و رژیم جمهوری اسلامی حافظ آن بکاهد. دبیر نیست آن روزی که رژیم ضد خلقی

بقیه از صفحه ۲۶ آگاهانه  
 را بطور دستجمعی خواندند. پس از قرائت بیام سا زمان رفقای اجتماع کشته‌جهت بیمان خود با کمونیست شهید رفیق غلامرضا سرود "شهیدان" را خوانده و وفاداری خود به آرمان کمونیسم را اعلام کردند. در این مراسم همچنین پیام‌جمعی از خانواده‌های شهیدان و زندانیان سیاسی، شمیری توسط یک رفیق و متن کوتاه بسیار پرشوری توسط همسر رفیق شهید منوچهر نیک‌انداز خوانده شد. یکی از همزمان رفیق غلامرضا که در جریان پخش با رفیق همراه بود گوشه‌هایی از پیکار انقلابی غلامرضا و عشق بی‌پایان او بسهم کمونیسم و آزادی طبقه کارگر را توضیح داد. در پایان مراسم مادر یکی از شهیدان سازمان جملاتی سخت‌آتشین و حاکی از کینه‌تبطاتی او علیه سرما بدهداری و دشمنان خلق ایراد نمود که جمعیت را بشدت تحت تاثیر قرار داد. مراسم شکوه خاصی داشت. پلاکار در سرخی که نام رفیق شهیدونام سازمان بر آن نقش بسته بود و جلقه بزرگ گل و یک ستاره گل بر مزار رفیق شهید "غلامرضا صداقت‌بنا" و شورا انقلابی جمعیت، در طول اجرای مراسم، جزئی از آادای دبیر نسبت به کمونیستهای قهرمانی همچون رفیق شهید غلامرضا بود. همزمان غلامرضا تا بای جان راهش را ادامه خواهد داد.

بقیه از صفحه ۹ جنایات  
 با ساداران دستگیر شده بود بسبب مردم‌آزادی - شود. با ساداران مزدور تا با سی از به در شهر به خانه گردی پرده ختنه و هر کسی را که به او ظنین میشدند دستگیر میکردند.

تشکیلات سازمان پیکار در گیلان، در ایسن رابطه اعلامیه‌ای داده است که قسمتها را از آنرا در زیر میخوانید:

"... بیاید و رژیم که چگونه جلادان جمهوری اسلامی در سه نوروز، خلق دلاور کرد و ترکمن را به خاک و خون کشید و میکشید و اینک سرکوبگران جمهوری اسلامی در آدامه‌مان سیاست در تاریخ ۶۰/۱/۵ عید زحمتکشان را سررا به خاک و خون کشید و زحمتکش قهرمان "خیرالکله قبالی" را به شهادت رساندند. در روزهای اخیر با ساداران و قداره‌بندان رژیم بدنیال سمد و نمودن راههای ورودی به شهر، به دستگیری، شکنجه و سرکوب مبارزات توده‌های شهری پرداخته و در ایسن رابطه در تاریخ ۶۰/۱/۱۳ با هجوم وحشیانه‌شان به روستای "کتالم" از توابع راسر، "تیمور - طالش" را نیز به شهادت میرسانند. هم‌کنسون دستگیری و سرکوب توده‌ها در آامسار داده‌اند. کارگران، زحمتکشان گیلان، زحمتکشان و توده‌های مبارز را مسر!

قداره‌بندان رژیم در شت از تحویل جنازه شهید "آقبالی" به خانواده‌اش خودداری نموده و آنها را به باد کتک گرفتند. گویا این دزخیسان از خانواده شهید "نازست" میخواهند.

ننگتان باد، این مزدوران میخوانند ما ننگداردیهای آرمی شهری با جسدریائی سر

جمهوری اسلامی همچون رژیم منفور بهلوی بدست شوانای کارگران و زحمتکشان به زیاده‌دانی تاریخ سپرده شود.

به امید فرادای پیروز کارگران و زحمتکشان زنده و جاوید با دبیدان خلق!

مرگ بر سرکوبگران کارگران و زحمتکشان و خلقهای قهرمان! علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده‌ها!

۱۳۶۰/۱/۱۴

در میان سنگرهای فروزان انقلاب ایران، آتشکاهی است که لهب شعله های آگای هیش سالیان سال توده های انقلابی میهن مان را گرم و روشنایی بخشیده است. نگهبانان این آتش، آتش آزادی و آگای انقلاب با جانازی - ها و دلوریهای بی پایان خویش هرگز نگذاشتند که آغزهای فروزان و شعله و را این آتشگاه بیفسرد، و در این راه، بسیاری قهرمانان نه جان باختند، این آتشگاه که زبانه های آتش بسر سپاهیهای ارتجاع و امپریالیسم پورش میاورده است، دانشگاه است.

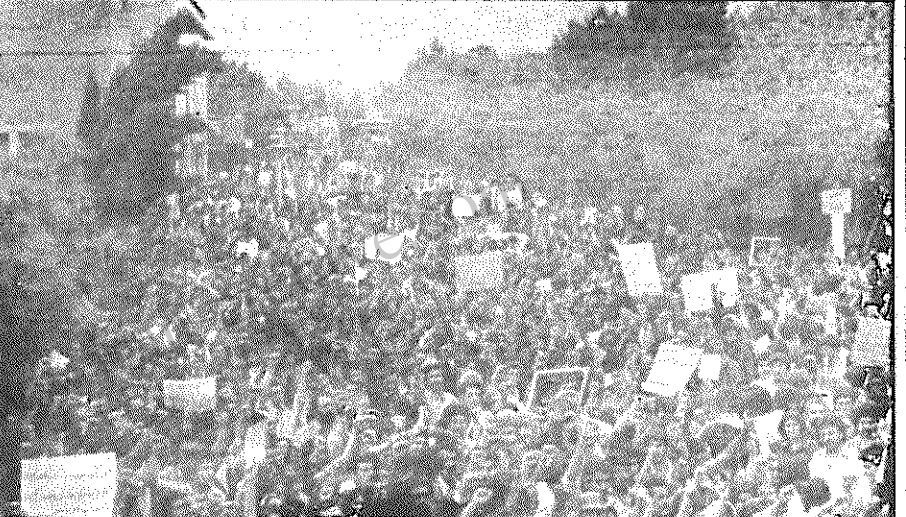
به قلب توده که بنگری، عشقی عظیم به این آتشگاه، این سنگر آزادی، میببینی، توده ها هموارده دانشگاهی را گرامی داشته اند. از زرمدها آتشگاه درسیا هیهای دیکتا توری شاهان و آنچه و بر سردا شجویان انقلابی آورده از زنده آنها، شکنجه ها، تیرباران و.....

# اول اردیبهشت: روز مطالبات دانشجویان انقلابی گرامی باد

کردستان و دانشگاهی را که انقلاب در آن بیش از هر نقطه دیگر نیرومند بود. و بدین ترتیب، جمهوری اسلامی که هر سال از زرمدها انقلاب سال ۵۹ را سال امنیت نامیده بود، کوشید تا این امنیت را بر کشتار و بمباران خلق کرد و زندان و تیرباران دانشجویان انقلابی، استوار کند. ابتدا دانشگاهها از سوی دارو دسته های ارتجاعی وابسته به حزب جمهوری اسلامی اشغال شد، آنها میکوشیدند با اشغال دانشگاهها، و با عنوان و توجیه با اصطلاح انقلاب فرهنگی آترابه تعطیل بکشند. چرا که آنها میدانستند، تنها زمانی که دانشگاهها با زاست نیروهای انقلابی که نیرومندترین جریان درون دانشگاهها هستند، دمی از آگای هگری شوخا هندا سود.

اما لیبرالها با هدفی دیگر در این مبارزه علیه انقلاب که نامش را "انقلاب فرهنگی" گذاشته بودند، شرکت کردند. بنی مدرن توطئه اشغال و به تعطیل کشاندن دانشگاهها را بسته توطئه برای بستن دفاتر نیروهای انقلابی و حتی واحدهای صنفی بدل کرد. بنی مدرن لیبرالها که میخواهند دانشگاهها را زبانه شدت پیچ و مهره های سرمایه داری وابسته را در آن تربیت کنند، هرگز نمیخواهند دانشگاهها در مستحکم انقلاب و آزادی باشد. آنها دانشگاهها را بدون نیروهای انقلابی و بخصوص کمونیستها و بدون فعالیت سیاسی این نیروها میخواهند همیشه نسیزایان را خوا هندا

مانند دانشجویان انقلابی به افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی پرداختند. دانشجویان انقلابی بخصوص کمونیستها به توده ها میگفتند که رژیم جمهوری اسلامی حافظ منافع امپریالیسم است، به توده ها میگفتند که جمهوری اسلامی چگونه کارگران و زحمتکشان را سرکوب میکند، چگونه خلق کرد و ترکمن را کشتار میکند و چگونه آزادیهای دیکراتیک را به بند میکند.



بدین ترتیب جمهوری اسلامی نیز مبارزات دانشجویان انقلابی را با زندان و تیرباران و شکنجه پاسخ گفت. اما با همه زندانها و شکنجه ها و تیربارانها نتوانست شعله آزادی را در دانشگاهها خاموش کند. پس تصمیم گرفت که بر آن قتل تعطیل بزند.

پس از یک دوران تجدید قوا پس از اشغال سفارت، رژیم پورش دو باره خود را به انقلاب آغا زکرد، پس از شکست زبونا نه در پورش اول به کردستان قهرمان و او جگری جنبش توده های رژیم برای نجات خویش از زیر ضربات انقلاب به فریفتن توده ها و جارجنجا لهای دروغین "فد" امپریالیستی "پنا هبره" اما نیک پیدا بود که ارتجاع پس از تجدید قوا با ردیگر به انقلاب پورش خوا هندا ورد، بدین ترتیب او خرفوردین لیبرالها و حزبها دست بدست یکدیگر بسته کردستان حمله کردند و سپس در اول اردیبهشت دانشگاههای سراسر ایران را بخون کشیدند،

ایک همه توده ها با خیرت و توده ها نیک میداند که دانشگاه در مقابل ارتجاع و امپریالیسم هرگز بیبرق تسلیم بر نیافراشته است. آری کافی است که به قلب توده ها بنگری. توده ها رژیم شاهان را سرنگون کردند، اما اقتدار و طبقات مرفه بقدرت رسیدند و آزادی قیام بهمن، پورش به انقلاب را آغا زکردند. آنان به با زسی سیستم سرمایه داری وابسته مشغول شدند و در نتیجه جز کشتار و سرکوب کارگران، زحمتکشان، خلق کرد، ترکمن و دانشجویان انقلابی چاره دیگری نداشتند. پس آنگاه بیبرق سرخ بیکار و مفاومت هم - چنان برفرا ز آتشگاه آزادی برافراشته میسند. با ران احمدزاده ها، مومنی ها، رضاییها، آخوندیها و متحدین آنها وفا داری به آلمان سرخ توده های ستمدیده هرگز نگذاشتند که برچم پیکار با ران نشان بر زمین افتد و دلورا نه در مقابل رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی قدیرا فراتند. دانشگاه همچنان سنگر آزادی و انقلاب باقی

## برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

### سالگرد شهادت کارگر کمونیست رفیق عزیز محمدی



شرکت خدمات نفت ایران  
OIL SERVICE COMPANY OF IRAN  
PRIVATE COMPANY  
Personnel OSCO MI  
عزیز محمدی

Name: A. Mohammadi

BS NO. 503389

اودر روزهای پرشکوه مبارزات توده‌ها علیه رژیم وابسته شاه، همراه کارگران وزحمتکشان با شرکت در تظاهرات، شعار رومیسی وپخش اعلامیه - های انقلابی در جنبش انقلابی توده‌ها شرکت میکرد. رفیق عزیز که کارگر شرکت نفت بود، بخاطر فعالیت‌های انقلابی علیه سرمایه داران و رژیم حاکمان، در روزهای قبل از قیام کسار خود را از دست داد. اما با عشقی بی‌شائبه به

بقیه در صفحه ۲۸

۳۱ فروردین امسال، اولین سالگرد شهادت رفیق عزیز محمدی بدست پاسداران ارتجاع میباشد. او که فرزندیک کارگر انقلابی بود با وفاداری به آرمان سرخ طبقه تیش، بر راه پیدر مبارزتن رفت و چون او، شهیدرا هراتی زحمتکشان گردید.

رفیق عزیز در سال ۱۳۳۲ دریک خانواده کارگری در مسجد سلیمان بدنیا آمد. بد رفیق عزیز کارگر قهرمانی بود که در مبارزات کارگران جنوب پیش از کودتای آمریکا طی ۲۸ مرداد، شرکت فعال داشت و در جریان همین مبارزات در حالیکه پرچم سرخ کارگران را بجای مجسمه بزرگشیده شده شاه خاشن، بر میافراشت با گلوله مزدوران رژیم پهلوی به شهادت رسید.

رفیق عزیز سنت‌های انقلابی و مبارزاتی پدرش را گرامی داشته و قدم در راه مبارزه با دشمنان طبقه‌ای کارگران وزحمتکشان گذاشت.

اقدامات جنایتکارانه بسیار وسیع بود. جماعت داران و پاسداران در شهادت کارگر به‌دانشگاه هندی -



شاپور، ۱۳ نفر را کشتند و نزدیک به هزار نفر را زخمی کردند. در این میان هشتصد تن را که بسیاری از آنها بشدت زخمی بودند، دستگیر کردند. بسیاری از دستگیرشدگان را از روی تخت بیمارستان به شکنجه‌گاهها بردند. سال‌ها پس از شهادت‌های که به زندان تبدیل شده بود، خود دژی شد برای فریب دسرد خوانان انقلابی. ارتجاع به سالن شهرداری حمله کرد و زندانیان سیاسی اسیر را به گلوله بست که حداقل در این یورش سه تن به شهادت رسیدند، ترور در زندان نیز ادامه یافت و از جمله کمونیست قهرمان، بیگارگر شهید رفیق مهنا زحمتکندی در زندان بدست پاسداران ارتجاع ترور شد. رژیم که از مقاومت دانشجویان بشدت هراسیده بود، با زهم در صدد انقراض مبارزات و چهارتن اسیران در بند را بجرم دفاع از سنگر آزادی تیرباران کرد. این چهارتن، رفیق‌های

از محروم کردن سرمایه‌داری وابسته از متخصصان بعثت عشق توده‌ها به‌دانشگاه، خود به‌عاملی برای تارخا بی‌باید میشد، با بستن دانشگاهها مخالف بودند و میخواستند بیشترین برنامهای خود را بر روی بستن دفاعی ترسای دانشجویان و جلوگیری از فعالیت انقلابی آنها متمرکز سازند. بدین ترتیب دستور تخلیه دفاعی ترسای ما در شد. رویونیستهای خاشن توده‌ای، کفرینان از این دستور ارتجاع اطلاع کردند. مجاهدین خلق ابتدا مخالفتها را از خود نشان دادند و سرانجام، بدنبال لیبرالها روان شدند و حرف شنوی و اطاعت خویش را از سرمایه‌داران لیبرال ایران به‌نمایش گذاشتند.

بدین ترتیب در مقابل توطئه ارتجاع برای خاموش کردن شعله‌های آتشکاه آزادی و انقلاب، تنها دانشجویان کمونیست باقی ماندند. توده‌های دانشجویی و نیز توده‌های انقلابی در این روز به‌گرددانشگاهها حلقه زدند، آنتهانی - خواستند و آزادی را به دشمنان آزادی و استقلال ایران، به دشمنان توده‌ها تسلیم کنند، دانش - حویان کمونیست یعنی دانشجویان هم‌وادار سازمان پیکار، دیگر دانشجویان هم‌وادار نیروهای موسوم به طیف ۳ که هنوز نام دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر را بر خود داشتند دانشجویان هوادار راه کارگر و دانشجویان بی‌تنگ مرهبری مبارزات انقلابی را برای دفاع از سنگر آزادی بعهده گرفتند و هر یک به‌فراخور کشتن ایندولوزیک خود، در هر چه باشکوه تر و استوار کردن این روزنقشی ایفا کردند؛ (ما در شماره آینده به‌نقش هر یک از این نیروها خواهیم پرداخت)

در پی توطئه سرکوب دانشجویان انقلابی و بخصوص کمونیستها و خاموش کردن فریاد آزادی - خواهی و مرگ برای لیسم جنبش انقلابی، دانشجویی، سپاه ارتجاعی پاسداران سرمایه به‌مراهی با تدهای سپاه حزب جمهوری اسلامی به‌دانشگاههای سراسر ایران حمله کردند. یورش در ۲۷ فروردین در تبریز آغاز شد و بلافاصله در تهران به‌دانشگاههای تکنیک حمله شد و آنگاه سراسر دانشگاههای ایران خون شدند و جامه سه دانشجویان، دانشجوی، مقاومت، مقاومت، از سنگر دانشگاه، محافظت، محافظت، پرچم پیکار ۱۶ آذر دیگری شد. چند روز پیکار و مقاومت ادامه داشت و سرانجام ارتجاع با به‌شهادت رساندن دهها دانشجوی انقلابی در سراسر ایران دستگیری و زخمی کردن صدها نفر در دانشگاهها را فتح کرد و صفحی - ای سنگین بر حنا یات خویش افزود، حنا یاتی که روی ۱۶ آذر شاه خاشن را سفید میکرد، بی‌سلسلن جنایات رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب خونین دانشگاهها در اول اردیبهشت چنین بود:

« - در تهران پس از سه روز مقاومت چند تن شهید و دهها نفر زخمی گردیدند. »  
« - در اهواز با دفاع حده و حنا یات بخاطر حضور فعال غرضی جلاد و نیز جنبشی خاشن در این

کمونیست پیکارگر شهید احمد مؤذن و مهدی علوی شوشتری (از مسئولین تشکیلات دانشجویان و دانش آموزان پیکار) و نیز رفقا مسعود انبالی و دکتر شریعیسا بودند.

« در شش نیز جمعا ۱۴ تن حداقل ۱ نفر به شهادت رسیدند دهها نفر زخمی و دستگیر گردیدند و انفراد دستگیر شدگان تیرباران شد.

« در شیراز حداقل ۱ نفر شهید و دهها نفر زخمی و دستگیر شدند.

« در زاهدان یک رفیق کمونیست شهید و دهها نفر زخمی و دستگیر شدند.

« در مشهد، اصفهان، تبریز و... نیز دهها دانش - جوی انقلابی زخمی و دستگیر گردیدند.

ویس از آن دانشگاهها برای برگزانی امتحانات تا ۱۴ خرداد دانشگاهی یافته و از آن پس بر آن قفل تعطیل زدند. بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی همچون دیگر جلادان تاریخ، عاجز از مقابله با نیروهای انقلابی و بخصوص کمونیست - ها، چکمه‌های خون آلودش را بر گلوگاه دانشگاهها و شهرها فرود آورد و پس از یک کشتار خونین دانشگاهها را بست تا به‌عبث دژ استوار آزادی را درهم کوبد و مانع بیوند دانشجویان انقلابی بسازد توده‌های خلق گردد.

اینک خلق ما استوار و مستحکم فریاد دانشگاهها این سنگر آزادی گشوده با یکسردی را سرداده است، توده‌های انقلابی میخواستند دانشگاهها گشایش یا بندت را ردیگر دانشجویان انقلابی و کمونیست به‌آگاهگری بنردا زند، آری اینک با زکشاکی دانشگاهها در کنار ردیگر خواستهای انقلابی خلق قرار داد و این نشان میدهد که جلادان اول اردیبهشت هرگز نتوانستند به اهداف فاشانان شان در کشتار اول اردیبهشت دست یابند. چرا که اینک توده‌ها میروند به تسلط قاتلان فرزندان انقلابی اول اردیبهشت را با مبارزات خونین خویش، درهم کوبند.

# مسئله وحدت تشکیلاتی رویزیونیستهای اکثریتی - توده‌ای و موضع سائتریستی "اقلیت" در قبال آن

اخیرا اعلامیه‌ای از سوی جمعی از کارهای  
منشعب از رویزیونیستهای فدائی (اکثریت)  
انتشار یافته که در آن از بیام کمیته مرکزی  
حزب توده به پلنوم اخیر "اکثریت" و تصویب وحدت  
تشکیلاتی قریب الوقوع این دو جناح رویزیو-  
نیستی با یکدیگر توسط پلنوم رویزیونیستهای  
فدائی (اکثریت) خبر داده است. این اعلامیه  
در عین حال ناراضی این کارها را از بیسن  
وحدت تشکیلاتی و اعلام شعاع آنها از جناح  
رویزیونیستی اکثریت را نشان میدهد.  
از لحاظ طبقاتی، وحدت تشکیلاتی این دو  
با ندر رویزیونیستی، چیزی نیست جز فشرده تر شدن  
با ندهای بورژوا رویزیونیست خروشچی که با  
متحد کردن صفوف خویش، میخواهند خود را برای  
تهاجمات جدید به صفا انقلاب آماده سازند، این  
وحدت، در عین حال نشان میدهد که سوسیال  
امپریالیسم روسیه در ایران، در پی آن است تا  
شبهه جاسوسی خود را در ایران منظم تر سازد و  
خود را برای بهره برداری از اوضاع هر چه بیشتر  
آماده نماید.

از لحاظ سیاسی، این وحدت تشکیلاتی به  
مفهوم افشاشدن بیش از پیش و تمام و تمام رویزیو-  
نیستهای فدائی در میان توده‌ها و جنبش  
کارگری، و علامت انفرا دهنده آنهاست. رویزیو-  
نیستهای فدائی (اکثریت) اکنون لاجرم مجبور  
شده اند که آن روکش به اصطلاح "حسن سابقه"  
فدائی "را از تن در آورده و روکش "سوء سابقه"  
توده‌ای "را به تن کنند. این ادغام تشکیلاتی،  
در عین حال که از لحاظ ایدئولوژیک - سیاسی  
حاوی هیچ گونه به اصطلاح "تعمیق" بیشتر  
رویزیونیسم فدائی آن اکثریت نیست (چرا که  
آنها مدت‌هاست که به منجانب بورژوازی سقوط  
کرده و مدت‌هاست که هرگونه پیوند خود را با  
مارکسیسم و جنبش انقلابی خلق از دست داده‌اند)،  
ولی با توجه به ماهیت کارگزارانی حزب توده  
برای سوسیال امپریالیسم شوروی، نشان دهنده  
کامل شدن پروسه کارگزارانی در رویزیونیستهای  
فدائی (اکثریت) از هنگام گرویدن کامل به  
منجانب رویزیونیسم زکا ۵۹ تا کنون میباشد.  
اکنون بجاست که بارخ دادن این واقعیه  
یک بار دیگر از خود سوال کنیم که این کدام  
عامل ایدئولوژیک سیاسی بوده که فدائی‌ان خلق  
را قدم به قدم از مضمی رفیق احمدزاده که حاوی  
مرزبندی با رویزیونیسم خروشچی بود، به  
موضع سر با سائتریستی جزئی (که سعی میکرد  
تا میان مارکسیسم و رویزیونیسم، میان  
پرولتاریا و بورژوازی راه "وسط" را برگزیند)  
گنا ندو مدت‌ها قبل از قیام بهمن با عبث  
گریختن جناحی از فدائی‌ان به آغوش حزب توده  
شد (گروه منشعب) و با لاف زدن از قیام مبرعم  
نزدیکی آنها با رویزیونیسم افزود و به "کار ۵۹"  
منجر گشت؟

داشته است که میتوان از بیام‌های او بیسرای  
"ما زار" درون فدائی‌ان در سال ۵۳ تا مبارزه  
قلمی مستمرا و با فدائی‌ان در نشریه "مردم"  
دوره جدیدنا میرد. آنچه که در این تحول جناح -  
های مختلف فدائی‌ان به سمت حزب توده عنصر  
یا پیدا رویشگی بوده است، همان عقب نشینی  
تدریجی از موضع گیری‌های پرهیجان و سرپا  
احساساتی و ملی خالی از هرگونه مرزبندی عمیق  
ایدئولوژیک با حزب توده، به موضع گیریهایی  
بی طرفانه و کمی تا شیدا میز و سپس چرخش و

سازمان ما مدت‌هاست که به این سوال، تنها  
جواب پرولتری ممکن را داده و در مبارزه  
ایدئولوژیک مستمر خویش با فدائی‌ان در تمام  
این دوره بر آن تاکید کرده است. این عامل  
جزئی نیست جز عدم مرزبندی فدائی‌ان طبق  
(حداقل از غلبه و مضمی جزئی به بعد) با ایدئو-  
لوژی بورژوازی (در شکل رویزیونیستی) و اتخاذ  
یک موضع خورده بورژوازی میان پرولتاریا و  
بورژوازی، این سائتریسم بقول لنین همان  
"نا استواری لایه‌های میانی روشنفکران" (نقل

از لحاظ طبقاتی وحدت تشکیلاتی این دو با ندر رویزیونیستی چیزی نیست جز فشرده تر شدن ندهای بورژوا رویزیونیست خروشچی که با متحد کردن صفوف خویش میخواهند خود را برای تهاجمات جدید به صفا انقلاب آماده سازند.

سقوط کامل در کام حزب توده بوده است، این  
همان منحنی نمودار تحول فدائی‌ان جزئی به  
"نشریه کار" را نشان میدهد. سپس شماره ۵۹ می -  
باشد. این تحول به روشنی نشان میدهد که  
مرزبندی با حزب توده نمی تواند به مرزبندی  
با سوء سابقه این خائنین ویا حتی مشی  
رفرمیستی گذشته آنها (در سالهای ملی شدن  
نفث) محدود شود، بلکه باید ایدئولوژی آنها  
و تجدید نظر آنها در اصول و مبانی ما رکیسم  
(تئوری مبارزه طبقاتی، اقتصاد سیاسی و ماتریالیسم  
دیا لکتیک) و مهم تر از آن به مرزبندی به کل آن  
اردوگاه به اصطلاح "سوسیالیستی" که الهام دهنده و  
پشتیبان حزب توده میباشد، تعمیق باید. آری، صرف  
"نخن خواندن" حزب توده، ما را از گزند تشعشعات  
مسموم ایدئولوژیک آن حفظ نخواهد کرد، بلکه  
برعکس ما را در مقابل آن خلق سلاح خواهد  
نمود.

از "آوا بتوریسم انقلابی" میباید که در هنگام  
خیزش توفان‌های طبقاتی این لایه‌ها را چون  
پوست گردوشی بر سر مواج کوبیده مبارزه  
طبقاتی به بالا و پایین میکشاند و آنها را -  
ضیاد رده دست از اندیشه‌های "ما و ما" طبقاتی  
و "ما فوق مبارزه پرولتاریا و بورژوازی" خود  
بردارند و در قطب بندی خادرون نیروها، به  
این قطب (بورژوازی) یا آن قطب (پرولتاریا)  
بپیوندند. کافی است برای روشن شدن این  
مواضع سائتریستی قدیمی فدائی‌ان، نگاهی به  
مواضع آنها نسبت به حزب توده بیفکنیم مثلا به  
جزوه مربوط به "اعدام عباس شهریاری" و یا  
رسالات بیژن جزئی رجوع کنیم. در این کتابها  
مرزبندی فدائی‌ان با حزب توده نه در ایدئو-  
لوژی (رویزیونیسم) ویا حتی در خط مشی سیاسی  
است، بلکه صرفا در عدم قبول "مشی مسلحانه"  
پیشتر از "از طرف این دا رودسته در آن زمان و  
یا مثلا سابقه فرار رهبران خائنین آن در ۲۸  
مرداد در گذشته میباشد. در این به اصطلاح مرز-  
بندی‌ها، نه صحبت از ایدئولوژی بورژوازی  
حزب توده میشود و نه از خط مشی سیاسی و برنام  
آن، و لاجرم از آنجا که در نهایت سائتریسم نمی -  
توانند در خدمت رویزیونیسم قرار بگیرند، مجموعه  
این مواضع محل مناسبی است برای رشد  
نطفه‌های متعفن رویزیونیسم.  
البته در کام تا لایزه کردن این سائتریسم  
فدائی‌ان به سمت رویزیونیسم، حزب توده نیز  
از دیرباز زبعتوان یک عامل ذهنی نقش فعال

حال ببینیم آیا گذشت تحول بخش مهمی  
از سازمان چریکهای فدائی خلق از سائتریسم  
به رویزیونیسم و سپس از وحدت سیاسی ایدئو -  
لوژیک این بخش تا ادغام تشکیلاتی با حزب  
توده، توانسته است برای دیگر سائتریستها  
از "راه کارگر" گرفته تا "فدائی‌ان اقلیت" درس  
عبرتی باشد و آیا این سائتریست‌های رنگارنگ  
توانسته‌اند در راستای این استحاله عینی که  
در پیش چشم همگان جسم زنده انقلابی را به  
لاشه گندیده و متعفن تبدیل کرده است بیسرای

## پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

تصحیح مواضع متزلزل خویش در مقابل رویزیو - نیسم استفا ده کنند؟ ویا اینک برعکس، این گروه ها بر اساس موضع طبقاتی خویش دچارنا - بینائی تاریخی بوده و سخت سرانه میخواستند راه رفته را که به قیمت قربات جبران ناپذیر برای جنبش کمونیستی ایران تمام شده از نسو بیما بیند؟

برای نمونه به موضع گیری فدا ثیسان اقلیت راجع به تصویب ادغام تشکیلاتی اکثریت با حزب توده توسط بلنوم اکثریت نگاهی می - اندازیم.

**فدا ثیسان اقلیت از پیوستن "اکثریت" به "حزب توده" چه تفسیری می کنند؟**

بر اساس آنچه که در شماره ۱۰۳ کارا اقلیت آمده است، میتوان این تفسیر را چنین جمع بندی کرد:

۱- از یک طرف اقلیت معتقد است که "اکثریت" قبلا با حزب توده وحدت سیاسی ایدئولوژیک داشته و این تصویب نامه فقط علامت وحدت تشکیلاتی میباشد و از کسانی که در گذشته انحراف حاکم در "اکثریت" را یک گرایش اپورتونیستی قابل اصلاح "میخوانده اند" انتقاد میکنند، ولی از سوی دیگر با گفتن جملات زیر نشان میدهد که با سابقا قدر نیست بر آنچه که خود از آن بعنوان وحدت ایدئولوژیک اکثریت با حزب توده نام میبرد کوچکترین درک مارکسیستی داشته باشد، توجه کنید:

"برخی از اعضاء آنها تصور میکردند که آنچه در میان اکثریتی ها حاکم است یک گرایش اپورتونیستی است و میتوان آنرا اصلاح کرد. آنها در انتظار برگرزای کنگره ای که کمیته مرکزی "قول" آنرا به اعضاء و هواداران خود داده بود تا در این کنگره تکلیف تمام مسائل مورد اختلاف روشن شود، اما پیش از برگزای ایسن کنگره مرز بندی خود را با مارکسیسم لنینیسم به پایان رسانند" (تاکیدا زما ست) به عبارت دیگر گویا تا قبل از اعلام وحدت تشکیلاتی با حزب توده، اکثریت هنوز مرز بندی خود را با مارکسیسم لنینیسم به پایان نرسانده بوده و لابد دارای "رگه ها"ی از مارکسیسم لنینیسم بوده است! و صرف وحدت تشکیلاتی با حزب توده و پذیرفتن تابلوی این حزب، "نجس" شده و ناگهان از عالم مارکسیسم لنینیسم به قعر خیانت به طبقه کارگر برتاب شده است!

۲- در این مقاله ها باید برای اولین بار اقلیت صحبت از وحدت ایدئولوژیک "اکثریت" با حزب توده میکند، ولی وقتی میخواهد درک خود را از ایدئولوژی نشان دهد معلوم میشود که درک او از ایدئولوژی جداگرا از مرز مشی سیاسی فراتر نمی رود "اقلیت" فقط تحت فشار توده ها باعث شده که همان مرز بندی سیاسی خود را "اکثریت" را این بار با لفظ - فقط لفظ -

ایدئولوژی بیان کند و گرنه به هیچ عنوان دارای مرز بندی مارکسیستی با ایدئولوژی بورژوا رو بیونیستی اکثریتی ها نبوده و نیست. مثلا به منظور زیر توجه کنید که چگونه میخواستند سقوط اکثریت را تصویر کنند و قادر نیست از حسد مرز بندی سیاسی بامشی سیاسی اکثریت فراتر رود: "جناح اکثریت بهمان منجذاب سقوط کرد که حزب توده این حزب خیانت و سازش از مدت ها پیش سقوط کرده بود، آنها به تعریف و تمجید احمقانه و چاپلوسی های نوکر مایانه نسبت به حاکمیت پرداختند، رژیم فدا انقلابی جمهوری اسلامی را نمونه کامل یک رژیم انقلابی معرفی کردند، آنها از توده ها خواستند که از رژیم فدا انقلابی حاکم حمایت کنند دست از مبارزه برداشته و به هر پستی و ذلتی تن در دهند..."

این کلمات بار دیگر نشان را بیا دمرز - بندیهای سطحی و احساساتی فدا ثیسان خلق با حزب توده در گذشته می اندازد:

به اکثریت و حزب توده نسبت های "خیانت" "سازش"، "چاپلوسی های نوکر مایانه و احمقانه"، "دست کشیدن از مبارزه"، "پستی و ذلت" و "نظاره آن بدرستی داده میشود، ولی به هیچ وجه روشن نمی گردد که این همه فرومایگی و خیانت ناشی از کدام ایدئولوژی و کدام تجدید نظر در اصول ایدئولوژیک طبقه کارگر میباشد؟ و این همان واقعیتی است که "اقلیت" حتی از شنیدن نام آن وحشت دارد، زیرا در غیر این صورت مجبور خواهد شد که اولا: مرز بندی با رو بیونیسم خرو شجفی را بعنوان ایدئولوژی بورژوا ثی که الهام دهنده حزب توده و اکثریت بوده و هست بپذیرد و ثانیاً: سوسال امپریالیسم نوری را بعنوان پشتیبان بین المللی دارودسته های رویزیو - نیست فوق در ایران بپذیرفته و با مرز بندی قاطع با این "امپریالیسم در پرده سوسالیسم" خود را از تزلزلات ایدئولوژیک خلاص سازد به عبارت دیگر اقلیت مجبور است که مواضع سا نتریستی خود را رها کرده و مواضع پیگیسر و بزوانتری سازمان پیکار را بپذیرد و این چیزی است که قادر به حتی نام بردن از آن نیست و برای مرز بندی با آن از همان اصطلاحات معمول "اکثریت" در مورد "پیکار" و حتی خود اقلیت یعنی "انارشیسم" و "انارکوسندیکالیسم" استفاده میشود.

۳- سابقا اقلیت گاهی از کلمه رویزیونیسم برای نام بردن از انحراف اکثریت استفاده میکرد، ولی اخیرا خیال خود را راحت کرده و از همان کلمه قدیمی "رفرمیسم" که در نظریات "گار" برای مرز بندی با حزب توده استفاده می شد، بهره میجوید، مثلا توجه کنید به جمله زیر: "اینک حتی برای عقب مانده ترین هواداران اکثریت روشن شد که آنها سرانجام با نید بیسن حزب توده و سازمانهای انقلابی، بین رفرمیسم و مارکسیسم لنینیسم یکی را انتخاب کنند". (تاکیدا زما ست) در مقاله دیگری که "اقلیت" در همین شماره "گار" ۱۰۳ تحت عنوان "جسه

کسانی اسب شروای امپریالیسم و فدا انقلاب نوشته و نمونه کاملی از سانسوریسم و لمیدن میان مارکسیسم و رویزیونیسم میان پرولتاریا و بورژوازی میباشد، ما هیت این "رفرمیسم" را که معتقد است ابعاد بین المللی دارد چنین ارزیابی میکند: "... آنچه که در ستنیز در ونسی جنبش کارگری جهانی به روشنی قابل دیدن است - هر چند که اینجا و آنجا پوشش های متفاوتی بخود میگیرد و خود را به اینگونه می نماید ندر که آیا در جنگی امپریالیستی یا ارتجاعی باید از بورژوازی "خودی" حمایت کرد یا نه، و یا به صورت قبول و یا رد ضرورت قهر در تحولات اجتماعی و یا در شکلی دیگر در انگار یا پذیرفتن اعمال دیکتاتور از جانب پرولتاریا از کسب قدرت و آخرسردر دیا قبول "راه رشد غیر سرما به داری" همه و همه با زتاب جدائی پیشینه دار از برخورد دودیدگاه است که یکی بر خاسته از خواستگاه خورده بورژوا ثی با استقرار بر "اشرافیت کارگری" عاقبت طلب است و در طرح هر مقوله اجتماعی و حتی اخلاقی به معنای "نخیکا ن خود بهر شرط و قیمت می اندیشد... (تاکیدا زما ست) به عبارت دیگر نرته تنها رفرمیسم حزب توده و اکثریت، بلکه احیانا وجود برخی از این گونه گرایشات در حزب حاکم شوروی که گویا بقول اقلیت در تحت "منطق عینی و قیاب" به اصطلاح تصحیح میگردد (مراجعه شود به سرمقاله کار ۹۹)، ما هیتی خورده بورژوا ثی و نه بورژوا ثی دارد، و در نتیجه از لحاظ ایدئولوژیک نه یک جریان بورژوا ثی بلکه لتقاطی خورده بورژوا ثی است که میتواند "تحت منطق عینی و قیاب" تصحیح شود!! ولابد این همان راهی است که "خورده بورژوا های" اکثریتی و توده ای نیز از مواهب آن برخوردار خواهند شد! از آنچه که گذشت به روشنی میتوان فهمید که سانسوریست های اقلیت از ارتداد ایدئولوژیک اکثریت، از تجدید نظر آن در اصول ایدئولوژیک مارکسیسم لنینیسم یعنی قبول رویزیونیسم از گرویدن آن به جنبه متحد بورژوازی امپریالیستی جهانی، درکی کاملا محدود و خسرده - بورژوا ثی داشته و آنرا تا حدیک انحراف سیاسی تا حدیک گرایش رفرمیستی در برخورد به قدرت سیاسی حاکم پائین می آورند، و تماما دنی نیست که علی رغم تمام آن انشابات احساساتی و پرهیجان که نصیب رویزیونیستهای توده ای و اکثریتی میکنند، به هیچ عنوان قادر نیستند که خود را در مقابل ایدئولوژی بورژوا ثیسی رویزیونیستی و آکسینه کنند و در مقابل تمام استحاله تاریخی جناح اکثریت سازمان خود از سانسوریسم به رویزیونیسم، از جزئی به کار ۵۹، با زهم تا بینائی تاریخی خود را نشان داده و در صورت عدم مرز بندی قاطع با رویزیونیسم، خطر جدید از موضع سانسور در مقابل بورژوازی تاسا موضع طرفدارانه در مقابل آن، برای آنها نیز وجود خواهد داشت، البته نباید فراموش کرد که بقول هگل وقایع تاریخی دوبار تکرار میشوند یکبار در قالب تراژدی و بار دیگر در قالب کمدی مسخره.



## در حاشیه محاکمه امیر انتظام خائن

وا میرا انتظامها نه با شرکاء و رقبای خود -  
بیهستی ها و دیگر حزبی های مرتجع - بلکه با  
ختموا انتظام طبقه ای توده های زحمتکش روبرو  
خواهند بود .

هما نظور که ا شاره شد ، خودا میرا انتظام اعتراف  
میکند که در ما موریت ها بش بعنوان شخص عمل  
نمیکرده و اتفاقا ما هم از آغا زما بخداری رژیم  
جمهوری اسلامی همین حرف را زده ایم که اگر  
امیرا انتظامها ، مدنیها ، فربدها ، مراغهایها  
و . . . . با آنچه ما بقده و قضا لیت بخدا نقلایی به  
مقامهای مهم دولتی میرسند ، دقیقاً بخاطر  
ما هیت ارتجاعی کل رژیم و حما بیت آیت الله  
خمینی است که چنین عنان صر مرتجعی برسروشت  
مردم حاکم میگرددند . رفق و فترق امور جمهوری  
اسلامی بمثابه ارگان سازش امیرا لیسیم و  
بورژوازی و بدنبالش خرده بورژوازی مرفه

باید هم دست مرتجعین و  
جاسوسان امیرا لیسیم صورت  
گیرد . با زرگان ها و یزیدی ها  
که در آشکارا به ملاقات برژنیسکی  
میروند و مذاکرات سری با  
هویزورقه باغی را افتخار و  
خدمت میشمارند طبیعی است  
که در نهان از طریق مهره های  
مزدوری چون امیرا انتظامها  
و میناچی ها (که این یکی با  
مداخله بنی صدر خائسن از  
زندان آزاد شد) به بندوبست  
های پنهانی با امیرا لیسیم  
آمریکا بپردازند .



میس امیر انتظام در زندان اوین به سرانگه گوناگون خبرنگاران پاسخ میگوید.  
اطلاعات ۶۰/۱/۱۶

اما راه فرار و با دلائل شبره را خودا میر -  
انتظام به حاکم شرع نشان میدهد ، او در سخنانش  
میگوید : " ثابت میکنم که ترجمه اسناد انگلیسی  
به فارسی درست انجام نشده و به تائید هیچ مقامی  
نرسیده است . " (هما نجا )

مدت زیادی نیست که جاسوسان انگلیسی  
پس از چندین ماهه های تسلیماتی به بهانه  
ساختگی و جعلی بودن اسناد و مدارک همراه با  
عذر خواهی آزاد شدند . او که مدارک آنها تقلبی  
بودند ، چرا امیرا انتظام به تائید درستی ترجمه ها که  
" مدارک جرم " میباشند ، اعتراض نکند ، او تازه  
ادعا هم دارد که اصل مدارک را ندیده ، و لیسیم  
فهمیده که ترجمه ها درست انجام نشده است ، پس  
امیرا بیدلیل " دوستی " بسیار نزدیک او با  
آمریکا شیها بوده که گزارشات خودشان را قبل  
از تسلیم به مقامات آمریکا بی از نظر خودا پس  
مزدور نبی می گذرانند .

اما ، نکته جالب تر از همه در اینجا است که  
امیرا انتظام ، آخسر طلبکار هم شده است ، آب که  
سربالا رود فوراً به آنها ابوعطا میخوانند !! وی  
ضمن مصاحبه ای با خبرنگاران در بیمارستان  
زندان اوین - خوب توجه کنید که زندانیان  
انقلابی از کوچکترین امکانات بهداشتی بی -  
بهره اند و از بی غذایی و بی دارویی رنج می برند  
بقیه در صفحه ۲۲

آمریکا قرار گرفته ام ، مثابه این قدر دانی از  
طرف اکثر سفارتخانه ها در مورد من به عمل آمده  
است . " ( انقلاب اسلامی ۱۶ فروردین ۶۰ ) امیر -  
انتظام خائن ، نه تنها این مطلب را که مورد تفقد  
امیرا لیستیهای آمریکا بی قرار گرفته ، انکار  
نمیکند ، بلکه بر آن افتخار کرده و میگوید علاوه -  
بر آمریکا شیها ، سفارتخانه های دیگر نیز او را  
مورد لطف قرار داده اند . البته او در این  
ارتباطات و " خدمات شایسته " ، تنها نبوده است ،  
این لیبرال خائن اضافه میکند :

" ثابت میکنم که تمام مذاکرات و مکاتبات  
به عنوان یک مقام مسئول دولت و با اجازه دولت  
اما ما انجام گرفته است . " (هما نجا) - برای  
کمونیست ها از آغا زما کمیت ارتجاعی جمهوری  
اسلامی شکی نبود که خیانت های امیرا انتظامها ،  
مقدم مراغهایها ، بیهستیها و . . . . نه از سرشت  
بلید فردی آنها ، بلکه از منافع طبقاتی -  
بورژوازی آنها سرچشمه گرفته و در این امر نه  
فقط خود آنها ، بلکه کل طبقه بورژوازی ارتجاعی  
و جناحهای مختلف آن سهیم هستند . کمونیستها  
از همان زمان دستگیری امیرا انتظامها این مسئله  
را که با زرگان و با زرگانها نمیتوانند " با کتیر  
از امیرا انتظام مویزیدی " پیدا بکنند و همگی از یک  
قماشند و اینکه لیبرالها بیثباته جناحی از  
ارتجاع حاکم در مقابل خلقهای ایران قرار  
گرفته اند را افشا کردند ، آری همانطور که  
با زرگان در " دادگاه " امیرا انتظام اعتراف کرد  
وی در کلیه اعمال و کردار امیرا انتظام خائسن  
سهیم و شریک و بلکه مسئول بوده است و در ضمن وی  
گفته است که بجای امیرا انتظام ما پیدا و محاکمه  
شود . با زرگان و همپالکیها بیش مدت زیادی  
نمیتوانند با فریب و ریاکاری خود را از پیش ببرند  
قطعا آن روز که توده های انقلابی خلق به حساب  
با زرگانها و امثال او در دادگاههای انقلابی  
رسیدگی نمایند ، خواهد رسید و در آنجا با زرگانها

در اسفند ماه ۵۹ ، همزمان با تشدید تضادهای  
درون ارتجاع و حادث شدن جنگ قدرت میان دو ،  
جناح خیانت پیشه لیبرالها و حزب جمهوری  
اسلامی و بویژه تعرض گسترده لیبرالهای خائسن  
" حزبی " های مرتجع نیز موقعیت را برای بهره -  
برداری سیاسی از ماجرای " امیرا انتظام " و  
ارتباط تنگاتنگ او با امیرا لیسیم آمریکا  
مفتم شمرده و همراه با سرومدای تبلیغاتی ، وی  
را به " محاکمه " کشیدند . جناح حزب قصد داشت به  
انکار روابط امیرا انتظام با آمریکا بی - که  
با زرگان ، " نهضت آزادی " و " دولت موقت " نیز در  
آن سهیم بودند - دست به تعرض متقابل زده و از  
آنها بعنوان حربه ای علیه لیبرالها استفاده  
نماید ، اما و خیم تر شدن بحران بین دو جناح و  
دخالت آیت الله خمینی و فرونشست موقتی  
اختلافات فیما بین ، در جریان " محاکمه " نیز  
تا شیر گذاشت ، البته فضای ملاقاتهای بیهستی  
با ژنرال هویزورویچی از گروگانها بیس از  
دستگیری امیرا انتظامها و اعلام این موضوع از طرف  
با زرگان در هفته های اخیر نیز طبیعتاً در جریان  
" دادگاه " و جنبه تشریفاتی داشتن آن بی اثر  
نبود چرا که مرتجعین هوای همدیگر را دارند و  
در واقع عملکردشان با هم گره خورده است . مروزی  
بر جریان با اصطلاح " دادگاه " و لحن نرم حاکم شرع و داد  
ستان و دیگر گردانندگان " محاکمه " خود نشان  
میدهد که جنبه تشریفاتی امر ، برجسته های  
دیگر می چربد . زمانیکه جاسوسان اصلی  
( گروگانهای آمریکا بی ) پس از برخورداری از  
" مهمان نوازی " رژیم جمهوری اسلامی و استراحت  
در جاهای چون کاخ و هتل های لوکس ( بنا به  
گفته نبوی سخنگوی دولت " مکتبی " ) و بخش چند  
میلیارد دلاری از کیسه توده های زحمتکش ، با  
عزت و احترام مواالته همراه با شکار " مرگ بیبر  
آمریکا " اروا نه کشورشان میشوند ، با امیر -  
انتظام هم که تازه شاکر گرد آنهاست نباید زیاد  
سختگیری کرد ، و در نتیجه جلسات " دادگاه " حالت  
مجلس مهمانی را پیدا میکند ، یک روز با زرگان  
بدفاع از همپالکی خویش میردا زد و روز دیگر  
سحابی و صدر حاج سید جواد برای خوش و بش در  
" محضر دادگاه انقلاب " حضور پیدا میکنند - بیاد  
بیا و برید محاکمات و اعاده ایهای کمونیستها را که  
نه تنها آزادی دفاع خبری نیست بلکه در بیشتر  
آنها از دستگیری ، تا تیرباران بیش از دو سه روز ،  
طول نکشیده و رفق در پشت درهای بسته محکوم به  
مرگ شده اند ( نظیر تیرباران رفقا شرفسی و  
نیک اندام که فقط به جرم تبلیغ علیه جنگ و  
داشتن عقاید کمونیستی دستگیر شده بودند ) شکی  
نیست که جاسوسان - آنها زوع آمریکائی اثر -  
از منزلت خاصی در پیش ارتجاع برخوردارند .  
علاوه بر چگونگی جریان " دادگاه " ، " مدافعان  
امیرا انتظام نیز حاوی نکات افشاگریست که  
توطئه لیبرالهای خائسن و زدوبندهای آنها را  
با امیرا لیستیها بر علیه خلقهای ایران برملا  
میسازد ، امیرا انتظام میگوید : " در کیفی خواست  
من متهم شده ام که مورد قدر دانی مسئولین

### از جیب آوارگان جنگ به جیب گشاد بنیاد مستضعفین

جنگ زدگان آبادانی که قصد خارج نمودن اسباب و لوازم زندگی خود را از آبادان دارند، باید مبلغ ۲۰۰۰ تومان به حساب "بنیاد مستضعفین" واریز نمایند تا جهت حمل و سابلشان تا محل سوار شدن به لنج، ماشین در اختیارشان بگذارند، در غیر این صورت از تخلیه متازلشان جلوگیری میشود!

رژیم که می بیند توده ها از شرکت در جنگی که بخاطر منافع سرمایه داران برپا شده است، سر باز میزنند و دیگر جناح های عوام فریبی های با مصلح میهن پرستانه اش رنگی ندارد، سعی میکند علاوه بر تحمیل مصائب جنگ ارتجاعی بر دوش زحمتکشان، با گرفتن باج سیلها نسی مانند مورد بالا، بخشی از هزینه های سرام آور جنگ ارتجاعی را تا مین نماید.

### افزایش محاصره زندانها به جای تامین امنیت جانی زندانیان

در پی شدت گرفتن حملات رژیم ارتجاعی عراق به شهرها و از احتمال اصابت راکت و موشک به زندانها و بازداشتگاهها، مسئولین زندانهای رژیم جمهوری اسلامی حفاظت از محارها و دیوارهای زندانها را چند برابر کرده اند، تا مبادا در اثر اصابت موشک و راکت به زندان، محارها فرو ریخته و زندانیان فرار کنند. رژیم ضد خلق بجای تغییر مکان زندانیان و فرستادن آنها به شهرهای دیگر، محافظت از دیوارهای زندانها را بیشتر میکند، و نشان میدهد که چگونه زحمتکشان و فرزندان آنان که در زندانها در بند هستند، برایش هیچ ارزشی ندارد. اما رژیم جمهوری اسلامی با پدید آمدن عاقبت درهای زندانها بدست توانای توده های زحمتکش بروی فرزندان نشان بازخواست و زندانی سیاسی انقلابی بدست توانای توده ها آزاد خواهد گشت.

### آوارگان در محاصره سیل

در تاریخ ۶۰/۱/۱۷، در اثر بارشهای شدید در هفت تپه، چادرهای آوارگان جنگ ارتجاعی را آب فرا میگیرد و سائل ناچیز داخل چادرها طعمه سیل میشوند. رژیم ضد خلقی که با تبلیغات عوام فریبانه دم از کمک به آوارگان میزند، در جریان این سیل مانند همیشه غایب بوده و از

## اخبار جنگ

"گروه های امداد" هیچ خبری نبود، یکی از آوارگان میگفت: "آنها چه موقع به مردم کمک کرده اند که الان بکنند، آنها فقط بلدند کسائی را که مردم را آگاه میکنند، از زمین بپرند، و زحمتکش دیگری میگفت: "این رژیم برعلیه زحمتکشان همان کارهایی را میکند که رژیم شاه میکرد و باید حساب او را نیز مثل رژیم شاه رسید."

زحمتکشان آگاه مبارزه بر علیه جنگ ارتجاعی را با هر می برای گسترش انقلاب تبدیل خواهند کرد!

### رژیم ضد خلقی و مشکل گرما در مناطق اسکان آوارگان جنگی

ماه شهر با شروع فصل گرما، آوارگان مستقر در مناطق جنوب (ماه شهر، شادگان و...) با مشکل جدیدی روبه روبرو شده اند و آن وزش باد های گرم و صحرائی است. به همین علت آوارگان ساکن چادرها می که در محل تربیت بدنی ماه شهر برپا شده اند بی طبعیت نبود و سائل رفاهی "خنک کننده در چادرها، تا چاره ترک آنها گشته اند. از طرف دیگر مسئولین رژیم از این فرصت استفاده کرده و به آوارگان پیشنهاد رفتن به اردوگاه جیرفت را می نمایند، اما آوارگان زحمتکش که در طی هفت ماهه با هیبت فریبکارانه سیاستهای رژیم بی برده اند از رفتن به جیرفت سر باز زده و به مناطق غیر پیشینهای رژیم میروند. با حمایت از مبارزات و خواستهای برجسته آوارگان، سیاستهای ارتجاعی رژیم ضد خلقی را افشا نمائیم!

### از خیرات جنگ

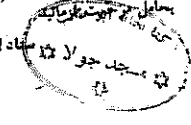
هیا هودر مورد آوارگان جنگ فراوان است. ولی واقعیات افشاگرما هیبت و نسیاستهای ارتجاعی رژیم است.

یک عدد دان، جیره جنگ زدگان آوارها میباشد که باید برای گرفتن آن با هزار منت و معطلی "کارت" مخصوص گرفت. تجا و بزرگ و زمینداران و سرمایه داران خونخوار با محروم نمودن زحمتکشان به زندگی تنگین خود ادامه میدهند و رژیم جمهوری اسلامی حامی آنها و دشمن زحمتکشان است.

عوام فریبیهای رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را بر ملا سازیم!

بسمه تعالی

تاریخ: ۱۳  
ناشر: آقای امیر...  
تعداد: یکصد  
مکان: تهران



### اتحاد، رمز پیروزی آوارگان

بوشهر:

بدنیال شط هرات و اعتراف جنگ زدگان آوارها در بوشهر ۵۹/۱۲/۶ که در آن شعارهای "شورا حق مسلم ما ست"، "بهداشت، مسکن، حق مسلم ما ست"، "حقوق جنگ زده تا مین باید گردد"، "از خلقی و گرانی و بیکاری مردم به تنگ آمدند" از طرف آوارگان مطرح شد و دستگیری شما زندگان آنان، بخاطر اینکه رهبری صحیح نداشتند و کاملاً متحد و یکپارچه نبودند باعث شد که حمله پایداران سرمایه آنها را پراکنده سازد و آوارگان نیز که فقر و فلاکت بیش از حد آزارشان میداد مجبور به دریافت ۱۰۰ تومان شدند. مسئولین، دولتی با بیشرمی فراوان هر روز "روزگار روز و روزگوشی را روی آنها سنگینتر کرده و سعی در ایجاد تفرقه بین آنها میکنند چه میداند که آنها تا حد است که با عت میشود و آوارگان زحمتکش در مقابل دشمن طبقا تیشان ایستادگی کنند.

در روز ۱۲/۱۱/۶۰ عده زیادی برای گرفتن پول و شماره در بسیج "مستضعفین" تجمع کرده بودند که بخاطر کثرت مردم شخص مسئول شما رها دان با برخاش به آنها وهل داد نشان تمامی شما رهها را پاره کرد که مردم نسبت به این عمل او شکیبای اعتراف کردند. زنی ۵۴ ساله میگفت: "آنها میخواهند مردم کلاه بگذارند، به ما میگویند ۱۰۰ تومان میدهم و در عوض خواب رویا رومیوه و گوشت مجانی بشما میدهند، گوشت و میوه ای وجود ندارد شما چطور میخواهید بطور مجانی در اختیار جنگ زده ها قرار بدهید، اینها هر روز مردم را از صبح زود تا ساعت ۲ توی این صفها سرگرم میکنند و به این طریق انزجار خود را از آنها شدیداً برآزمیکنند."

زحمتکشان آوارها ناراضا بیتیها و خشم خود را با اتحاد و همبستگی تان بفریادی بر علیه دشمن طبقا تی خود یعنی سرمایه داران تبدیل نمائید زیرا هر چه شما بیشتر متفرق باشید از الوصفگان بیشتر خون شما را می مکند. همچنان که تا کنون اینکار را کرده اند.

(اخبار آوارها نشریه هوا داران سازمان بوشهر)

## مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

# در زندانهای جمهوری اسلامی: شکنجه و ترور کمونیستها و انقلابیون اسیر

- کمونیست ها و دیگر انقلابیون در بند ، با وجود شکنجه و آزار مزدوران و شرایط طاقت فرسای زندانها ، یکدم دست از مبارزه برنداشته اند .
- زندان سنگرد یگری از مبارزه است ، نه شکنجه های دائمی و نه یورشهای مداوم پاسداران سرمایه به زندانیان سیاسی انقلابی ، نه تنهاداراده مبارزاتی فرزندان انقلابی خلق تزلزلی پدید نهیارد ، بلکه کینه طبعاتی آنان را نسبت به دشمنان بودهای زحمتکش ، عمیق تر می نماید .
- پشتیبانی و دفاع بیدریغ از انقلابیون کمونیست و مکررات که مدتهای طولانی در خانه های "امن" زندانهای جمهوری اسلامی بسربرده و آزر نوشتنشان اطلاعیه در دست نیست ، وظیفه مبرم هر انقلابی است .

و با یورش با گلوله با سداران شهید شدند .  
انقلابیون بلافاصله پس از دستگیری زیر شکنجه های وحشیانه زندانیان جمهوری اسلامی قرار میگیرند ، هفته ها و ماهها از ملاقات پیدا میکنند ، مجبور میشوند مدتها در سلولهای تاریک و نمناک بسر ببرند ، از غذا و بهداشت حداقل محروم میمانند ، مورد فشار روحی و روانی قرار میگیرند با جنایتکاران و مزدوران ساواک همبند میشوند مورد و قیحا نهترین تهمتها و فحاشیها قرار میگیرند ، مدتها در سلولهای انفرادی و بی خبر از همه چیز در شرایط طاقت فرسا بسر میبرند ، با آنها ملامت واهی و بدون رسیدگی به وضعیتشان مدتهای طولانی بلا تکلیف در زندان میمانند ، هنگام خواب مورد یورش ناگهانی اوپاشان قرار میگیرند ، دختران کمونیست و انقلابی مورد تجاوز و وحشیانه مرتجعین است قرار میگیرند (واخیرا توطئه ای در جریان است که تحت نسام "سینفای اسلامی" جنازه انقلابیون دختر را ظاهرا "شرعی" بدهند) ...

شکنجه و اعدای دختران قهرمان کرد و تجاوز و وحشیانه با سداران و ارتشیان در زندانها ، چهره شکنج جمهوری اسلامی را سیاه تر میکند . قضاوت با سداران در مقابل دختران کرد ، روی جنایتکاران تاریخ را سفید کرده است (مراجعه کنید به پیکار ۱۰۱ - صفحه خلقها ) .

بدنبال هیاهوی تبلیغاتی و عوامفریبانه بنی صدر در مورد شکنجه گروهی از مرتجعین - "هیئت بررسی شایعه شکنجه" بر راه انداختند و چون چاقودسته خود را نمیبورد ، آخرسر طلبکار هم



شدند و معلوم شد که تهاشکنجه ای در زندانها نیست ، بلکه این انقلابیون هستند که دوستان خود را دستگیر میکنند و برای تبلیغ علیه رژیم جمهوری اسلامی بر روی بدن آنها با آتش سیگار شعلار مینویسند (صحبتهای خمینی با قضا - صدا و سیما جمهوری اسلامی ۱۹ فروردین ۶۰) اما آغاز همگفتیم که در ماهت رژیم جمهوری اسلامی نیست که جنایات مزدوران خود را افشا کند ، شکنجه بخشی از سرکوب رژیم علیه انقلابیون و کمونیستها است و اینگونه هیئتها جز عوامفریبی و سرانجام طلبکاری از توده های کاری از پیش نمیبورند .

در هفته های اخیر ، همراه با تشدید سرکوب و یورش های وحشیانه ارتجاع به نیروهای انقلابی و افزایش تعداد دستگیریها ، انقلابیون اسیر در شهرهای مختلف مورد یورش مداوم و شبانه روزی زندانیان مرتجع قرار گرفته و در اثر ضرب و شتم و وحشیانه با سداران جیل و سرمایه ، عده

نهان بصورت روزمره جریان دارند . زندانیان انقلابی مدتها بدون کوچکترین خبری آزر نوشتن آنان در زندانها میمانند و با مخفیانه در زندان ترور شده و جسدشان در بیابانها و ... انداخته میشوند .

بیا دنیا و ریم که رفقای پیکار گرامسعود صالحی را و طیب نجم الدینی را در حین پخش اعلامیه در ضرب دستگیر کردند و پس از ترور قبیح جنازه هایشان را در جاده اهر انداختند ، با ترور جنایتکارانه رفقا توجاج و با رانش را که در کنبه دستگیریهایی از شکنجه های وحشیانه جنازه شان در جاده بجنوردا انداخته شدند و اخیرا نیز ترور رفیق فدائی جها نگیر قلعه میاندوآب که در میتینگ ۱۷ بهمن ۵۹ دستگیر و چند روز بعد جسدش پیدا شد ، از این نمونه ها کم نیستند . همین هفته های گذشته در جریان حمله به نیروهای انقلابی در قزوین ، رامسر ، کتالم و ... چندین نفر از جوانان مجاهدین در حین دستگیری

توده های انقلابی ما خوب بیاد میآوردند روزهای پر شور قیام بهمن ۵۷ را که زندانهای محمدرضا شاهی یکی پس از دیگری به تسخیر فرزندان زحمتکش در عین مدندوبهت انقلابی آنان درهای زندانها و سیاهالیها گشوده میشدند ، و نیز توده های قهرمان بیاد میآوردند که بقدرت خردگان خدا انقلابی ، توده ها را با بیانه و فریب (از جمله "مین گذاری" شدن زندانها ، ...) از محوطه زندانها بیرون میکردند و مانع از ویرانی سیاهالیها و شکنجه گاهها بدست پرتوان توده ها میشدند ، ارتجاع بخوبی میدانست که زمان زیادی نخواهد گذشت که توده های انقلابی در مقابل حاکمیت جدید قرار گیرند و با آگاهی از ماهیت رژیم جمهوری اسلامی مبارزه با آن برخیزند و به همین دلیل میدانست که بسیار زود تر از آنچه مردم قهرمان ما گمان میکردند ، بسه زندانهای محمدرضا شاهی نیا زمند خواهد شد و واقعیت ۲ ساله نیز بر آن محک گذاشت ، رژیم جمهوری اسلامی بموازات اوجگیری جنبش توده ها و تشدید فعالیت آگاهی بخش کمونیستها و انقلابیون دیگر و با خیال خالص مدکردن انقلاب سرکوب و وحشیانه اش را گسترده تر ساخت . تیر - با رانها و کشتارها آغاز شد و زندانهای یکی پس از دیگری از کمونیستها و فرزندان انقلابی خلقهای ایران پر شدند . هم اکنون هزاران کمونیست و دمکرات انقلابی در زندانها و "خانه های امن" اسیر مزدوران سرمایه و با سداران ارتجاع هستند . موسوی اردبیلی چهارشنبه ۱۹ / ۱ / ۶۰ در تلویزیون اعلام کرد که ۲۰ هزار زندانی و ۱۵۵ زندان وجود دارد ، آیا این حقیقت ندارد که بخش مهمی از آنان کمونیستها و انقلابیون هستند ؟ آری ربودن انقلابیون ، دستگیریهایی آشکار و

زندانی سیاسی انقلابی ، به همت توده ها آزاد باید گردد

# اعتصاب غذای زنان کمونیست در زندان اوین

کارگران، زحمتکشان، پدران و مادران مبارز ۱

۱ امروز ۲۲ فروردین، دوازده روز از اعتصاب دختران کمونیست که در جنگال رژیم جمهوری اسلامی گرفتار بودند عمومی زنان و سولولهای انفرادی اسیرند، میگذرد.

این اعتصاب غذا فربا دمقاومت فرزندان دلیر زحمتکشان، و غرش شیرزنانی است که بخاطر دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان و "بجرم" آگاه کردن توده ها در سبها لهای رژیم جمهوری اسلامی به اسارت افتاده اند و علیرغم انواع شکنجه ها و بدرفتاری ها و ضمهتها، در زندان نیز برجمقاومت و مبارزه علیه امپریالیسم و سرمایه داری را برافراشته نگاهداشته اند.

دختران و زنان انقلابی و کمونیست که تهم سیار چشمگیری در مبارزه علیه رژیم شاه خا شن داشتند، همچنان در راه مبارزه سروراندن انقلاب تا تمام ایران، با گامهای استوار به پیش می روند، زنان و دختران کمونیست که در بند عمومی زندان اوین و سندهای انفرادی اسیرند، ف از اعتصاب غذای خود را چنین اعلام کرده اند:

- ۱- جدا کردن بند زندانیا ن سیاسی انقلابی از سایر و کتیا و از زنان بدکاره
  - ۲- رسیدگی هر چه زودتر به کار زندانیا ن و رهایی از بلا تکلیفی
  - ۳- آزادی بدون ورود کتا ب و روزنامه
  - ۴- آزادی دا بخت رادیو
  - ۵- بهبود وضع غذایی و بهداشتی زندان
- هم اکنون حال ۳ نفر از این فرزندان ن پهرمان خلق و خیم است وزیر "سرم" قرار دارند. ما از همه نیروهای کمونیست و انقلابی و عموم هموطنان مبارز میخواهیم که فربا د اعتراض خود را علیه رژیم "زندان اوین" را از سایر و کتا هبدا رت برده و بخاطر خدمت به سرمایه داری و سایر مرتجعین، مبارزین دلیر خلق را به بند کشیده است، بلسندکنند.
- به حمایت از فرزندان اسیر خلق بر خیزیم! افتخار بر بیا بداری و مقاومت زنان کمونیست و انقلابی در زندانهای جمهوری اسلامی! سازمان بیکا در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۶۵/۱/۲۲

انقلابی و واقعیت اسفناک درون زندانها را بنیان توده های زحمتکش ببریم و با تمام توان بدفاع از زندانیا ن کمونیست و انقلابی بر خیزیم. افتخار بر بیا بداری زندانیا ن انقلابی که برجم مبارزه را در زندانها برافراشته نگاهداشته اند! زندانیا ن سیاسی انقلابی، بهمت توده ها ازاد بیا بدگرد.

از چیره غذایی خوب بهره مند شوند و بیشترن برور با رسیا بسند. نکته مهم هم اینجاست که رژیم جمهوری اسلامی به تسبیعت از ما هیت ارتجاعی خود، مزدوران ساواک و سرتجمینی جون شیخ - الاسلام زاده ها را از رفاه و آسایش و غذا و بهداشت خوب و کفا فی برخوردار میسازد و در مقابله با کمونیستها و انقلابیون در بندرا زیر فشارهای جسمی و روانی قرار داده و در بدترین شرایط و همراه با شکنجه و آزار و... قرار میدهد. رئیس مرتجع زندان اوین از "امکانات" بیهوشی صحبت میکند و آنرا "بهدار زبیرون" میداندا ما در اینجا نیز و عمدا فراموش میکند که بگوید فقط ساواکتیا و مزدوران رژیم شاه - که البته روز - پروزا ز تعدادیا ن در زندانها کاسته میشود - از این "امکانات" برخوردارند. زندانیا ن انقلابی نه تنها در بدترین شرایط بهداشتی بسر میبرند، بلکه کم نیست نمونه ها شیکه زندانیا ن کمونیست و انقلابی بیما را بجای انتقال به بیمارستان بزیسر شکنجه کشیده و بیبا دکتگ گرفته اند (اوضاع زندان شیراز - بیکا ۱۵۰) و یا زندانیا ن مبارزی که در اثر اعتصاب غذا ضعیف شده است به قصد کشتک زده اند.

البته علاوه بر مزدوران رژیم شاه که در زندانها با سایر داریان همکاری میکنند، رویزونیستها ی خا شن اکثریت نیز به بیروی از می خا شنانه - شان که اولین بندان را سازش با ارتجاع و خیانت به خلق تشکیل میدهد، در زندان نیز به جاسوسی برای سایر داریان و توطئه علیه انقلاب مشغولند. در حاشیه ما حبه کجوشی خا شن ما حبه - ای نیز با "اکثریتی"های خا شن انجام شده است: "گرمی حصارکی شما بنده منفی زندانیا ن وابسته به فدائیا ن خلق (اکثریت) در با سخ به این سوال که زندانیا ن وابسته به گروهکهای بیکار، مهاجرتین خلق، کومله اظهار میدارند که در زندان از لحاظ غذا و بهداشت به زندانیا ن رسیدگی نمیشود نظر شما چیست گفت: طرح این مسائل از دیدگاهها یما ن در مورد حاکمیت سر - چشمه میگردد". (جمهوری اسلامی ۶۵/۱/۱۶) چه خوب این اکثریتی خا شن خود را افتا میکند، و تلویحا میگوید که اگر جریانی در ورطه خیانت آنچنان غرق شود که حاکمیت ارتجاعی را "فد - امپریالیستی" بنا مد، نایدیده گرفتن و ضمه اسفناک بهداشتی و غذایی زندان کار بسیار ساده ای خواهد بود. خا شنین به خلق در همه جا با رورژوازی و ارتجاع هستند.

اما اینهمه دانش و پیستی که از کینه طبقاتی ارتجاعی، مزدوران رژیم با انقلاب و هرجیانی که در راه انقلاب و بخاطر آزادی زحمتکشان تلاش کند، حاصل میشود بیبا سخ نمیمانند. هم اکنون زندانیا ن کمونیست و انقلابی در بیشتر زندانها برای اعتراض به وحشیگری جلادان جمهوری اسلامی دست به اعتصاب غذا زده اند. انقلابیون در بند بیا فربا دهای انقلابی، ختم طبقه - زحمتکشان را در رشت منیله های زندان نجسم میبختند. مبارزه و مقاومت حما سافربین زندانیا ن

زیادی از مبارزین زندانی مجروح و زخمی شدند. زندانهای شیراز، بندرعباس، قزوین - ساری، آمل و... شاهد هجومهای وحشیانه او بیا ن ارتجاع بودند. در اولین روزهای سال سودر شیراز و بندرعباس، زندانیا ن انقلابی بیا کوچکترین بیانه ای مورد حمله دسته جمعی مزدوران قرار گرفته و به سولولهای انفرادی فرستاده شدند.

علیرغم شرایط طاقت فرمای زندانها - البته برای انقلابیون - زندانیا ن مرتجع با تبلیغات عوام فریبانه دم زشایط عالمی زندانها میزنند و آنچنان تومیقی از زندانهای جمهوری اسلامی میکنند که حتی انسانهای آزاد نیز "هوس" زندانی شدن بر سرشان بزنند!! نمونه ای از چنین تبلیغات عوام فریبانه، ما حبه ایست که "کجوشی" سرپرست مرتجع "زندان اوین" بعمل آورده است. (جمهوری اسلامی - ۱۶ فروردین ۶۵) وی که از نظر قماوت و دشمنی با نیروهای انقلابی و کمونیست، هیچ کم و کسری ندارد، برای توجیه شکنجه انقلابیون و اعمال زشت و قرون وسطائی رایج در زندانها، ابتدا بدترین تهمتها را به کمونیستها و نیروهای انقلابی وارد آورده و در مورد شکنجه "بایدان" توسط رفقای کومله و... در کردستان به داستان - سرائیهای شرم آور میبرد از تدا بوده های نا آگاهان القا کند که چون کمونیستها افراد ما را شکنجه میکنند، در مورد بد رفتاری با آنان نباید از رژیم گله داشت. ولی توده های آگاه میدانند که این دروغی است بیشترانه و وقیحا نه. کجوشی مزدور سبب در مورد وضع "عالمی" بهداشتی و غذایی زندان مو بظه میکنند و از بیادی جیره غذایی زندانیا ن صحبت میکنند، او میگوید: "... عده ای از زندانیا ن ما منوشته اند که در این شرایط جنگی اینهمه جیره غذایی برای ما اصراف است زیرا داست و ما اینچنان برور می شویم و از این طرف این آقا یا ن میگویند به ما غدا داده نمیشود!" ما نمیگوئیم که وی دروغ میگوید ولی او عمدا صفحیت را نشیکوید. در زندانها و از جمله زندان اوین هستند کسانی چون شیخ الاسلام - زاده (وزیر بهداشتی هویادی معدوم)، امیر - انتظام مزدور و مزدوران ساواک و مهره های رژیم شاه که نه تنها تحت فشار و آزار نیستند بلکه دست در دست با سایر داریان ارتجاع بدار و اذیت زندانیا ن انقلابی میبرند و توطیعا از نور - چشمیهای زندان بشمار میروند. اینان دسته - دسته از آدمیونند و آنان که در اثر فشار توده ها هنوز در زندان مانده اند، بیبا سخما تشا نه به ارتجاع از تسهیلات و امکاناتی برخوردار هستند که "کجوشی" جلاد و فاش را کرده است. آری زندانیا ن ساواکتی و مزدوران رژیم شاه از ملقاتهای طولانی برخوردارند، امکان می یابند از درون زندان حتی با آمریکا صحبت نمایند (مسورد شیخ الاسلام زاده خا شن که سال گذشته فشا گردید) به مرخصی هفتگی میروند و... و طبیعا است که



## مزد در ایران

از زمان شکلگیری طبقه کارگر در ایران تا کنون، مبارزه برای افزایش دستمزد در کنار وجه مبارزات کارگران ایران در عرصه اقتصادی سیاسی بشمار میرود. در شرایط کنونی که مسأله دستمزد و چگونگی و حدود افزایش آن، یکبار دیگر مطرح و به مسأله روزگارگران تبدیل شده است، ما میکوشیم تا اشکال مختلف پرداخت مزد در ایران در رشته‌های مختلف تولید را مختصراً توضیح دهیم و سپس برخی از جوانب مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد، تا شریک‌بخش بخش کردن مزد کارگران در این مبارزه و جریانی افتادن این مبارزه در اشکال دیگر را مسود بررسی قرار دهیم:

### ۱- اشکال مختلف پرداخت مزد در ایران:

قبل از توضیح این اشکال لازم است بخوا طری داشته باشیم که دستمزد چیزی نیست مگر بهای نیروی کار کارگر. دستمزد در واقع عبارت است از بهای وسائل معیشتی که برای تجدید تولید نیروی که کارگر در طی مدت کار روزانه از دست میدهد، و نیز برای بقای نسل وی و جایگزینی او بوسیله فرزندانش لازم است با این تذکره که حجم و باطل معیشت کارگران و نوع آن، مقدار و نوع غذای که میخورند، خانه‌ای که در آن ساکن میشوند و... بر اساس سطح مبارزه کارگران تعیین میشوند.

در ابتدای شکلگیری طبقه کارگر ایران، به دلیل عدم تشکل و پراکندگی آن و بدلیل سطح بسیار پایین آگاهی و شعور طبقاتی کارگران، شکل عمده پرداخت دستمزد در ایران، شکل کار مزدی یا پرداخت دستمزد بر اساس کثرت کار بوده است با بالا رفتن سطح آگاهی و تشکل طبقه کارگر و شکلگیری صنایع مدرن و بزرگ، بوجود آمدن صنایع چاپ، رشد صنعت نفت و... که تعداد زیادی کارگر را در یکجا متمرکز می نمودند، شکل عمده پرداخت دستمزد نیز به پرداخت دستمزد ثابت روزانه تغییر کرد، در حالی که پرداخت دستمزد به شکل کار مزدی هنوز در بخشهایی از تولید کماکان ادامه داشت. هم اکنون ما در ایران سه شکل عمده پرداخت دستمزد را مشاهده میکنیم.

الف - پرداخت دستمزد در شکل "کار مزدی": در این شکل پرداخت مزد، دستمزد در مقابل انجام حجم معینی از کار که بهین کار فرما و

کارگر قرار داده میشود. پرداخت میگردد. هم اکنون این شکل پرداخت دستمزد در کارگاههای کوچک دوزندگی، درودگری، ریخته‌گری و... عمدتاً در صنایع کوچک اجرا میشود. بطور مثال در

کارخانه دوزندگی و بافتندگی ناطمی به این شکل عمل میشود.

کارخانه ناطمی از قسمتهای برش و دوزندگی تشکیل میشود و هر یک از این قسمتها دارای چند استادکار بود. هر استادکار رتبه‌بندی کنتسرات مثلا برش هر ۱۰۰۰ عدد پیراهن زیرسری و یا برش هر هزار عدد شورت سری از در مقابل مبلغی معین کار میکند. هر استادکار مقدار کاری را که کثرت کرده است بین کارگران زیر دست خود تقسیم کرده و انجام میدهد. همچنین در قسمت دوزندگی بابت دوختن هر یقه و یا هر پیراهن زیرسری ۱ ریال (کمتر یا بیشتر) پرداخت میشود.

این شکل از پرداخت دستمزد بدترین نوع پرداخت دستمزد برای کارگران است و معمولاً تنها بر زمین آگاهی و تشکل نازل کارگران صورت میگیرد و به آنجا که گوناگون به زندگی و مبارزه کارگران آسیب وارد میسازد.

۱- در این شکل پرداخت، کارگر احساس می کند که هر چه بیشتر کار کند بیشتر مزد میگیرد و غالباً تا درمانندگی و خستگی کامل کار نمیکنند، غالباً از وقت غذا و یا استراحت میزند تا مقدار بیشتری از کار کثرت شده را انجام دهد. اما این کار وقت فراست تنها موجب تشدید استخفاف و میشود. چرا که در این شکل پرداخت دستمزد، کارگر را از طرف کارفرما، بر اساس مهارت متوسط کارگران، با آوری کارآنان و... طوری تعیین میشود که دستمزد کارگر علیرغم تمام تلاش از دستمزد متوسط جامعه در واقع از بهای نیروی کار فراتر نمیروند.

۲- "کار مزدی" کارگران را در مقابل هم قرار میدهد، از آنجا که تشکل آن جلوگیری بعمل میآورد و به وجهت طبقاتی آن آسیب میرساند. این امر به دو صورت انجام میگیرد: اول از طریق ایجاد رقابت در بین کارگران برای بالا بردن میزان تولید و بنا بر این دستمزد دوم از طریق رابطه‌ای که بهین استادکاران و کارگران ساده ایجاد میکنند، چرا که در این شکل پرداخت مزد استادکاران معمولاً بدلیل منافعی که از افزایش تولید دارند خود به کارفرما هسای کوچکتری تبدیل میشوند و بیشترین فشار را بر کارگران وارد میکنند.

بعلاوه کار مزدی "مناسبات سرمایه داری و رابطه کار مزدوری با سرمایه دیگر گونه جلوه - گرمیسا زد و چنین وانمود میکند که وضعیت طبقه کارگر، جبارا و به فروش نیروی کار و...

ناشی از تنبلی او، ما هر نبودنش و... است و بنا بر این از آگاهی کارگران به ما هیست مناسبات سرمایه داری جلوگیری میکند.

۳- کارفرما از پرداخت مزد به شکل کار مزدی بطریق گوناگون سود میبرد، شدت کار را افزایش میدهد و کمیت تولید را بالا میبرد، با واریسی محصول و نپرداختن مزد در مقابل محصولات که کیفیت خوبی ندارند، تولید را کنترل کرده و کیفیت محصول را بالا میبرد و با لاف زدن منین بهداشت کار را، دادن غذا به کارگر، بیمه کردن او و... بدلیل کثرتی بودن کار شانه خالی میکند.

\*\*\*

با بالا رفتن سطح آگاهی و تشکل طبقه کارگر و بر اثر مبارزات آن و نیز با پیشرفت تکنیک و پیچیده تر شدن ابزار تولید و فراموشدن امکانات بکار بردن اشکال دیگری از مدیریت سرمایه داری - نظیر تنجیرهای کردن تولید و... شکل "کار مزدی" پرداخت دستمزد بتدریج منسوخ شده و عمده بودن خود را از دست میدهد. ما بعضاً در برخی از رشته‌ها این شکل از پرداخت دستمزد جای خود را به تلفیقی از دو شکل پرداخت دستمزد ثابت روزانه و دستمزد بر اساس کار مزدی میدهد.

ب - پرداخت مزد ثابت روزانه یا تعیین حد اقل کاری که می باید انجام گیرد:

در کارخانه‌هایی مانند صنایع نساجی و... شکل پرداخت دستمزد به این صورت است که هر کارگری در روز بطور ثابت ساعات معینی - مثلاً ۸ ساعت - کار میکند و مقدار ثابت معینی دریافت میکند. ولی در ازای این مقدار معین مزد برای ساعات معین، می باید مقدار معینی تولید کند. مثلاً با بد چند متر از فلان نوع پارچه بسازد، اگر کارگر کمتر از مقدار معین شده تولید کند جریمه میشود و در صورتی که تولیدش بیشتر از مقدار معین باشد در مقابل هر مقدار اضافه تولید، مبلغی بعنوان پاداش دریافت میکند.

این شکل پرداخت دستمزد نسبت به "کار مزدی" قدمتی به جلواست و تفرقه ورقابت بین کارگران را کمتر میکند. ولی در عین حال بخاطر تکیه اساسی داشتن بر مهارت و تخصص فردی کارگران و جوانی و چالاکي و... آنان هنوز جنبه‌های اصلی تفرقه ورقابت را در خود دارد، بخصوص که کارفرما برای جلوگیری از افزایش دستمزد واقعی کارگران، به تناسیب افزایش مهارت کارگران و با تکیه بر نیا زشان و ایجاد رقابت بین آنان، مقدار حد اقل کار تعیین شده را افزایش میدهد.

این نوع پرداخت دستمزد هم اکنون بیشتر در کارخانه‌هایی که ابزار تولیدشان هنوز کاملاً مدرنیزه و پیچیده نشده است و کار جسمانی شدید در آن - نسبت به مهارت و تخصص - نقش برجسته - تری دارد و منجمله اکثر در صنایع نساجی و



با فاندگی خود را نشان میدهد، کارگران این نوع کار خنات تا کنون مبارزات پیردا منهای برای یاشین آوردن حداقل کار تعیین شده در روز داشته اند.

ج - دستمزدا ثابت روزانه:

هم اکنون عمده ترین شکل پیرداخت دستمزد در ایران در صنایع نفت، ذوب فلز، ماشین سازی و... پیرداخت دستمزد ثابت روزانه درازای ساعت کار معین است. آخرین لایحه تصویبی وزارت کار، حداقل ساعات کار را ۴۴ ساعت کار در هفته تعیین میکند و آخرین رقم تعیین شده بوسیله رژیم فسد کارگری جمهوری اسلامی بعنوان دستمزد روزانه ۶۳۵ ریال بعنوان حداقل دستمزد پایه یک کارگر ساده میباشد.

اما آیا اکنون وینا بر تعریفی که در ابتدای مقاله بر آن تاکید نمودیم، بهای نیروی کار کارگران برابر دستمزد ثابت روزانه آنهاست؟ پاسخ به این سوال منفی است و این راهی کارگری بر ا حتی درک و ناثید میکند، چرا که او مشا هده میکند دستمزد ثابت روزانه او بهیچوجه کفاف هزینه سنگین زندگی و تامین معاش خود، خانواده و فرزندان را نمیکند.

در این صورت معین در صورتی که دستمزد واقعی کارگران تنها به دستمزد ثابت روزانه آنان منحصر نمیشود، پس این دستمزد چگونه محاسبه میشود؟

۲ - بخش بخش کردن دستمزد

واقعی کارگران

بوسیله سرمایه داران:

سرمایه داران بهای نیروی کار کارگران یعنی دستمزد آنان را یکجا و بصورت یکجا رجه بداندان پیرداخت نمیکند بلکه آن را به بخشهای مختلفی تقسیم کرده و تحت عناوین مختلفی نظیر دستمزد رسمی روزانه، سود ویژه، حق مسکن، حق ایاب و ذهاب و... آنرا به کارگران پیرداخت میکنند. این کار همچنان که توضیح خواهیم داد، دفا یده های گوناگونی برای سرمایه داران در پیردا ردولی قبل از آن اجازه بدهید تا چگونه محاسبه دستمزد رسمی و ثابت کارگران را مورد بررسی قرار دهیم:

الف - چگونه محاسبه دستمزد رسمی کارگران: دستمزد رسمی یا پایه، آن بخش از دستمزد واقعی کارگران است که بطور ثابت پیرداخت میشود و مبنای محاسبه حقوق دوران بازنشستگی دستمزد اذافه کاری و... میباشد. بدیهی است که تمام این دستمزد نیز به کارگران پیرداخت نمیشود و تحت عناوین مختلف نظیر حق بیمه، مالیات و... میلیتی از آن کسر میشود. این

بخش از دستمزد ظاهرا با توجه به مخارج روزانه یک کارگر و خانواده اش و نیز با در نظر گرفتن درجه مهارت، نوع کار، سابقه و... تعیین میگردد. قسمت اول یعنی مخارج روزانه یک کارگر با همسر و فرزندان در پایین ترین سطح آن به عنوان حداقل مزد کارگران ساده بدون تخصص و سابقه در نظر گرفته میشود و عمومیت دارد و قسمت دوم که به درجه مهارت، سابقه کار، نوع شغل و... بستگی دارد در درجه رجویی تحت عنوان "طبقه بندی مشاغل" قرار میگیرد و بر مبنای آن محاسبه میشود.

ب - رژیم جمهوری اسلامی و هزینه یک خانواده کارگری:

رژیم جمهوری اسلامی که با دمیدن در هزاران بیوق تبلیغاتی خود را حاصی "مستضعفین" و دوست "گودنشینان" و "کوخ نشینان" معرفی میکند مدعی است که میزان دستمزد کارگران را بر اساس مخارج زندگی یک خانواده کارگری چهار نفره تعیین میکند ولی آیا واقعیت نیز همین است؟

اولا در صورتیکه چنین ادعایی صحت داشته باشد، بیبای تغییر سریع قیمتها که بطور سرسام آورده حتی بطور هفتگی یا روزانه ترقی میکند، دستمزد کارگران نیز میبایست تغییر کرده و افزایش یابد، در حالی که سیاست رژیم جمهوری اسلامی جز این است. این رژیم دستمزد رسمی کارگران را سال بسال و به مقداری بسیار کمتر از درجه رشد هزینه زندگی افزایش میدهد. در حالی که در طول سال نیز به انحاء گوناگون از دستمزد واقعی آنان میزدود.

ثانیا بر اساس محاسبات ما در کتاب "فانون کار انقلابی"، حداقل مخارج روزانه یک خانواده ۴ نفری کارگری، در سال ۵۸، بالغ بر ۸۳۲ ریال میشده است در حالی که رژیم جمهوری اسلامی در همان سال، حداقل دستمزد کارگران را به میزان ۵۶۵ ریال تعیین کرده بود. همچنین مطابق محاسبات ما در اوائل سال ۵۹ برای یک خانواده ۵ نفری بخاطر افزایش سریع قیمتها حداقل مزد کارگران میبایست ۱۷۰۸ ریال باشد. حال آنکه دولت جمهوری اسلامی حداقل دستمزد در این سال تنها به میزان ۶۳۵ ریال یعنی به میزان نزدیک به آنچه میبایست به کارگران پیرداخت شود، تعیین نمود و اکنون که قیمتها به میزان فوق العاده زیادی افزایش یافته است، بیش از یکسال است که به دستمزد کارگران افزوده نشده و هنوز نیز خبری از افزایش دستمزد آنان نیست.

ج - "طرح طبقه بندی مشاغل":

این طرح در ایران، اولین بار در زمان حکومت شاه خاشن تهیه و به اجرا گذاشته شد، اجرای این طرح هم خواست کارگران و هم خواست سرمایه داران بود.

کارگران خواهان آن بودند که به هر چه و هر چه که بر تعیین دستمزد پایه یا داده شود دستمزد بر اساس ضوابط معینی که در همه جا یکسان باشد

تعیین گردد تا از آوارگی و در پیری و خانسه - بدوشی آنان برای دریافت دستمزد بیشتر و تا مین زندگیشان کاسته شود. آنان خواستار آن بودند که عواملی همچون سختی کار، سابقه کار، مهارت و ورزیدگی در کار و... در تعیین دستمزدها موثر بوده و پیرداخت دولت سرمایه داری کرده، سرمایه داران و بیویژه دولت سرمایه داری نیز خواستار زبین رفتن هر چه و هر چه در تعیین دستمزدها و کاهش دادن نظام معینی بر چگونگی تا مین دستمزد بودند. آنان مایل نبودند بدلیل این هر چه و هر چه و بدلیل رقابت سرمایه داران برای جذب نیروی کار - بویژه در دوران رونق اقتصادی - پیرداخت کارگران افزوده شود.

بنابراین بدلیل خواست و مبارزه کارگران و نیز بدان دلیل که مصالح اساسی سرمایه و روابط سرمایه داری اقتضا می نمود، رژیم شاه اقدام به تهیه و تصویب طرح طبقه بندی مشاغل نمود و طبیعتا این طرح را نه در جهت تا مین منافع کارگران، بلکه بر اساس منافع سرمایه داری و سرمایه داران تنظیم و اجرا نمود. اما از آنجا که اجرای این طرح، احیانا مقداری بر دستمزد کارگران می افزود، حتی همین طرح ضد کارگری نیز در همه جا و بوسیله همه سرمایه داران به اجرا در نیامد.

رژیم جمهوری اسلامی پس از روی کار آمدنش، در ابتدا کوشید تا بطور کلی طرح طبقه بندی مشاغل را حذف کند و خواستار لغو آن تحت عنوان "طایفوتی" بود. شش ده سال مبارزه و مقاومت کارگران او را به عقب راند و او را زخمی نمود تا اجرای طرح را به رسمیت بشناسد. بنا بر این وزارت کار طی بخشنامه ای اعلام نمود که طرحی در مورد طبقه بندی مشاغل تهیه نموده است و قصد دارد آنرا ابتدا بطور آزمایشی در سه کارخانه به اجرا بگذارد. اما اینک این طرح چگونه طراحی است و در کدام کارخانه ها به اجرا گذاشته شده است و نتایج این آزمایش چیست، از اسرار بود. و کسی - طبیعتا از کارگران و نه سرمایه داران و عاملین سرمایه - از آن باخبر نیست.

ما در اینجا و برای شناخت اینک سرمایه داران و دولت سرمایه داری چگونه از طرح طبقه بندی مشاغل در جهت منافع فردی و طبقه بندی خود سود میبرند، برخی از مضامین ضد کارگری طرح طبقه بندی را که از زمان رژیم ضد کارگری شاه به اجرا گذاشته میشود، مختصرا مورد بررسی قرار داده و توضیح تفصیلی آن را به آینده موکول میکنیم:

- در طرح طبقه بندی مشاغل مذکور، به مشاغل مختلف امتیازات مختلفی تعلق میگیرد نحوه تعلق این امتیازات طوری تنظیم شده بود که نیروی کار و کارگران به رسته های تولید و صنعت که دارای سودآوری بیشتر بود، روی بیاورند و سرمایه داران بتوانند با استفاده از ثروت کارگران در این رسته ها صنایع،





دستمزد آنان را در حداقل ممکن تثبیت کنند .  
- در طرح مذکور به سرپرستها ، فرمن ها ، سر  
جوخه ها و ولیدرها و سایر عوامل واباده سرما به  
امتیازات زیادی تعلق میگیرد و آنان برای  
خدمت بیشتر به سرما به داران و تحت فشار قرار  
دادن کارگران به روشه های متناهی دریافت  
می کردند .

- در این طرح همچنین تحت عناوین  
انضباط کاری ، اطاعت از سرپرست و ... امتیازاتی  
دا ده میشد تا روحیه بردگی و تسلیم و روحیه جا کر-  
منشی و مزدوری در بین کارگران انا عه داده  
شود .

- این طرح بگونه ای تنظیم شده بود که  
کارگران ساده دارای درآمد بسیار نا زلی بوده  
و اختلاف درآمد مد بین رده های مختلف کارگران  
بسیار زیاد شد و در نتیجه اختلاف و تفرقه در بین  
طبقه کارگران زده شود .

- در این طرح به عواملی همچون سابقه کار ،  
سختی و سنگینی کار و ... امتیازات بسیار کمی  
تعلق گرفته و در مقابل ، در حالی که اکثریست  
کارگران و زحمتکشان میهنمان از حداقل  
امکانات برای تحصیل برخوردار نیستند ، به  
مدارک تحصیلی بویژه بالاء ، امتیازات بسیار  
زیادی تعلق میگیرد .

- در این طرح سابقه کاری کارگری که از یک  
کارخانه به کارخانه دیگر میرفت بهیچوجه  
محا سبه نمیشد و این سابقه کاری از بین میرفت  
و بدین ترتیب کوشش میشد تا از نقل و انتقال  
نیروی کار جلوگیری بعمل آید و کارگران را  
وادارند تا بیشرایطی برای حفظ سابقه کاری  
خود تن در دهند .

### ۳- بخش بخش کردن دستمزد کارگران و تاثیر آن بر مبارزه طبقه کارگر:

ما گفتیم که سرما به داران دستمزد واقعی  
کارگران را به قسمتهای مختلف تقسیم کرده و  
تحت عناوین مختلف بدانان می پرداختند .  
اکنون لازم است که ببینیم سرما به داران در این  
کار چه منافعی دارند و آن چه اهدافی را  
تعقیب میکنند و این کار چه تاثیری بر مبارزه  
طبقه کارگر بجای میگذارد :

الف - بخش بخش کردن دستمزد کارگران  
ما هیت روابط سرما به داری و رابطه بین کار  
و سرما به داران را فاصله خیمتری میبنداند و بیش از  
پیش دیگر گونه جلوه میدهد ، با پرداخت سود ویژه  
چنین نمایا نه میشود که کارگران در سود  
سرما به سرما به داران شریکند و برضا طبقاتی  
بین آنان سرپوش گذا رده میشود ، پاداش چنین

- می نمایا ند که کارگران محصول کار خویش را  
در یافت میکنند ، حق مسکن و حق خوار و بار و ...  
بر ماهیت دستمزد و بر اینکه دستمزد بهای وسائل معیشت  
کارگران است پیده میافکند ، جایزه پیمانها عطفه سرما به  
- در جلوه گر میشود و نیاز کارگر به فروش نیروی  
کارش را نا نسی از بی عرضگی ، تنبلی و ... او  
می نمایا ند و ... بدین ترتیب بدیهی است که  
بخش بخش کردن دستمزد کارگران ، آگاهیه  
کارگران بر ماهیت روابط سرما به داری را مشکل  
میکند ، در مبارزه و شکل کارگران و قفله ایجاد  
مینماید و وسیع نشانی آنان را برای انهدام  
روابط سرما به داری به تا خیر میا ندازد .

ب- بخش بخش کردن دستمزد همچنین به  
سرما به داران امکان میدهد تا در موقع مقتضی  
مواقعی که سودآوری سرما به نزول میکند ،  
مواقعی که مبارزه کارگران سرکوب میشود و  
کارگران از آگاهی ، وحدت و تشکل با نسبه کافی  
برخوردار نیستند ، مواقعی که بیکاری افزایش  
می یابد و رقابت بین کارگران اوج میگردد  
و ... تحت عناوین و بهانه های گوناگون  
بخشهایی از دستمزد کارگران را بدزدند ، سود ویژه  
را نبردند ، پاداش را ندهند ، حق نیا روح ایاب  
و ذها ب را حذف کنند و ... بدین ترتیب دستمزد  
را به یائین ترا زار و واقعی نیروی کار برانند  
و سودآوری سرما به داری را افزایش دهد .

ج- با لاخره و تا آنجا که به مقابله با خرمیو  
میتود تا شیری است که بخش بخش کردن دستمزد  
کارگران بر مبارزه و وحدت طبقاتی آنان باقی  
میگذارد و در سراسری شدن مبارزاتی آنان و بر سر راه  
وحدت و تشکل سراسری و طبقاتی آنان مانع ایجاد میکند .  
مبارزه برای افزایش بخشهای مختلف  
دستمزد کارگران بر عکس مبارزه برای افزایش  
دستمزد مناسبات و رسمی ، دارای خلعت سراسری  
نیوده و عموما نمیتوانند جنبه سراسری بخسود  
گرفته و سراسری شود . بدین ترتیب از آنجا  
که مقدار روشیه پرداخت مزایا ، سود ویژه ،  
پاداش ، حق مسکن و ... در کارخانه های مختلف  
و در مناطق گوناگون متفاوت است ، مبارزه  
برای افزایش آن نیز عموما دارای خلعت

جراحی و منفرد بوده و در جا رجوب یک با حدا کثر  
جدد کارخانه محدود می ماند ، در حالی که مبارزه  
برای افزایش دستمزد رسمی دارای ظرفیست  
سراسری شدن بوده و سرعت میتوا ند به مبارزه ای  
سراسری تبدیل شود ، این موضوع همچنین برای  
شیوه های مختلف پرداخت دستمزد ، بجز شیوه  
پرداخت دستمزد ثابت روزانه نیز مافوق است و  
شکل کارمندی پرداخت دستمزد - و تا حدود  
بسیار رگمتری شکل تلفیقی - به جوجه خصوصیت  
آن را که مبارزه برای افزایش مقدار دستمزد  
به مبارزه ای سراسری تبدیل شود را ندارد .  
نگاهی به اخبار مبارزات کارگران کشور -  
ها نسی که دارای مبارزه پیشرفته اقتصادی -  
سیاسی و تشکل های قدرتمند سندیکائی هستند ،  
این واقعیت را اثبات میکند ، در ایران نیز  
در حالی که ما با رها نا هدم مبارزات سراسری  
کارگران صنعت نفت ، نساجی و ... برای افزایش  
دستمزد بوده ایم ، در مورد مبارزه برای افزایش  
بخشهای دیگر دستمزد چنین چیزی را مشاهده نکردیم  
بدین ترتیب و بنا بر آنچه که گفتیم مبارزه  
برای یکپارچه کردن دستمزد کارگران و یکسان  
کردن شیوه پرداخت آن می بایست همواره در مردم  
نظروا زا هدف کارگران بشرو و کمونیستها  
باشد ، اما روشن است که تحقق چنین هدفی  
مستلزم سطح معین و بالائی از آگاهی و تشکل  
کارگران و سطح مبارزات آنان است ، بنابراین  
کمونیستها و کارگران بشرو و مؤلفند در عین -  
اینکه برای بالا بردن دستمزد واقعی کارگران  
در مبارزه برای افزایش بخشهای مختلف دستمزد  
شرکت میجویند ، برای سازمان دادن مبارزه  
کارگران بر سراسری خوا ستها کوشش میکنند ، برای  
بالا بردن سطح آگاهی و تشکل کارگران در  
جریان این مبارزات میکوشند و از این مبارزات  
بعنوان عاملی برای بالا بردن توان فیزیکی  
و معنوی ، عینی و ذهنی طبقه کارگر برای مبارزه  
بر علیه نظام سرما به داری بهره میجویند ، شعار  
"یکپارچه شدن دستمزد و یکسان شدن شیوه  
پرداخت آن را نیز همواره در مدنظر داشته  
و تبلیغ و ترویج کنند .

# چرخش رویزیونیستی مرتدان "اکثریت" درباره بنی صدر خائن

رویزیونیستهای خائن براجتی چهره عوض میکنند. آنان شارلاتانهائی هستند که در تبعیت از بورژوازی تغییر سیاست میدهند. سیاستهای آنها را نه منافع آنی و آنتی طبقه کارگر - سرو استراتژی و تاکتیک انقلاب، بلکه سیاستهای روز قدرتمندان تعیین میکند. آنان چون چشم به "بالا" دوخته اند و منافع خیانت بارشان با منافع بورژوازی درهم میخیزد. سیاست روز خود را با تغییرات - هر چند مختصر - در وضعیت قدرت سیاسی هماهنگ مینمایند. در طول حاکمیت دوما لروژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، رویزیونیست نیست های خائن جملگی از در دفاع از بورژوازی درآمد و به استانبولی حاکمیت ارتجاعی شتافتند. رویزیونیستهای خائن غروشجفی پس از چرخشی در قبایل لیبرالها به مجیزگوئی جناح ارتجاعی حزب جمهوری پرداخته و آنها را تحت عنوان "قهرمانان مبارزه ضد امپریالیستی" ستایش کردند و رویزیونیستهای خائن سه جبهه ای نیز در چهره بنی صدر خائن و همپالکی هایش به دروغ یک شخصیت ملی و "استقلال طلب" ترسیم کردند و به یادشان خاک بر چشم زحمتکشان مشغول شدند. اما با تشدید رقابت و تضاد در درون جناح های مرتجع قدرت سیاسی و احتمال تغییر در موازنه قدرت، قبل از همه خائنین حزب توده که در خیانتات تجربه چند دهه له برخوردار است و "بوی کباب" را خیلی سریع حس میکند، با حرکت از منافع اربابان سوسیال امپریالیستش جهت تعیین کننده سیاست روز را خیلی زود فهمیدند و براجتی تمام آنچه را که شرایط روز ایجاب میکرد با چرخشی ضد انقلابی برای لیبرالها مجددا حساب ویژه ای باز کردند (پیکار ۱۵۵)

رویزیونیست های مرتدا اکثریت نیز که با "براداران" توده ای خود وحدت سیاسی - ایدئولوژیک دارند و در پی یک کار کردن تشکیلات ضد انقلابی خود میباشند، از آنان زیبا دعقب نمائند. خائنین اکثریت که زمانی نه چندان دور می نوشتند:

"در این تحقیقات یکی را دیگر مشخص شد که آقای بنی صدر روابط پنهانی و نزدیک با عوامل مزدور غرب کشور دارند و آنان را به ادامه طرح های توطئه میزبان علیها انقلاب و دولت جمهوری اسلامی ایران تشویق میکنند." (کار اکثریت شماره ۱۵۵ صفحه ۲۵. مقاله "سمران خان عشایر...") و در واقع بنی صدر را "متحد" و "مشوق زمینداران و سرما به داران بزرگ می - نامید و می گفت:

"... از همین روست که آقای رئیس جمهور

و متحدان او جملگی مورد حمایت تجار بزرگ با زار، سرما به داران لیبرال، زمینداران بزرگ و بطور کلی بقایای رژیم گذشته هستند." و... این برخورد رئیس جمهور در سراسر ایران مورد حمایت سرما به داران، زمینداران بزرگ و تجار بزرگ قرار گرفت که این خود یادگیری آن دسته از زحمتکشان ما که هنوز از ماهیت سیاست آقای رئیس جمهور مطلع نیستند، درسی آموزنده باشد." (کار اکثریت شماره ۱۵۱، مقاله آقای رئیس جمهور این با زیبا...)

بدین ترتیب در مقاله فوق خائنین (اکثریت) با تبعیت از سیاست روز و تنها جم متقابل حزبی - های مرتجع به لیبرالهای خائن به زحمتکشان در مورد "ماهیت سیاست بنی صدر همدار می دهند و سپس با زمینویستند:

"... در این میان در کمال تأسف نه تنها آقای رئیس جمهور که پیش از انتخابات به مردم قول داده بود در خلاف جهت دولت موقت با زرگان حرکت خواهد کرد، اینک در مسیبری خلاف مصالح انقلاب و همراه با لیبرالها گام بر میدارد... بلکه... (کار اکثریت شماره ۱۵۲، پیام نوروزی...)" (تا کید زما ست.)

و از اینگونه اظهار نظرها در نوشته های "اکثریتی" های خائن فراوان است. آنان در آن زمان به مطبوعات سیاست روز و منافع مشخص آن می طلبیدند، اینچنین در مورد لیبرالها قضاوت میکردند، آنها اگر چه صریحا بنی صدر را لیبرال نمی خواندند (تا راه فرار با زیبا شد) اما راه او را مخالف "مسیر انقلاب"، "همراه با لیبرالها"، "مورد حمایت سرما به داران و بقایای رژیم شاه" و... میخواندند. اما با تغییر موقتی در وضعیت سیاسی و فرو نشین موقتی تضادهای درون هیئت حاکمه و بدنبال امتیازاتی که خمینی به بنی صدر داد، رویزیونیست های خائن "اکثریت" نیز شرایط را برای یک چرخش ضد انقلابی مناسب دیدند. این خائنین در مکتب بورژوازی و رویزیونیستهای غروشجفی و بنا به مطبوعات سیاستهای بسوز و امپریالیستهای روسی آموخته اند که برنام خود را از این عمل تا عمل دیگر با وضعیت موجود تطبیق دهند و با زیر پا گذاشتن منافع انقلاب و طبقه کارگر سیاستهای خود را با سیاست سرما به داران میزان نمایند. از همین روست که مرتدان "اکثریت" می نویسند:

"همچنانکه با رها تا کید کرده ایم، گرابشی که بخواد در رئیس جمهور را با لیبرالها یکی کند و

او را از صف نیروهای استقلال و آزادی براند گرابشی خطرناک و بیزیان انقلاب است. هل دادن نیروهای ملی به خارج از جبهه نیروها - طرفدار انقلاب صرفا در خدمت تضعیف جبهه نیروهای انقلاب و تقویت دشمنان انقلاب قرار می - گیرد و خواست امپریالیست است." (کار اکثریت شماره ۱۵۳، مقاله "بیانیه ی ۱۵ ماده ای...")

واقعا زحمتکشان بورژوازی و شیادانی که خاک به چشم طبقه کارگر می پاشند چه انتظاری دیگری میتوان داشت؟ خائنین اکثریت بر طبق رویه همیشگی رویزیونیست ها بسیار ساده، حرف و سیاست خود را تغییر میدهند. تنها رویزیونیست های مرتدی چون اکثریت فدا شیان میتوانند کمی را که در شماره ۱۵۵ روزنامه خود دارای "روابط پنهانی و نزدیک با عوامل مزدور" و "علیه انقلاب" ارزیابی میکردند، سه شماره بعد (سه هفته بعد) او را تطهیر کرده و در صف نیروهای استقلال و آزادی جای دهند و در مقابل امپریالیست قرار دهند. رویزیونیست های خائن اکثریت خوب آموخته اند که چگونه با حوادث روز "تطبیق" حاصل نمایند و از واقعه ای تا واقعه ای دیگر و بسرعت روش خود را برای تأمین منافع ارتجاعی خود در جهت تحقق سیاستهای سوسیال امپریالیست روس تغییر دهند. آنان منافع اساسی پرولتاریا و مصالح زحمتکشان را فدای خواستهای بورژوازی کرده اند. آنان به عا ملین بورژوازی تبدیل شده اند و در خدمت بورژوازی حاضر به هر خیانتی به خلق ها و زحمتکشان میباشند.

سنگ و نفرت بر آنان باد! ★ ★ ★

بقیه از صفحه ۱۵ در حاشیه...  
وی که بقول خودش کسالتی هم ندارد، در بیمارستان زندان مشغول استراحت هستند. میگوید: "... نه فقط من با یاد از دشوم با یاد از من عذر خواهی شود." (اطلاعات ۱۶ فروردین ۶۵) مگر آنچه کم و کسری نسبت به جاسوسان آمریکائی و انگلیسی دارد؟ آیا تصایح خمینی در مورد کاهش تشنج میان "دولتمردان"، آزادی امیر - انتظام از زندان، موضوع دورا زنده نیست خود او هم شرایط سیاسی حاکم را خوب درک کرده و ساعتها از "خدماتی به انقلاب و جمهوری اسلامی" دم زده و سرانجام خود را بزا و ارعز خواهی و پوزش نیز میداند. و در همین اوضاع و احوال است که اعلام میشود: "حاکمه امیرا نظام مبرای رسیدگی به ترجمه ها به تعویق افتاد" (انقلاب اسلامی ۶۵/۱/۱۶). گویا یکسال و نیم گذشته برای اینکار رگفایت نمیکرد. مطلب ملی اینجا سنت کسه برای فریب مردم و ارا که دلائل به ظاهر "محکم هستند" و سیاست بازی، زد و بند های پشت پرده شیوه است و برای اینکار زمان لازم است. اما حقایق از چشمان تیز توده ها مخفی نمیماند!

# رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

## دموکراتیسم کاذب:

دموکراتیسم بورژوازی بر چه پایه‌های استوار است؟  
بورژوازی خواهان چگونه دموکراسی میباشد؟  
برای دریافت پاسخ صحیح این پرسشها، باید بطور مختصر نقش بورژوازی را در رابطه با دموکراسی از جنبه تاریخی بررسی نمایم.

بورژوازی از آغاز زحیات خود، در آن زمان که یک نیروی پیشرونده انقلابی بود و بر علیه نظام کهنه و پوسیده فئودالی میجنگید، رسالت و مأموریت برافراشتن پرچم دموکراسی را در مقابل استبداد فئودالی برعهده گرفته بود. چرا و چگونه؟  
با رشد سرمایه‌داری، توسعه مبادله و تجارت و پیشرفت و تکامل صنعت، جهش عظیمی در شرایط زندگی اقتصادی در جامعه بوجود آمد و دولتی در عین حال بهیچوجه بدنیا نماند. چنین جهش عظیمی در زندگی اقتصادی، تغییرات سیاسی متناسب با آن بوجود می‌آورد. نظام مملکتی فئودال باقی ماند. در حالی که جامعه پیشرو و پیشتر بورژوازی میشد. تجارت در مراحل عالی اش (مخصوصاً تجارت بین المللی و تجارت جهانی) - در حرکات خود صاحبان آزاد بدون مانع کارا طلب میکرد که بعنوان (صاحب کالا) دارای حقوق مساوی باشند و بتوانند مطابق حقوقی که همه آنها (لااقل در یک منطقه) در برابر آن یکسان اند، به مبادله بپردازند. لازمه‌گذار صنعت دستی به صنعت کارگاهی و کارخانه‌ای وجود تعدادی کارگر آزاد است. از یک طرف آزادان زمین و بوندهای صنفی و از طرف دیگر آزادان بازار، تا شخصاً بتوانند نیروی کارشان را بفروشند... ولی چرا که مناسبات اقتصادی، آزادی و مساوی حقوق طلب میکردنظم سیاسی، قید و بندهای صنفی و مزایای ویژه را قدم بقدم در سر راه قرار میداد... همینکه در اثر پیشرفت اقتصادی جامعه، خواسته آزادی از قید و بند فئودالی و ایجاد مساوی حقوق از طریق بنا بودی بی عدالتیهای فئودالی در دستور روز قرار گرفت. مینبایست ابداً دو سیعتری مییافت... و راه دیگری جز این نبود که لغو امتیازات فئودالی و آزادی اشراف از مالیات و دیگر امتیازات سیاسی اشراف مختلف نیز درخواست گردد". (۱)

با این ترتیب مشاهده میکنیم که طرح شعار (دموکراسی) از جانب بورژوازی با سخنی بود به یک نیا ز عملی نظام اقتصادی، که در یک سیستم جامع نظریات اقتصادی و سیاسی، بنام لیبرالیسم (آزادبخواهی) عرضه شد. انقلابهایی که امتیازات فئودالی رانها بود کردند، بیام آ و آزادی، برابری و حق مالکیت شدند. از آنجا که نیروی تمام مساوی اقتضای روابط جامعه و بویژه دهقانان برای پیروزی برفئودالیسم تا شریعت تعیین کنندگان داشت قوانین اساسی ای که برخی از انقلابات بورژوازی عرضه میکردند، قوانین دموکراتیک بود

۱- انگلس - آنتی دورینگ

## مقاله آموزشی

# پژوهشی پیرامون دموکراسی (۲)

و شروت متمرکز شده است. در نتیجه تضاد درونی شیوه تولید سرمایه‌داری که "احتمالی بودن تولید" و "خصوصی بودن مالکیت" است، به حدی ترن شکل خود اشکار گشته است. اکنون بورژوازی که زمانی یک نیروی پیشرونده و انقلابی بود در سنگرمبارزه بر علیه فئودالیسم میجنگید، به یک نیروی ارتجاعی و بازدارنده تبدیل شده است. درستگرا رجاع بر علیه طبقه کارگر پیشرو و میجنگد و با جنگ و دندنان میکوشد که جلوی رشد و تکامل جامعه را گرفته و وضع را به نفع خود تثبیت نماید، اوضاعی که جز فقر و فلاکت برای توده‌های وسیع رنجبر و سودرسان را برای اقلینی توانگر، هیچ شمره‌ای در بر ندارد.

این تغییر در نقش اقتصادی بورژوازی، نمی‌تواند در موقعیت سیاسی این طبقه‌ی تا شهر با شد. بورژوازی در دوران امپریالیسم، دیگر یک نیروی دمکراتیک نیست (و نمی‌تواند باشد). جوهر اقتصادی امپریالیسم، انحمارات است و روبنای مناسب چنین اقتصادی نهد دموکراسی، بلکه منطقاً ارتجاع سیاسی است. ارتجاع سیاسی با انحصار منطبق است و به همین دلیل است که امپریالیسم همچنانکه در سیاست خارجی خود اکتفا به طلب است و میکوشد آزادی را از خلقهای دیگر طلب نماید، در سیاست داخلی نیز خواستار تسلط دموکراسی است.

در اینجا این سوالات مطرح میگرددند که: بر اساس واقعیات بیان شده آیا شکل "جمهوری دموکراتیک" در دوران امپریالیسم امکان تحقق ندارد؟

در اینصورت "جمهوری‌های دموکراتیک" موجود در کشورهای امپریالیستی کنونی (آمریکا - انگلیس و...) چگونه مستقر گردیده‌اند؟

پس این مسئله پاسخ میدهد: "جمهوری دموکراتیک" منطقاً "باید سرمایه‌داری تمام‌داده، زیرا "رسم" شروت و مندوفت را در یک زمینه در نظر میگیرد. و این تضادی است میان رژیم اقتصادی و روساخت سیاسی، همین تضاد، جمهوری را در مقابل امپریالیسم قرار میدهد، و این تضاد تعمیق یافته شده است چرا که ناشی شدن انحصار ربحی رقابت آزادانه، تحقیق یا فتن همه آزادی سیاسی را با زهم دشوارتر میکند "لنین بر اساس بیانات انگلس توضیح میدهد که چگونه سرمایه‌داری با یافتن شیوه‌های

برای با مصلحت حل این تضاد (در واقع پوشانیدن آن) "جمهوری دموکراتیک" را برقرار میسازد و این "جمهوری دموکراتیک" وسیله‌ای برای پوشانیدن چهره زشت سرمایه‌داری در یک لاف زبیا میشود

اما آنچه که در عمل اجرا شد، حتی در دهه‌های قانون نوشته شده نبود. بلکه برقراری حاکمیت بورژوازی، یعنی آزادی جابل و غارت طبقات زحمتکش برای تروتمندان و قدرتمندان فقط آزادی فسر و نیروی کار (برای کارگران و زحمتکشان بود. یعنی آزادی انتخاب این که کدام کارفرما یا کارخانه‌دار را انتخاب کند!

"دموکراتیسم" بورژوازی جوان و انقلابی، محدودیه‌ها رجوع منافع طبقاتی اش بود و به همین دلیل تضادی (دموکراتیک) شدن (همگامی شدن) از جانب بورژوازی، هیچگاه (حق مالکیت) را در برنگرفت و حتی انقلابی ترین و دمکراتیک ترین قوانین اساسی بورژوازی، هیچگاه خواست (عمومی شدن مالکیت و شروت) را مطرح ننمودند.

"دموکراتیسم" بورژوازی حتی در آن زمان کله سر تا راز خون زندگی بود و نیروی تاریخی داشت (دم بریده)، (محدود) و (مشروط) باقی ماند. بورژوازی برفئودالیسم پیروز شد و ماشین دولت را از سلطنت استبدادی فئودالی بیارت برد. اما این ماشین دولتی (بورکراتیک - نظامی) را داغان نکرد. بلکه آنرا تکامل بخشید و برای حفظ سلطه طبقه خویش بر دیگر طبقات آماده کرد.

در اینجا باید این مسئله مهم را بیان کنیم که قوانین "دموکراتیک" جمهوری بورژوازی یعنی همان قوانینی که امروزه در پیشرفته ترین جمهوری‌های "دموکراتیک" بورژوازی "جاری است" در طول زمان متکامل شد و در این راه مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان نقش تعیین کننده‌ای در گسترش همین دموکراسی ما هیتا "مستحدود و مشروط" داشته است. در ابتدای حکومت بورژوازی آن زمان که پایه‌های قدرت سرمایه‌داری هنوز آنقدرها گسترش نیافته بود، طبقه سرمایه‌دار حاکم از ترس (قدرت گیری نوده‌ها) همین اصول ادعائی خود را نیز زیر پا گذاشت و در پیساری از زمینه‌ها (مثلاً برای زنان، کارگران و...) - حق رای را ممنوع ساخت. اما همراه با گسترش مبارزات طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و نیز همزمان با استحکام پایه‌های سرمایه‌داری، این ممنوعیتها لغو گردید و وظایف همگان در مقابل قانون برابر گردیدند. (در ادامه مطلب خویش خواهم دید که این برابری و اقباع چه معناست)

بورژوازی در روند رشد و تکامل خویش، دوران رقابت آزاد را پشت سر گذاشت و به دوران امپریالیسم، دوران انحصارات تکامل یافته، اکنون بورژوازی آخرین مراحل رشد خود را طی مینماید. تولید جامعه بطور وسیعی اجتماعی شده و از طرف دیگر مالکیت خصوصی همچنان با برجا است



سرما به از طریق "جمهوری دمکراتیک" سلطه خود را بطریق غیر مستقیم ما بسا ر مطمئن ترا عمل میکند.

این شیوه ها چیست؟ ۱- تنظیم وفا س کردن مستقیم ما مورین ۲- همبستگی و پیوند دادن میان حکومت و بورس (در بخش های آینده ما به بررسی ماهیت و مضمون این "جمهوری دمکراتیک" که در آن همه چیز از طریق سرما به و در بورس سیاسی سرما به داران تعیین میگردد سخن خواهیم گفت) لنینیسم بر پایه این تحلیل مارکسیستی، مسئله ظاهر را متناقض "جمهوری دمکراتیک" در دوران امپریالیسم را توضیح میدهد:

"و حال هنگامی که سرما به دارای جایش را به امپریالیسم داده است، یعنی سرما به سدداری انحصاری جای سرما به داری ما قبل انحصاری را گرفته، در روابط مذکور در فوق چه چیزی تغییر میکند؟

تنها تغییر این است که اقتدار بورس افزایش میابد. زیرا سرما به مالی عبارت است از سرما به بسیار بزرگ صنعتی که به مرحله انحصار رسیده و با سرما به های نکی درهم آمیخته است. بانک های بزرگ با جذب کسب و بورس در خود، با آن درهمی آمیزد" بدینگونه لنینیسم با تحلیل علمی از امپریالیسم نشان میدهد که در دوران امپریالیسم این سرما به مالی است که حکومت میکند و حکومت سرما به مالی نیز از طریق "جمهوری دمکراتیک" بسا ر مطمئن ترا عمل میگردد. چرا که "دمکراسی" اکنون بهترین لفافه ای است که چهره زشت سرما به داری را از توده ها میپوشاند. اما در پروسه حیات امپریالیسم درنده خسو زمانی فرا میرسد که بر حسب ضروریات بقا سرما به امپریالیستی، این لفافه زیبا - دریده میشود و چهره واقعی امپریالیسم ظاهر میگردد. حکومت فاشیستی ارتجاعی، در واقع سرما به داری بسا ر پخته است.

### اشکال فاشیستی دیکتاتوری بورژوازی چگونه صورت می پذیرد؟

در نتیجه حاد شدن تضادهای درونی سرما به داری و بنده نقطه اوج رسیدن آن، زمانی میرسد که بورژوازی ناگزیر میگردد که اشکال "دمکراتیک" حکومت را از میان بردارد. بخرانهای عمیق اقتصادی - اجتماعی بورژوازی را ناچار میسازد که نقاب (دمکرات منشی) را از چهره بردارد و از (دیکتاتوری دمکراتیک بورژوازی) بسا ر سلطه (دیکتاتوری فاشیستی بورژوازی) گذر کند.

ظهور (دیکتاتوری فاشیستی) دقیقاً مبتنی بر ویژگیهای عصر امپریالیسم میباشد. ویژگیهای امپریالیسم، یعنی تمرکز تولید و سرما به پیداایش انحصارات عظیم اقتصادی و تقسیم

جهان میان قدرتهای بزرگ امپریالیستی، موجب میگردد که تضادهای حاکمیت بورژوازی نیز که بر این پایه های اقتصادی استوار میباشد تمایل به تغییر شکل از حالت (دمکراتیک) به (ارتجاع آشکار) پیدا نمایند. آن هنگام که بحران های عمیق اقتصادی - اجتماعی کنشهای از حاد شدن تضادهای درونی نظام سرما به داری میباشد. تضادهای حاکمیت بورژوازی را بلرزه در آورد. و هرگاه جنبش طبقه کارگر و حشکشان در چنین شرایطی آنقدر نیرومندند که بتوانند با ظهور فاشیسم مقابله کنند، تمایل بورژوازی به تحقق خواهد بیوسوت و بورژوازی دست به محو هر گونه "دمکراسی" و برقراری دیکتاتوری ارتجاعی فاشیستی خواهد زد. نظیر آنچه تا ریخ چهره ترا به ما نمایانده است: فاشیسم هیتلری در آلمان، فاشیسم ایتالیایی ...

نتیجه گیری نمایم:

\* - دمکراسی بورژوازی در دوره ای که بورژوازی از نظر تاریخی مشرفی بود نیز بسا ر ما هیت طبقه ای آن محدود، مشروط و ناپایدار بود.

\* دمکراسی بورژوازی در دوران امپریالیسم تبدیل به لیبرالیسم میان پیوسیده ای میگردد که در واقع چیزی جز (دمکراسی کاذب) نمیباشد. \* شکل گیری ارتجاع سیاسی در دوران امپریالیسم بر پایه تمرکز سرما به و پدید آمدن انحصارات باعث میگردد که در شرایط مشخص تاریخی یعنی وجود بحران حاد اقتصادی - اجتماعی و نبود جنبش نیرومند طبقه کارگر و حشکشان، بورژوازی هرگونه دمکراسی را محو نموده و دیکتاتوری ارتجاعی فاشیستی را برقرار کند.

اقدام دارد

## سوالات بخش اول دموکراسی چیست؟

باین سوالات (\*) پاسخ دهید:

- ۱- تعریف های عامیانه در باره دمکراسی چه میگویند؟
- ۲- آیا دمکراسی (خالص) میتواند وجود داشته باشد؟ چرا؟
- ۳- رابطه (دمکراسی) را با شیوه تولید بحث نمائید. (در این رابطه نقش (دمکراسی) در دوران های مختلف تکامل جامعه را توضیح دهید.)
- ۴- تفاوت یک لیبرال با یک مارکسیست در بر خورد به مسئله دمکراسی، چیست؟ این تفاوت از کجا ناشی میشود؟

(\*) - توضیح: این سوالات مربوط به بخش اول همین مقاله است که در شماره ۱۰۰ پیکار منتشر یافته است.

بقیه از صفحه ۲۷ پاسخ ...

و گزارشات تا کید میکنیم که چه در مورد مطالب افشاگرا نه و چه در مورد اخبار و گزارشات بکوشند بدون کوچکترین برخورد علنی میزخبر را بصورت صحیح، موثق و دقیق ارسال دارند. هرگونه برخورد غیر مسئولانه ای به این مسئله برخوردی لیبرالی است که میبایست بصورت جدی مورد انتقاد قرار گیرد.

همچنین نامه های متعددی از رفقا در مورد یادنامه رفقای شهید میرسد و از دقیق نبودن برخی مطالب در مورد زندگی و مبارزات رفقای شهید و یادنامه درست بودن برخی نکات انتقادات میکنند. گرچه ما انتقادات رفقا را منعکس کرده و اقدام به تصحیح مطالب نادرست میکنیم اما ادامه این اشتباهات، ضربه جدی بر اعتماد داده ها نسبت به سازمان و مطالب مندرج در پیکار میزند و اعتبار سازمان در میان رفته های زحمتکش و نیروهای انقلابی میکاهد.

شعوه این اشتباهات در زندگی نامه رفقا صمدی، مالک عباسی و ... رخ داده بود که با تذکره رفقای کمیته خوزستان تصحیح شدند.

از اینسروا زکلیه رفقا میخواهیم که در تهیه گزارشات و بیویژ زندگی نامه رفقای شهید نهایت دقت را بعمل آورند و مطالب خود را حتماً از طریق رفقای مسئول ارسال دارند. تا پس از کنترل رفقا و احیاناً حذف نکات نادرست وفا روشن برای درج در پیکار ارسال شود.

بیروزی باشید!

طرح های رسیده از طرف رفقای سازمان و هواداران:

- دانش آموزی شرقی، م. ش. ل - شیراز ۲۲ - میم
- کردستان - رح - شعور طرح خدمات (هنر - ک)
- الف ۱۳ - طرح از "جفا تو" - طرح از ر. عادل - علی شرق تهران. کارآموز چاپ - رفقای آغاچاری
- دزفول - از تبریز، قارداش - ۵ طرح از سینا - ۱۱ طرح آرم تحت نام "ارومیه های رغبت"
- ۲ طرح توسط رفیق امیرا زارومیه بسپاری
- نشریه ارسال گشته. رفقا از ما خواهانند که به کارهای آنها برخورد شده و در صفحه "پاسخ نامه ها" رهنمودهای لازم داده شود.

لازمه توضیح است از آنجا شیکه برخورد به آنها رهبری رفقا با در نظر گرفتن محدودیت صفحه پاسخ به نامه ها مقدور نیست (با استثناء برخی آثار) لذا از رفقا میخواهیم که با نام مستعار و ذکر منبع ارتباط سازمانی آنها خود را بفرستند تا از طریق پاسخ کتبی به آنها برخورد شود.

سایر رفقای که نامه فرستاده اند:

- م. ۳۰ دانشجو، جام زایلام، ع. ۲۳ - فواد،
- س. ا. دوف - محلات غرب - ز. ه. ص. ب
- از محلات - ص. از کرج - کارگر هوادار فرهاد از میاندوآب - مجتبی از ملایر - ن. ب. - مسئول جمع تشکیل دهنده کانون - ۱۰۴ زنداگان د. د. سعید، ج -

### جنبش کارگری و بحران سرمایه‌داری در لهستان

روز جمعه ۷ فروردین ساعت ده و نیم صبح سوت کارخانه‌ها بلند شد و در آن دو بصدت چهار ساعت ده میلیون کارگر دست از کار کشیدند. چرا کارگران اعتصاب کردند؟ آنها خواهان دستگیری و محکومیت افراد پلیس مرتجع لهستان بودند که کارگران اعتصابی شهر "بیدگوش" را مورد حمله و ضرب و شتم قرار داده و بیست نفر از آنان را دستگیر نموده بودند پس از این اعتصاب عظیم و بی شفا و بی رژیم نسبت به خواسته‌های کارگران طرح اعتصاب جدیدی مطرح میگردد. دولت بسا توجه به بحران اقتصادی موجود و آرد مذاکره با رهبری اتحادیه‌های آزاد میگردود و بلاخره روز دوشنبه ۱۰ فروردین بین دولت و رهبری اتحادیه‌ها مواظقتنامه‌ای به امضاء میرسد که بر اساس آن مقرمشود که دولت، افراد پلیسی که کارگران را مورد ضرب و جرح قرار داده اند به مجازات برساند و در مقابل اتحادیه‌های کارگری نیز اعتصاب عمومی را لغو کرده و به "آرامش کشور" کمک کنند. این تصمیم‌گیری که بر اساس فشار بورژوازی - رویزیونیستی‌ها تا مودر فریمس و سازشکاری اکثریت رهبری اتحادیه‌های کارگری صورت گرفت، اگرچه توانست بطور مقطعی از اعتصاب عمومی ممانعت بعمل آورد، لیکن هرگز نتواند درخواهد بود تا جنبش کارگری را خاموش کرده و بحرانی را که سراپای جامعه سرمایه‌داری لهستان را فرا گرفته و رفع نماید. بحران سیاسی اجتماعی موجود بحرانی گذرا نیست. این بحران ناشی از اضمحلال و گنبدگی سیستم حاکم بوده و ریشه در مناسبات طبقاتی و تضادهای آشتی ناپذیری که از این مناسبات برمیخیزند، دارد.

استقرار سرمایه‌داری در لهستان (مانند تمام کشورهای رویزیونیستی) نمیتوانست به هرج و مرج در تولید و بورژوازی در اقتصاد دنیا انجامد. بحرانی که ما هوی سیستم بوده و بیش از پیش وابستگی اقتصاد حاکم به اقتصاد جهانی امپریالیستی و بخصوص سوسیال امپریالیسم را بدنیال دارد. در حال حاضر اقتصاد لهستان نه تنها شدیداً مختل بوده و این کشور برای نیازهای اولیه مانند مواد دکشا و رزی و خوراکی‌ها محتاج امپریالیستها میباشد، بلکه علاوه از آن نقطه نظر سرمایه‌گذاران ریها شدیداً به امپریالیستها و از جمله امپریالیسم غرب نیازمند است. در حال حاضر لهستان ۲۷ میلیون رددلار به کشورهای امپریالیستی اروپائی و آمریکائی بدهکار است و لهستان با توجه به انبوه مشکلات مالی خود قادر به بازپرداخت این وامها نیست و به همین منظور مجبور است از یکطرف بازپرداخت وامها را با بهره سنگین تر به تعویق بیندازد و



با زهم وامهای جدیدی جهت بازپرداخت قروض قبلی از امپریالیستها گدائی کند. در سال جدید لهستان می بایست ۳ میلیارد دلار جهت سرسیدوا مه بپردازد، ولی از آنجا که بهیچوجه قادر به چنین کاری نیست، از بانکهای غربی تقاضای کمک کرده است. در همین ارتباط سه شنبه ۱۱ فروردین، ۶۵ بانک و موسسه اعتباراتی غربی در لندن تشکیل جلسه دادند و قرار شد ۳۰۰ میلیون دلار به لهستان بپردازند. در همین رابطه بازرگانی امپریالیستی‌های غربی پرداخت کردند. برای تامین یک میلیارد رددلاری که مانده لهستان و وام جدیدی تقاضا نمود که در همین رابطه امپریالیسم فرانسوی ۸۰۰ میلیون دلار در اختیار بورژوازی لهستان قرار میدهد و امپریالیسم آلمانی نیز اعلام نموده که به کمکهای خود به لهستان ادا خواهد داد. بدین ترتیب ملاحظه میکنیم در حالیکه لهستان وابسته به سوسیالیسم امپریالیسم شوروی است و وابستگیهای جدیدی نسبت به "کومکون" (۱) دارد، در عین حال امپریالیستی‌های غربی دارای نفوذ وسیعی در آنجاست می باشند. البته امپریالیسم شوروی هرگز نمیخواهد یکی از اقامت خود به جنگال رقیبان بیا فتد، اما بحران اقتصادی و محدودیتهای مالی شوروی این امکان را به او نمیدهد. تصور که مورد دنیا از اقتصاد دور شکسته لهستان است کمک کند. وابستگی‌های اقتصاد لهستان به امپریالیستی‌های مختلف از یکطرف و استثمار و غارت طبقه بورژوازی حاکم از طرف دیگر نتیجه ای جز فقر و فلاکت روزافزون توده‌ها و بخصوص طبقه کارگر در بر ندارد. تورم و گرانی، عدم افزایش دستمزدها، کمبود ما بحاجت اولیه زحمتکشان و استثمارهای سیاسی و اقتصادی دمکراسی بیش از پیش کارگران را بسوی اعتصاب و مبارزه سوق میدهد. برخلاف تبلیغ رویزیونیستی‌های خائن که اعتصاب و مبارزه کارگران را ناشی از "تحریک عوامل ضد سوسیالیسم" میدانند، باید گفت که در حقیقت مبارزه ریشه در مناسبات طبقاتی موجود دارد. اینکه ده میلیون کارگر به اعتصاب می پیوندند، نشان دهنده نارضایتی‌ها و اعتراضات کارگران و در نتیجه خواسته‌های عادلانه آنها می باشد. بنابراین مبارزات کارگران لهستان ملهم از تضادهای آشتی ناپذیر طبقه کارگر و بورژوازی

است. اما پرواضح است که امروز طبقه کارگر لهستان فاقدایدولوژی مارکسیستی لنینیستی و تشکل طبقاتی خود می باشد و همین خاطر نیروهای بورژوازی اپوزیسیون حکومت لهستان میگویند تا بر جنبش طبقه کارگر سوار شده و آنرا ابزار تحقق اهداف خود سازند. این واقعیتی است که در حال حاضر بین نیروهای بورژوازی - رفرمیست که در ضمن متمایل به امپریالیسم غرب میباشد در رهبری اتحادیه‌های کارگری نفوذ قابل توجهی دارند، اما پتانسیل و قدرت جنبش کارگری و عمق خواسته‌های کارگران، بتدریج کارگران را در برابر رهبری اتحادیه‌ای قرار خواهد داد. بنحوی که در همین وقایع اخیر، زمانی که قرار داد لغو اعتصاب میان دولت و رهبری اتحادیه‌های منعقد شد، این توافق مورد مخالفت شدید کارگران آگاه و نماندگان آنان واقع گردید. در حقیقت از میان رهبران اتحادیه‌ها ۲۵ نفر موافق لغو اعتصاب، ۵ نفر مخالف لغو اعتصاب و ۶ نفر برای امتناع دادند. کارگران انقلابی میگفتند زمانی که دولت به سرکوب مستقیم کارگران دست زده و خونریزی شده و نیا بدید دولت سازش کرده و همین خاطر "والسا" را مورد انتقاد شدید خود قرار میدادند. اما "والسا" در جواب میگفت: "ما ریبی از هم با شیدن دولت نیستیم بلکه قصد داریم با آن دست و پنجه نرم کنیم". در واقع بورژوازی - رفرمیست‌ها می مانند "والسا" خواهان انقلاب نیستند و به همین خاطر با تمام قوا از مبارزه مستقل طبقه کارگر و ادیکالیزه شدن آن جلوگیری نموده اند. اینان جنبش کارگری را برای درهم شکستن ما شین دولتی، و استقرار سوسیالیسم نمیخواهند. اینان ضد سوسیالیسم هستند و جنبش کارگری را برای اهداف بورژوازی خود میخواهند. این واقعیتی است که اینان نیز مخالف رژیم حاکم میباشد، اما ما باید توجه داشت که بورژوازی لیبرالها هرگز نمیتوانند مورد حمایت کمونیستی‌های راستین باشند. زیرا آنان نه تنها اهداف ضد انقلابی خاص خود را تعقیب میکنند، بلکه همچنین سیاستشان درهما هنگی با امپریالیسم غرب و کلیسای کاتولیک قرار دارد. به این لحاظ ما هما گونه که از بورژوازی - رویزیونیستی‌های حاکم دفاع نکرده و آنها را دشمن سوسیالیسم و طبقه کارگر میدانیم از بورژوازی - لیبرالها نیز هرگز دفاع نخواهیم کرد. این نیروها تکیه گاه امپریالیسم غرب هستند، و مورد حمایت مشخص آنان میباشد.

در حال حاضر، لهستان مورد توجه شدید امپریالیستی‌های غربی است. البته میباید آمریکا و اروپا سیاست دقیقاً یکسانی وجود ندارد. آمریکا به لحاظ رقابت شدید کنونی خود با شوروی، خواهان اعمال نفوذ آشکارتری در لهستان است، لیکن اروپای غربی دارای سیاست مدارا جویانه تری میباشد. پرواضح است که امپریالیستی‌های غربی خواهان نفوذ گسترده تری در

# آغاز سال و تجدید عهد با شهیدان



روز ۷ فروردین در اولین جمعه سال نو با زمان پیکار، هواداران و جمعی از خانواده های شهدای سازمان با نشان رگل بر مزار شهیدان بخش مشعب سازمان پیکار در بهشت زهرا خاطره رفقای شهید را گرامی داشتند، گل آذین مزار شهدا، برای تجدید میثاق انقلابی با رفتگای شهیدی است که خون خود را در راه رها شیبی زحمتگشان و آزادی طبقه کارگر نشان داده اند یا دشان را گرامی میداریم و برادران در رخشان تا آخرین قطره خون و فدا دار خواهیم ماند.

همچنین روز شنبه ۱۵ فروردین بنام سبت جهلم پیکارگر کمونیست رفیق شهید "غلامرضا صدافت بناه" مراسم از طرف سازمان و دوستان شهید در قطعه ۸۵ بهشت زهرا برگزار شد. در این مراسم حدود ۳۵ نفر شرکت کرده بودند. در این مراسم بعنوان بزرگداشت این بیک پرشور انقلاب یک دقیقه سکوت اعلام شد. آنگاه بنام سبت شهادت سرخ رفیق غلامرضا در راه آزادی طبقه کارگر، رفقای حاضر در محل سرود آنترناسیونال بقیه در صفحه ۱۵

آری پرولتاریای لهستان باید پیکار را با سلسله مبارکیم لنینیم، خود را آماده انقلاب سوسیالیستی نماید و از طریق در هم شکستن قهری ما چنین دولتی، سوسیالیسم را برقرار نماید.

(۱) - کشورهای بلوک شرق (سوسیالیست) امپریالیسم شوروی و کشورهای بورژوازی و بورژوازیونیستی اروپای شرقی و مغولستان، ویتنام و کوبا دارای با زامشترکی بنام "گومکون" هستند که تحسنت سیطره سوسیالیست امپریالیستی روسی قسارار دارد. و روابط اقتصادی با زرگان بین این کشورها را کنترل میکنند.

لهستان ورهبری جدید حزب و نیز ارتش لهستان از دست نداده است. بخصوص آنکه اخیرا رویزیونیستهای لهستان، برناها اصلاحات عوامفربانه - ای مبتنی بر محدود نمودن سانسور، تا مین ۲ میلیاردد دلار خوا روبا را خارج و محاکمه برخی از رهبران گذشته را که نموده اند، با لطمع مداخلة شوروی، در لهستان موج وسیعی از تبلیغات ضد شوروی در سطح جهان بوجود میآورد و این امر مرکز نمیتواند خوشا بیند شوروی باشد. البته امپریالیسم شوروی اگر بنا فعلا اقتضا کند و سلطه استعماری خود را در خطر حتمی ببیند، بلائک به هرگونه اقدام تجاوزکارانه ای دست نخواهد زد. لیکن با توجه به کل مسائل فئودال، روسها، در شرایط فعلی خواهان مداخلة نیستند و با بیان یافتن مانورهای نظامی پیمان و زوشو در لهستان و طرح این مطلب از جانب برژنفس مرتدد رکنگراه خیرجکسلاوا کی که "حزب کمونیست لهستان به تنها شی قدرت حل بحران کنونی را دارد" تا هدا این مدعا ست.

بنا بر این در لهستان سرمایه داری امروزه در جریان طبقاتی با یکدیگر در تقابل میباشند: ۱- امپریالیسم شوروی و بورژوازی لهستان که با تمام قوا میکوشند با سرکوب و تشدید استعمار طبقه کارگر سیستم حاکم را حفظ کنند. ۲- امپریالیستهای غربی، کلیسای کاتولیک و نیروهای بورژوا - لیبرال داخلی که در پی آنند تا سیستم رویزیونیستی موجود را برفع نفوذ بیشتر غرب دچار تغییر نموده و در این راه خائفا نسه سعی میکنند تا از طریق رهبری اتحادیه های آزاد، جنبش کارگری را به ازاری در خدمت اهداف ضد انقلابی خود تبدیل نمایند. ۳- جنبش کارگری که با توجه به تعمیق بحران عمومی لهستان، بیش از پیش اوج میگردد و بطور روزافزون در حرکت خود بخودی خود به تمام با رهبری سازنگاران اتحادیه ها میرسد. این تمام بنا بر زیرمرزهای طبقاتی میان کارگران و رهبری سازنگاران مشخص ساخته و زمینه را برای حرکت مستقل طبقه کارگر فراهم میسازد. پرولتاریای لهستان فقط با اتئای رهبران سازنگار و متما بزم نمودن صفا خود از صفوف اپوزیسیون بورژوازی، با طرد در فریسم و رویزیونیسم، با کسب آگاهی مارکسیستی - لنینیتی و با وجود آوردن حزب مستقل خود میتواند در بورژوازی حاکم پیروز گردد. پرولتاریای لهستان باید بدینا ندکه دولت حاکم علیه رعم عوام فربانی هایش یک دولت سوسیالیستی نبوده بلکه دولت رویزیونیستی و سدا فسیج بورژوازی فاسد حاکم پر لهستان است. پرولتاریای لهستان باید بدینا ندکه کلیسای کاتولیک ا بزار دست امپریالیستها بوده و هرگز نمیتواند طبقه کارگر را از دستم طبقاتی نجات بخشد. پرولتاریای لهستان باید بدینا ندکه بورژوا - لیبرالها شی ما نند "والسا" دشمن مارکسیسم - لنینیتی هستند. تنها ایدئولوژی نجات بخش پرولتاریا تئیا شد و هیچ امیدی نمیتوان به چنین افرادی بست.

لهستان میباشند، اما باید توجه کرد که امپریالیستهای اروپای غربی و بخصوص فرانسه و آلمان غربی این هدف را با اعتدال بیشتر تعقیب مینمایند، زیرا آنان با شوروی دارای "روابط دوستانه تری" میباشند. و سرمایه - گذارهای فعلی خود در لهستان سودرسانی میبرند. امپریالیستهای غربی و بخصوص آمریکا اگرچه متما یلند که در لهستان قدرت متما یل به غرب روی کار آید و لهستان جزء بلوک امپریالیستی غرب گردد، لیکن این مسئله فقط یک آرزوست و در شرایط کنونی بهیچوجه قابل تحقق نیست. زیرا امپریالیسم شوروی همانگونه که در چکسلاوا کی نشان داد، به شدت در برابر جنبش جیزی بمقا بله برمیخیزد، هر چند که این واقیبتی است که در حال حاضر با توجه به مشکلات اقتصادی شوروی و بحران لهستان، امپریالیستهای غربی میکوشند تا سیستم رویزیونیستی وابسته به شوروی را تضعیف نموده و حیطة نفوذ وسیعتری را در لهستان بوجود آورند. بورژوازی امپریالیستی غرب در همان حال که از بورژوازی حاکم در لهستان حمایت میکنند و این حمایت را با راه از طریق ارا شه و امهای اقتصادی و کمکهای غذایی به آنها پیش گذاشته است، اما در همان زمان با پشتیبانی از اپوزیسیون بورژوازی و از جمله عناصری از رهبری اتحادیه ها مانند "والسا" میکوشند تا در مناسبات قوای طبقاتی تغییراتی بوجود آورده و زمینه نفوذ ماعتتری را برای خود فراهم سازند.

بدین ترتیب، از یک سو بر سر تبحران اقتصادی جنبش او جگیرنده کارگری و از سوی دیگر رقابت طلبی امپریالیستهای غربی برای نفوذ بیشتر در لهستان و بطور کلی کشورهای اروپای شرقی، اوضاع نگران کننده ای را برای سوسیالیست امپریالیسم شوروی و کارگران لهستانی - اش بوجود آورده است. آنها نگران فرسودگی یا شیدن قدرت سیاسی حاکم میباشند. رویزیونیستهای لهستانی ابتدا "گیرکا" و در ادامه اش را کنتررا گذاشتند و در حال حاضر در صدد محاکمه وی بعنوان "مسئول اصلی" بحران اقتصادی میباشند. آنان میکوشند تا با قربانی کردن "گیرکا" خائش، جنبش را از هدف اصلی خود به انحراف بکشانند. به علاوه سوسیالیست امپریالیسم شوروی با راه و بطور غیر مستقیم تهدید به مداخله نظامی نموده و به ما نورنظامی در لهستان پرده خشنه است. شوروی میکوشد تا بدین ترتیب جنبش کارگری را مرعوب ساخته و در ضمن به امپریالیستهای غربی هشدار دهد. اما پرواضح است که شوروی در شرایط فعلی مداخله نمیکند. شوروی با توجه به لشکرکشی به افغانستان و معضلات و مشکلات اقتصادی کنونی اش از یک سو و خطر محاصره اقتصادی شوروی و لهستان از جانب غرب در صورت مداخله نظامی از سوی دیگر، موقعیت خود را جهت مداخله مناسب نمی بیند. به علاوه شوروی هنوز امید خود را از قدرت عمل بورژوازی حاکم

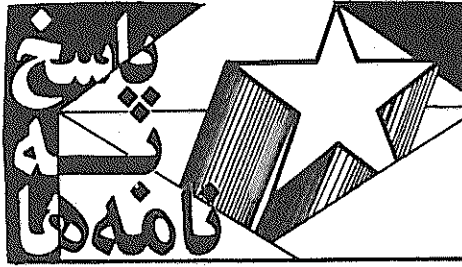


### در مورد اطلاق صفت بورژوا - دمکرات به مجاهدین

عده‌ای از رفقا پرسیده‌اند چرا سازمان در سرمقاله پیکار ۱۶۱ مجاهدین بعنوان "بورژوا - دمکرات" نام برده است، درحالیکه درگذشته از آنها بعنوان "خرده بورژوازی دمکرات" نام میبرد. آیا این بمعنای آن است که مجاهدین تحول طبقاتی یافته‌اند و یا موقع سازمان نسبت به آنها عوض شده است؟

در پاسخ باید گوئیم که نه سازمان مجاهدین خلق ایران دچار تحول طبقاتی شده است و نه موقع سازمان نسبت به آنها در بمانا به یک نیروی "خرده بورژوازی دمکرات" تغییر یافته است و بین "بورژوا - دمکرات" خواندن و "خرسره - بورژوازی دمکرات" نامیدن آنها هیچ تفاوتی نیست. چرا؟

از لحاظ اقتصادی، اقلش خرده بورژوازی، دارای ماهیت بورژوازی هستند و از نظر سیاسی زمانیکه سخن از "حزب بورژوازی" میگوئیم منظورمان کلیه احزاب غیر پرولتری اعم از حزب بورژوازی و خرده بورژوازی است. فی المثل لنین در بررسی احزاب بورژوازی، از جریانات خرده - بورژوازی نظیر ترودویک‌ها، منشویکیها، اس‌ارها نام رود نیکیها و... بعنوان احزاب بورژوازی نام میبرد و همواره دهقانان را بعنوان یک قشر بورژوا - دمکرات مورد ارزیابی قرار میدهد. بدین ترتیب از نظر ما رکیستی اقلش خرده - بورژوازی دمکرات و نما بیندگان سیاسی آن چمگلی از زمره "بورژوا - دمکراتها" محسوب میگردد. اما این بدان معنی نیست که هر "بورژوا - دمکرات" را "خرده بورژوا" است. بورژوا - دمکرات گاهی اوقات نیز میتواند شامل بخشهایی از بورژوازی هم بشود. فی المثل در جامعه نیمه فئودال - نیمه مستعمره چپس از بورژوازی ملی چین بعنوان بورژوازی دمکرات نام برده میشود. بدین ترتیب "بورژوا - دمکرات" مفهوم گسترده تری است که هم شامل حال خرده - بورژوازی دمکرات و هم بخشهایی از بورژوازی که در شرایط دمکرات هستند، میشود. البته در جوامع نظیر روسیه و جوامع سرمایه داری وابسته کلا هیچ قشری از بورژوازی، دمکرات نبوده و بالعکس فدا انقلابی و ارتجاعی است. بینا بر این در چنین جوامعی "بورژوا - دمکراتها" تنها شامل حال خرده بورژوازی انقلابی میگردد. در ایران نیز بورژوازی در کلیت خویش ارتجاعی است و صفت بورژوا - دمکرات تنها به اقلش خرده بورژوازی دمکرات اطلاق میشود. بدین ترتیب با توجه به توضیحاتی که دادیم باید در نظر داشت که "خرده بورژوازی دمکرات" دانستن مجاهدین با "بورژوا - دمکرات" خواندن آنها هیچ تناقضی ندارد و بالعکس عینا "بریکدگر منطبق" است.



### درباره اطلاق صفت "پیکارگر"

عده‌ای از رفقا در اشتقادیه اطلاق صفت پیکارگر که در نشریات سازمان در قسمت‌های گوناگون و در موضوعات متفاوت مدا مذكر میشود پرسیده‌اند: آیا این نوع برخورد نشان دهنده سکتاریسم نیست؟ رفقا در رابطه با این مطلب مواردی را نیز ذکر کرده‌اند: "پیکارگران قهرمان"، "پیکارگران شهید" و "پیکارگران در آمل و سراوان" و حتی انتشار اعلامیه‌ها شکی به "امضای پیکارگران کشف‌سازی"!

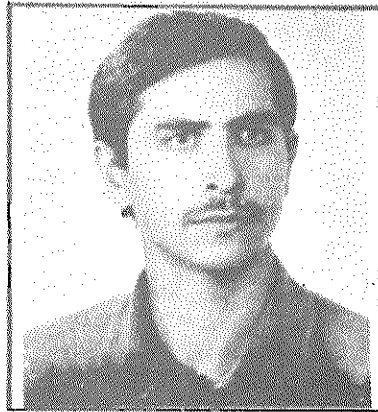
رفقا! بی شک آنچه ما به افتخار ما - کمونیست بودن ما است. آنچه با بدرتبلیغات ما برجسته‌اید کمونیست بودن ما است. ما هرگاه که هر رقیبی دستگیر، شکنجه و یا اعدام میشود، هرگاه که نظارتی در گوشه و کنار کشور برپا می‌کنیم، هرگاه که بعنوان هواداران یک نیروی کمونیستی به انتشار اعلامیه‌ها دست می‌زنیم، هرگز نباید فراموش کنیم که تلاش ما در جهت آشنا کردن توده‌ها با کمونیسم و برجسته نمودن آن است. بهر واضح است که کمونیسم را بصورت مجرد نمیتوان و نباید توده‌ها تبلیغ نمود. باید ضمن تبلیغ و ترویج مواضع کمونیستی روشن کنیم که خط مشی فکری کدام جریان را تبلیغ میکنیم و نشان دهیم - وابستگی به کدام جریان سیاسی یا مدعیان ما رکیسم و کمونیستهای ناپیگیر مرزبندی داریم. باید به توده‌ها بیا موزیم که کمونیستهای پیگیری همچون سازمان ما و... از "راه‌کارگر" و "قلبیت" به چه علت از نظر ایدئولوژیک متمایز هستند؟ مواضع آنها در مقابل دشمنان طبقه کارگر و ریزبونیستها چیست؟ بدین ترتیب باید در تمام عرصه‌های مبارزاتی، هویت سیاسی - تشکیلاتی خود را نیز تبلیغ نمائیم و کمونیسم را بصورت مشخص و نه مجرد در میان توده‌ها آشنا کنیم و نشان بدهیم که راستین طبقه کارگر است و آنها بشناسیم. از اینرو با انحلال طلبان و بسیاری از مدعیان ما رکیسم که تبلیغ کمونیسم و کمونیست را بطور عامی پذیرند، اما طرح وجه مشخص و روشن نمودن هویت سیاسی - تشکیلاتی کمونیستها را نمی‌کنند، مرزبندی کامل داریم. اما از طرف دیگر نباید در هرگس - های سکتاریستی نظیر "فدائیان" "گردیم کیسه" "تنها ره‌ها" "زاد" "پیوند فدا" "خلاصه کرده‌ها" می‌کنند و "فدا" "تو افتخار ما" "بیرس زبان شان بوده و میباید شد. اگر ما اصطلاح "پیکارگر

را بدنبال ذکر نام یک رفیق کمونیست شهیدمان میاوریم، نه از آنروست که "پیکارگر" را جایگزین واژه‌ای بر افتخار "کمونیست" نمائیم، بلکه تنها بدلیل ضرورت روشن نمودن هویت سازمانی رفیق کمونیست و مشخص نمودن خط سیاسی - ایدئولوژیک این یا آن رفیق شهید است که باید در کنار تبلیغ کمونیست بودن وی (و این مهمتر است) هویت تشکیلاتی وی را نیز ذکر کنیم. اما گزاین مسئله بدرستی درک نشده و بتدریج لفظ "پیکارگر" که یک اشتساب تشکیلاتی است (وجه‌بسا موقتی باشد و حزب کمونیست یا سازمان دیگری جای آن را پر کند) بجای لفظ کمونیست بنشینند، این امر تحریف سکتاریستی را به نمایش میگذارد. بی شک از اینرو ذکس مطلبی مانند نظرات "پیکارگران در آمل و سراوان" و یا انتشار اعلامیه‌ای به امضای "پیکارگران کشف‌سازی" و امثالهم نادرست بوده و انحرافی ارزیابی میکنیم. از اینرو ما ضمن مرزبندی با گراپشات انحلال طلبانه و تکیه بر ضرورت روشن نمودن هویت سیاسی - ایدئولوژیک، تشکیلاتی در کلیه فعالیتها با سازمانی خود، از همه رفقا میخواهیم که در فعالیتها خود وجه کمونیسم و کمونیست را بیش از اشتساب تشکیلاتی خود تبلیغ نمایند. فی المثل بجای ذکر "پیکارگران کشف‌سازی" از اصطلاح هواداران سازمان پیکار استفاده ننمایند و در مورد رفقای شهید از اصطلاحاتی نظیر "کمونیست قهرمان" و "پیکارگر شهید" استفاده نشود. نگاهی به نوع تبلیغ برس شهدا در پیکار ۹۹ نمونه‌ای خوب در این زمینه است.

### در مورد درج اخبار نادرست!

رفقای اشتقاد کرده‌اند که برخی از اخبار پیکار در جا رشتها بی‌استه که عموماً جنبه غلو - آتیز دارد. فی المثل در مورد نظرات ۲۲ بهمن گزارش بصورتی غلوآ میزنوشته شده است و این از طرفی خلاف واقع است و از طرف دیگر ناشر بسیار منفی بر روی افرادی که در جریان ما واقع قرار داشته‌اند میگذارد. رفقا! نشریات کمونیستی از جمله نشریه "پیکار" بدلیل آنکه به اتکای مشی اصولی، با اتکاء بر حقایق و بدون هیچگونه اتهامات و یا سخنی خلاف واقع، به افشای فدا انقلاب می - بردارند و از حقایق خود دفاع میکنند، همواره در نزد توده‌ها معتبر بوده و توده‌ها بدانها اعتماد دارند. در هر نشریه کمونیستی اگر مطلبی خلاف واقع و با احیاناً بصورت غلوآ میزاشتاب درج شود بشدت توده‌ها را نسبت به آن بی اعتماد می‌نماید و از طرف دیگر چنین برخوردی هر چند با نیت خیر همراه باشد، برخوردی غیر کمونیستی است. از اینرو به کلیه رفقای ارسال کننده اخبار بقیه در صفحه ۲۴

## رفیق محسن فاضل مبارز قدیمی ویار خلق فلسطین آزاد باید گردد!



به سفر انقلابی رفیق، نام "سیا ساخته" را داده است تا جنایت خود را زدید توده ها ببینند اما توطئه مرتجعین جمهوری اسلامی تنها خود آنها را افشا میکند.

از سر نوشت رفیق محسن فاضل کسه روز ۱۴ بهمن ۵۹، بدست پاسداران سرما به دستگیر شده، هنوز اطلاعی در دست نیست و تلاش ما درودیکسر بستگان او برای ملاقات با رفیق محسن بجای نرسیده است.

رژیم جمهوری اسلامی پس از انتشار زینسک اطلاعاتی توطئه میزد در مورد دستگیری رفیق فاضل که طی آن ادعا کردوی عازم "ما موریت سیما" ساخته بود، توطئه سکوت را برگزیده است. رفیق محسن فاضل سالها علیه امپریا لیسم و رژیم دست نشاند شاه مبارزه کرده و در چندین فعالیت انقلابی علیه مزدوران امپریا لیسم شرکت نموده است، او مدت های طولانی در کتا رخلق فلسطین و هم دوش آنان با امپریا لیسم صهیونیسم و ارتجاع عرب مبارزه کرده است. انقلاب فلسطین از توان علمی رفیق که در خدمت انقلاب قرار گرفته، مدد بسیار گرفته است و بهمین دلیل بود که رفیق فاضل بنا به خواست انقلاب فلسطین دوباره در صدد پیوستن به صفوف انقلاب خلق قهرمان فلسطین علیه صهیونیستهای غاصب و مرتجعین متعلقه بود. رژیم جمهوری اسلامی که ادعای همبستگی با خلق فلسطین را دارد ریاکارانه

رفیق محسن فاضل در تاریخ ۵/۱۱/۵۹ از طرف "دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین" و بنا نامه ای با مضای هاشمی الحسین رسماً وزارت امور خارجه معرفی شده (سند شماره ۱) و آنها نیز برای صدور گذرنامه، مراتب را به اطلاع دفتر نخست وزیر رسانده اند (سند شماره ۲). بدین ترتیب روشن میشود که رفیق محسن با دعوت "هاشمی الحسین" و برای خدمت به خلق فلسطین عازم منطقه بود اما رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که خود را بدروغ طرفداران انقلاب فلسطین مینامد موریت انقلابی رفیق محسن را "ما موریت سیا ساخته" مینامد. آری همین تشبیهات ارتجاعی علاوه بر افشای ماهیت پلید رژیم ارتجاعی، توطئه های گوناگون رژیم جمهوری اسلامی را بر علیه کمونیستها و انقلابیون و بر علیه انقلاب خلق فلسطین سر ملا میسازد.

رفیق محسن فاضل مبارز قدیمی ویار خلق فلسطین بیش از دو ماه است که در رژیم جمهوری اسلامی است، برای آزادی او و رزندگان انقلابی خلقهای ایران به مبارزه خود ادامه میدهیم. زندانی سیاسی انقلابی، بهمت توده ها آزاد باید گردد!

\*\*\*

Official document from the Ministry of Foreign Affairs of the Islamic Republic of Iran. It contains the name of the subject, Rafiq Mousan Fazel, and details of his identification and travel documents. The document is dated 11/11/59.

Official document from the Ministry of Foreign Affairs of the Islamic Republic of Iran. It contains the name of the subject, Rafiq Mousan Fazel, and details of his identification and travel documents. The document is dated 11/11/59.

بقیه از صفحه ۱۲ سالگرد ۵۹  
آرمان رهائی بخش طبقه کارگر به مبارزه ادامه داد. پس از قیام رفیق عزیز در میان دیپلمه های بیگانه به فعالیت انقلابی می پرداخت. او که مسلح به مارکسیسم لنینیسم بود، با شناخت از ماهیت ارتجاعی رژیم جدید همچنان بسرای پیروزی انقلاب و در راه رهائی زحمتکشان به مبارزه ادامه داد. رفیق عزیز در جریان سیل خوزستان در سال گذشته، در کتا ر کمونیست ها و

هوادران سازمان ما و رفقای رزمندگان بیاری آسیب دیدگان شافت. ارتجاع که مخاطب مبارزات خستگی ناپذیر این کمونیست قهرمان دشمنی طبقاتی و ارتجاع عیش را نسبت به او پنهان نمیکرد، یکدم از آزادی رفیق دست برنمی داشت. روز ۲۱ فروردین ۵۹، هنگامیکه رفیق در کتا ر در کمک به سیل زدگان ایستاده بود مورد یورش پاسداران قرار گرفت و در اثر ضرباتی که بر سرش وارد گردید پیشانی او شکست.

چند هزار نفر از زحمتکشان مسجد سلیمان در تظاهرات گرانگانه ای از رفیق تحلیل گرانگانه کردند. رفیق عزیز محمدی، کارگر یکسار و کمونیست مبارزی بود که با هواداران ارشاد زمان - های جنبش کمونیستی و در راه سرخ سوسیالیسم، بزرگواران انقلاب را به یاری انقلابی اش را ادامه داد. او با ایستادن به راه رهائی طبقه کارگر، در این راه تا ریخا زینتها دت رسید.

یادشیدان راه رهائی زحمتکشان گرامی باد!

## تظاهرات ۲۲ بهمن:

### یک تجربه و درس های آن

بدین معناست که مبارزه توده ها، در مقیاسی نسبتاً وسیع، در بستری حرکت میکند، که پیوسته دایره قانونییت نظام اجتماعی و سیاسی خاکم را مورد تعرض خویش قرار میدهد. تا کتیک تعرضی، در این شرایط به معنای آن است که کمونیست ها و دیگر نیروهای انقلابی، شعارها و شکالی از مبارزه را مطرح سازند، که بتوانند بنده مناسبت ترین و بهترین وجهی، مبارزه تعرضی توده ها را جهت وسا زمان دهد، سیاست نیروهای آگاه پرولتری، این نیست که در آغاز تا ذاتین شعارها و اشکال مبارزه، چنان رویه ای در پیش گیرند، که مبارزه توده ها را به عقب میکشاند، کاری که اپورتونیست ها - های ما انجام میدهند. همچنین وظیفه آنها این نیست که خویش را بجای توده ها قرار داده و حرکات ما جرایم نه خویش را، بنام تاکتیک تعرضی اطلاق نمایند. وظیفه آنها این است که به سازماندهی مبارزه خود انگیزند. تعرضی توده ها، در هر عرصه ای که جریان دارد، مبارز و زنده و چنان شعارها را بطور مناسبی نمایند که در جهت یابی انقلابی این مبارزه موثر واقع شود.

از لحاظ شکل مبارزه، تظاهرات خیابانی، حول خواست ها و شعارهای مناسب توده گیر، و یا به مناسبت حوادث و جریانات تاریخی - سیاسی معین، جای ویژه ای را اشغال میکند. طبعاً روشن است که میزان بکارگیری این شکل از مبارزه، بسته به سطح و درجه رشد جنبشی و اعتدالی انقلابی میباید متفاوتاً از پیش تعیین شده ای در این زمینه وجود دارد. اما آنچه که اهمیت دارد، اینست که سطح و میزان پیشرفت مبارزه توده ای در شرایط کنونی، این شکل از مبارزه را در دستور قرار میدهد. و این نکته مهمی است که در آغاز تا ذاتیک مبارزه، در شرایط کنونی باید بدان توجه نمود، اولیست چنین شکلی از مبارزه در شرایط فعلی، یکی از اختلافاتی است که مرز ما را با اپورتونیست ها روشن میسازد. آنان، علیرغم اینکه بعضاً در حرف نیز چنین نگویند، بدلیل انحراف در ارزیابی از شرایط کنونی جنبش (و نیز بدلیل برخورد های راستی که به اشکال مختلف با رژیم سیاسی کنونی می نمایند)، در اولیست تا چنین تاکتیکی در لحظات مناسب، تردیداً رند و این تردید خود را در پس اما و اگرها و شرط و شروط نیشم ساری مستور میسازند. آنها با پیروی از اصل اپورتونیستی "عدم تعیین"، چیزی که خود به درستی به

انقلابی و مارکسیستی - لنینیستی و ارتقا تکامل هر چه بیشتر خط مشی پرولتری، از این زاویه است که برخورد به اشتباهات ما در ۲۲ بهمن از طرفت وحاسیتی فوق العاده برخوردار می شود. چرا که بدون تردید با زهر است ها در کمین این اظهار صریح ما به اشتباهات خودمان نشسته اند. ما به قول لنین "ما دیگر نمی - ترسیم زاینکه دشمنانمان بر لغزش های ما بخندند". (۲) هم از این روست که ما میکوشیم تا تجارب و درس های این حرکت و اشتباهات آنرا بطور خلاصه مورد بررسی انتقادی قرار دهیم.

### اشرايط عینتی جنبش و خط مشی عمده می تاکتیکی:

خصلت اساسی شرایط کنونی جنبش، در اعتدالی انقلابی آن است. علیرغم همه ناموزونی ها و تنوعاتی که در عرصه های مختلف و بخش های متفاوت جنبش از لحاظ سطح کامل و نیز اشکال مبارزه وجود دارد، لیکن شاهد آنیم که هر روز، توده های بیشتری به سمت مبارزه بر علیه نظام سیاسی - اقتصادی کنونی کشانده میشوند و این همه بر بستری بحران اقتصادی عمیق و خرد کننده - ای جریان دارد که خود هر چه بیشتر بر سطح و عمق ناراضی توده ها و دامنه مبارزه آنها می افزاید. ویژگی وضعیت عینتی مبارزه توده ها، صرفاً در این نیست که آنها دچار ناراضی عمیق از وضع موجود میباشند، بلکه همچنین در اینجا است که این ناراضی، نیروی محرکه ای است که توده ها را در شرایط کنونی، به میدان مبارزه و حرکت انقلابی میکشاند. ناراضی از وضع موجود، علیرغم تمام توهمات که در ذهنیت توده ها نسبت به آلترناتیوهای ارتجایی از وضع وجود دارد، آنها را نه به وادی تسلیم و رضا و پاسیفیسم سیاسی (هرچند که این روحیه در میان نیروهای اجتماعی معینی به درجات متفاوت وجود دارد)، بلکه به صحنه مبارزه میکشاند. روحیات انقلابی و شور و شوق مبارزه را در میان آنها توسعه میدهد و جوهر انقلابی را در مبارزه بخش های هر چه بیشتری از توده ها فزونی می بخشد. همین خصلت اساسی جنبش در شرایط کنونی است که خصلت اساسی تاکتیک ها و بسته عبارت دیگر خصلت اساسی خط مشی تاکتیکی را در این شرایط تعیین و مشخص می نماید. خصلت تعرضی تاکتیک بطور کلی در شرایط کنونی، از آنجاست که جنبش در این شرایط بطور کلی خصلت تعرضی بخود میگیرد و این یک نیز

روز ۲۲ بهمن، سالروز قیام شگوه خند خلقهای تحت ستم ایران بر علیه امپریالیسم و ارتجاع حاکم، مراسمی از سوی سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگرو سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر، بمنظور بزرگداشت این روز، اعلام گردید که بدلائل متعددی، در مجموع با عدم موفقیت روبرو گشت، ارزیابی صحیح از علل این عدم موفقیت، و اشتباهات و انحرافات نهفته در آن، از آن رو حیاتی اهمیت است که روبرو بیونیست ها و اپورتونیست ها، هر یک به نحوی میکوشند تا با جا رو چنگال و هیا هوی پیرامون این "تاکتیک" و اشتباهات چپ روانه مترتب بر آن، حقا نیست خط مشی تاکتیکی اصولی و انقلابی سازمان و بطور کلی م. ل. ه. ای پیگیران در این شرایط به زیر سوال بکشند و در زیر گرد و غبار برخاسته از این جا رو چنگال و هیا هوی، اپورتونیسم و روبرو بیونیسم عمیق خویش را حقا نیت و اعتبار بخشند. ل. م. د. ن. بر اشتباهات و اقدامات تاکتیکی چپ روانه و ناسنجیده، همواره از خصوصیات و روش های ممتاز زبور جسته اپورتونیسم را سبب بوده است. آنها همواره در کمین لغزش ها و اشتباهات مارکسیست - لنینیست های انقلابی و پیگیر می نشینند تا با هیا هوی پیرامون آنها، اصول و مبانی و سیاست تاکتیکی آنها را بطور کلی "ورشکسته" اعلام کنند. بیاد دیا و ریم و ریسل ۱۹۱۷ روسیه را که چگونه منشیوک ها، با علم کردن اشتباه تاکتیکی "گرایش چپ" در میان بلشویک ها، که در ماه آوریل، یعنی زمانی که بقبول لنین کمونیست ها "اکثریت مردم را پشت سر نداشتند" شعار "مرگ بر حکومت موقت" را تبلیغ میکردند، بلشویک ها را به استهزا میگرداند و از "ورشکستگی" آنها سخن میگفتند (۱). البته اشتباهات این گرایش "چپ" لنین و کمیته مرکزی حزب بلشویک با آن به مخالفت برخاستند، در آنروز اشتباه بزرگی بود که در حوزه خط مشی تاکتیکی یک دوره عمل میکرد و اشتباه امروز ما - در ۲۲ بهمن - اشتباهی است، در حوزه یک حرکت عملی منفرد - هرچند که تنها پیدایش اشتباه را از جنبه ایدئولوژیک چپ روانه بطور کلی تهی نمود. اما صرف نظر از این تمایز، که تا کید بر آن، برای جلوگیری از سوء استفاده فرست طلبان و اپورتونیست ها و مترز لنینیست ضروری است، آنچه که مهم است، این است که اظهار صریح این اشتباهات، در عین حال مبارزه ای است بر علیه راست ها و بر ملا کردن تلاش های مذبح خا نه آنها در تهاجم به خط مشی

## زنده باد سوسیالیسم!

ظرافت بکا رگرفتن آن از لحاظ موقع شناسی و روان شناسی توده‌ای، موثر واقع می‌شود. چرا می‌گوئیم چنین است، زیرا که حداقل، واقعیت نشان داده است که توده‌ها خودبیکرات، در مقیاس - های گوناگون (گاه وسیع ما شند جریان کرمان یا حرکت‌های شهرهای شمالی ایران و گاهی محدود، مانند تظاهرات آوارگان جنگی، ویسا حتی کارگران) به برپایی تظاهرات مستقل یا نیمه مستقل، خودانگیخته یا تحت نفوذ هژمونی و یا رهبری نیروهای آگاه، اقدام ورزیده‌اند. تظاهرات ۲۳ دی، با همه اشکالات و نواقص خود، از این لحاظ و برخلاف نظریه‌ها، چو راه - کارگروها هم‌آوا یا ن جدیدش، از لحاظ نفس خود به منا به یک حرکت تاکتیکی، یک نمونه مناسب، سنجیده و موثر بود. هم‌مضمون این تظاهرات، یعنی مسئله بازگشتی نا‌شکاه، مقبولیت و جذب توده‌ای داشت، هم‌شرایط زمانی آن (با توجه به تظاهرات درونی هیئت‌ها که بر سر این مسئله بطور مشخص و تمام مدت درونی خود آنها بطور کلی) مناسب بود هم کیفیت نیروها، با توجه به انجام عمل چندنیروی سیاسی کمونیستی در شرایط مطلوبی قرار داشت. و اتفاقاً دیدیم که چندنیروی بزرگی بطور نسبی در روز موعود، در مکان تظاهرات گرد آمد (که منا سفا نه بدلیل انحرافات و اشتباهات "کمیت‌ها هنگی" امکان بهره‌برداری از این نیروی کثیر بوجود نیامد) و چگونه این مسئله در عرض چندروز، ذهن بخش - های وسیعی از جامعه مردم را بخود معطوف کرده بود.

اما تظاهرات ۲۲ بهمن، برخلاف تظاهرات ۲۳ دی در مجموع یک تظاهرات موفق نبود. در توضیح علل عدم موفقیت این تظاهرات، ما می‌گوئیم ضعف‌ها و انحرافات نهفته در آن را با توجه به بحث‌های پیشین، مورد ارزیابی قرار دهیم:

الف: ضرورت برگزاری مراسم ۲۲ بهمن از سوی کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی: بزرگداشت مراسم ۲۲ بهمن از سوی کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی، بطور متحد و یکپارچه، از جمله اقداماتی بود که می‌توانست در تقویت قطب کمونیستی و انقلابی، در طرح آلترنا تیبو کمونیستی و انقلابی، در نفوذ و اشاعه بر توده‌ها، خط می و نظریات آنها و با اواخر در گسترش یا به توده‌های آنان موثر افتد. این مراسم می‌توانست بصورت ابزاری در جهت ارتقا آگاه‌های توده‌ها و بهره‌برداری از تجربه و شناخت آنها از ۲ سال حاکمیت سیاه رژیم جمهوری اسلامی، در روزی که به قدرت رسیدن این حکومت را تدا می‌کنند، مورد استفاده قرار گیرد. با بزرگداشت این مراسم، می‌توانست نشان داده می‌شد که این رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی نیست که وارث حقیقی دستاوردها و ثمرات مبارزات عظیم و قیام شکوهمند توده‌ها در بهمن ماه خونین ۵۷ است، بلکه بیان دزدانی بودنده که این ثمرات را به

اصلی توهما ت مردم، نسبت به جناح به اصطلاح فدا می‌ریا لیست رژیم قرار داشت، در شرایط کنونی این توهم در بخش عظیمی از توده‌ها، کما بیش نسبت به جناح "حزب" فروریخته و به سوی لیبرال‌های "آزادبخواه"، جرخش یافته است. واقعیت این است که بخش وسیعی از توده‌های زحمتکش، علیرغم نارضایتی از وضع موجود و مبارزه بر علیه آن، راه نجات و طریق‌های را در اپوزیسیون لیبرالی درون حکومت یا خارج از آن تحت رهبری بنی صدر جستجو می‌کنند. این وضعیت، به علاوه وضع عینی و ذهنی جنبش کمونیستی، آرایشی قوای سیاسی را در جامعه در شرایط کنونی به نفع لیبرال‌ها سوق داده و شرایطی را فراهم آورده است که نیروهای دمکرات را نیز تا ثما به تزلزل وستی میکشاند و نفوذ لیبرالیسم را در حرکت و خط می آنها، پیوسته تسهیل می‌گرداند. این شرایط ذهنی و آرایشی سیاسی نیروها از یکسو ضرورت تقویت، تدارک قطب کمونیستی و آلترنا تیبو رولتسری را بیش از پیش فزونی می‌بخشد و از سوی دیگر کمونیست‌ها را در اتخاذ دهر تاکتیکی و بویژه تظاهرات خیابانی مقید به در نظر داشت جمیع این شرایط مشخص می‌گرداند.

واقعیت این است که هم‌اکنون لیبرال‌ها و بویژه بنی صدر، در برپایی هر مراسم، به هر شکلی توده وسیعی را بدنبال خویش میکشاند. اکنون حتی در کارخانه‌ها در میان کارگران نیز می‌توان این توهم و متقابلاً نفرت از جناح رقیب، یعنی حزب را مشاهده نمود. درست به همین دلیل است که کمونیست‌ها می‌توانست از تاکتیک شرکتی سازمان با فتنه‌ها غیر رسمی در جنبش مراسم نیروی منظوراً فضاگری بر علیه کل هیئت‌ها که و بویژه لیبرال‌ها بشکل مناسب، جهت ارتقا آگاه‌های توده‌ها در تجربه مستقیم آنها، استفاده نمایند. و نیز به دلیل همین شرایط ذهنی و ترکیب جمعیت شرکت کننده در مراسم لیبرال‌ها - که اکثر آژو توده‌های خلق هستند - تجزیم رسمی جنبش مراسم جایز و متناسب با ذهنیت توده‌ها نیست و با ید ضمن محکوم کردن اهداف لیبرال‌ها از برپایی این مراسم، با حضور فعال و سازمان یافته در آنها، به فضاگری بر علیه این نیت و اهداف پرداخت.

اپوزیسیون‌ها، از این شرایط ذهنی صریحاً و با بطور غیر صریح به نفعی برپایی هر گونه تظاهرات از سوی کمونیست‌ها و یا نیروهای انقلابی، می‌رسند و آن را اقدامی "ج روانه" می‌پندارند و بدین ترتیب کمونیست‌ها را از یگی از ابزارهای مناسب تبلیغی و آگاه‌گرانه خود جهت بسیج و حرکت مستقل توده‌ها در شرایط کنونی، محروم می‌سازند. اما بدیده‌ها این وضعیت ذهنی، با توجه به میزان توهما ت توده‌ها (که بدیده‌ها صحت شکننده‌ها را) و نیز با توجه به شرایط عینی جنبش و عمق خواست‌ها و تمایلات دموکراتیک توده‌ها، نباید در ابدا و نیز در چگونگی بکارگیری این تاکتیک و در

"اکثریت" نسبت میدادند، (۳) از آنکه تحلیلی روشن و صریح از روند عمومی جنبش خلصتی گریزاننده و اگر تا دیروز چشم انداز رکود را تصویر میکردند، امروز که واقعیت‌ها بیش از پیش خود را تحمیل میکند، با منگنه کردن واقعیت‌ها، بر سردن ویژگی‌ها، بکارکننده کردن نموده‌ها، و سرانجام با عبارت بردا زیبا و دست‌پازیدن به جملات کشدار و نا مشخص، گریبان خویش را از آنکه یک تحلیل روشن و صریح که جهت و خلصت عمومی جنبش یعنی وضع جنبش توده‌ای را نشان دهد، خلاص می نماید. (۴)

تظاهرات خیابانی در این شرایط، بر حسب نوع، مضمون و ترکیب خود به دو صورت و با دو هدف میتوانند سازمان یابد. نوع اول تظاهراتی که نقطه آغاز آن یک حرکت خودانگیخته توده‌ای، حول یک خواست و شعار اقتصادی یا سیاسی معین و ملموس است. خلصت جنبش تظاهراتی، خود - انگیزگی و خودبخودی بودن آنست که از بطن مبارزه خود توده‌ها جوشیده است و کمونیست‌ها و نیروهای آگاه، تنها جهت و سازمان‌دهنده این نوع تظاهرات می‌باشند. طبیعی است که در جنبش تظاهراتی، نیروهای آگاه، علیرغم کوشش در جهت ارتقا توده‌های شرکت کننده و راه‌یکالیزه کردن آن، می‌توانست شعارها و حرکت خویش را با مضمون حرکت، سطح آگاه‌های و شعارهای خود - انگیزه، منطبق سازند. نوع دوم تظاهراتی است با خلصت تبلیغی، که از جانب نیروهای آگاه انقلابی به منظوراً ترگذاری بر آگاه‌های و ذهنیت توده‌ها و با هدف تبلیغی (همچون دیگر اشکال تبلیغ) سازمان داده می‌شود. این نوع تظاهرات که را بطه مستقیم با فضای سیاسی حاکم بر جامعه دارد، حول شعارها و خواسته‌های سیاسی و دموکراتیک مشخصی که در یک مقطع معین در میان توده‌ها جذب‌ها را در و با توجه به جمیع ملاحظات تاکتیکی و تکنیکی، می‌توانند برقرار شود.

در شرایط کنونی روند جنبش بگونه‌ای است که بکارگیری تظاهرات (در هر نوع آن) را بسته منا به یکی از اشکال مبارزه توده‌ای و فعالیت سازمان‌های سیاسی، (و نه لزوماً شکل عمده آن) جایز و ضروری می‌سازد. درک این نکته، اولین شرط برخورد صحیح به تظاهرات ۲۲ بهمن می‌باشد.

### شرایط ذهنی توده‌ها و تأثیرات آن در تاکتیک کمونیست‌ها:

اگر رشد عینی مبارزه توده‌ها و اعتسلائی انقلابی آن یک واقعیت است، توهما ت بخش - های وسیعی از آنها نسبت به قطب‌های مختلف سیاسی ارتجاعی در جامعه نیز واقعیت دیگری است که در جامعه عینیت و حضور داشته و بطور قطع در تاکتیک‌های کمونیست‌ها، موثر واقع می‌شود. با رها نسبت به این مسئله سخن گفته ایم و از این رود را اینجا وارد این بحث نمی‌شویم. اما بطور خلاصه با یدگفت که اگر تا دیروز با

بنما بردند و توده های محروم را به شکل جدیدی به زیر سلطه همان نظام سیاسی - اقتصادی گذشته گشا نیدند. بایدنشان داده میشد که این رژیم نیست که پادشاه را بر این دستاوردها و دستاوردهای انقلاب ایران است، بلکه این توده های تحت ستم و کمونیست ها و انقلابیون پیگیر هستند که وارثین حقیقی این دستاوردها و ادامه دهنده انقلاب و به جلوراندن آن میباشند. بی توجهی به این امر، در حد خود به معنای عدم توجه به حضور این حقانیت برای رژیم، در ذهنیت توده ها و کوشش در جهت شکستن آن بود. از همین رو، از لحاظ ضرورت سیاسی، هیچ تردیدی در صحت این حرکت، که تنها شکل ممکن و مطلوب آن نیست، تظاهرات خیابانی میبود، نمی توانست وجود داشته باشد. این ضرورت حکم میکرد که در مسیر نقطه ای از ایران، که جمیع ملاحظات تاکتیکی امکان برگزاری این مراسم را از جانب نیرو - های انقلابی فراهم نماید، چنین حرکتی صورت گیرد.

اما درست در ارزیابی از این ملاحظات تاکتیکی بود که در شهران و برخی شهرستانها، ما دچار انحراف و اشتباه شدیم. به عدم توجه به مسأله تناسب نیروها و انتخاب زمان و مکان مناسب. اگر ندیدن سطح جنبش توده های ارزیابی اپورتونیستی از شرایط عینی و ذهنی موجود، منجر به سیفیسیم و پادشاهانه روی از توده های متوهم میگردد و یا صرف تکیه بر توهم توده ها و ارزیابی بیش از واقع از آن به نفعی حرکت تاکتیکی صحیح برگزاری تظاهرات مستقل و نه ایستادگی به حرکت در مراسم برگزار شده توسط لیبرالها و صرف تبلیغ و افشاکاری منجر میگردد. متقابلاً برگزاری تظاهرات مستقل بعنوان یک تاکتیک مناسب و اصولی، لزوماً با پدید آمدن توجه به تناسب نیروها و توجه به حرکت توده های متوهم، در زمان و مکان مناسبی انجام میگردد.

همانطور که میدانیم در روز ۲۲ بهمن، بنی - صدر از مردم دعوت کرده بود تا برای شنیدن سخنرانی او در میدان آزادی گرد آیند و طبیعتی است که با توهم شدید توده ها نسبت به لیبرالها، در آنروز، جمعیت بزرگی از مردم در میدان آزادی گردمی آمدند. این امر را ز نظر بسیج و شرکت هر چه بیشتر توده های در یک حرکت مستقل لزوم توجه به تناسب قوای موجود و توهم توده ها و لذا انتخاب زمان مناسب را ایجاد مینمود. انتخاب زمان تظاهرات و راهها همیماشی از سوی مادر همان روز ۲۲ بهمن وساعتی که مردم روانه میدان آزادی بودند و انتخاب مسیری که توده ها اکثر از زمان مسیر عبور میکردند، بسا توجه به تناسب نیروها علاوه بر اینکه حرکت ما را تحت الشعاع حرکت بنی صدر قرار میداد، بدلیل تقابل و تداخل نیروها عملاً به آن جلوه مقابله جویانه میداد و مانع از آن میگردد که راهپیمایی ما بتواند بصورت یک راهپیمایی موفق درآید.

با لعکس، این حرکت بخاطر کمبهاشی ما - حرکت توده های متوهم در آن روز و تقابل در حرکت ما، آنها که ما زمین میدان آزادی بودند، یک حرکت چپروانه نبود. از اینرو بنظر ما برگزاری مراسم همیماشی و تظاهرات از سوی ما بطور همزمان با دعوت لیبرالها و در یک مسیر، بنا - درست بوده و میبایست این مراسم به وقت دیگری موکول میگردد. اما اینکه بهترین زمان برگزاری این مراسم چه وقت میتواند باشد، این مسأله مربوط به مجموعه شرایط و جویا کم بر آنروز و ملزوماتی میشود که بتواتر اندک اکثر نیروی توده ای را در این مراسم گرد آورد. بسا توجه به این ملاحظات، بنظر ما روز ۲۲ بهمن، برای برگزاری این مراسم مناسب نبوده و میبایست این مراسم در روز قبیل و یا بعد از آنروز برگزار میشد.

در همین جا باید اضافه کنیم که این نحوه برخورد منحصر به تهران نبود، بلکه در برخی شهرستانها و بویژه در ما شهر، رفقای ما دچار برخوردهای شدیداً چپروانه شدند. رفقای ما در ما شهر، بیایی توجهی به شرایط خاص زمانی و مکانی این شهر (یعنی از یکسو شرایط جنگی و از سوی دیگر جو شدیداً پلیسی آن در این شرایط بخصوص) به حرکتی دست زدند که زیانهای بسیاری برای ما در برداشت این رفقای ما در تمام شورشوق زایدالوصف کمونیستی و انقلابی خود، روحیه ای که ما به افتخار روس - افزاری سازمان ما و شرمساری تمام اپورتو - نیست های غیانتکار است، در متن این شرایط جنگی و ترور و خوفناک موجود، و با توجه به آرایش نیروها و کمیت توده ای خود، نمی بایست بسا چنین حرکتی سبب درت می وزیدند. چرا که مسأله تظاهرات را نه برای تظاهرات و نه برای اطفای تما یلات آتشین و شورشوق انقلابی خود، بلکه برای تاثیرات سیاسی آن بر توده ها و ارتقایی آگاهی آنها، برگزار مینماییم. سنجیدن موفقیت و شرایط سیاسی، زمانی و مکانی این تاکتیک مهمترین شرط اجرای موفقیت آمیز آن است، عملی که متأسفانه در این شهر صورت نگرفت و در نتیجه به عدم موفقیت این حرکت و فاجعات بنا - گوار بعدی آن انجام میداد. ما روشن است که مسأله کمونیست ها اشتباهات و لغزشهای خود را نمی - بوشانند، بلکه درس گیری از آن را چه نیستند و زنده ای در جهت رفع اشتباهات و قرار گرفتن در راستای صحیح، تبدیل می نمایند و با تلفیق شورشوق انقلابی و آرمانخواهی پرشکوه کمونیستی - چیزی که روحیه رفقای ما سرشار از آن بوده و هست - از یکسو و درایت و سنجیدگی و قدرت تحلیل از شرایط مشخص از جانب دیگر، حرکت خویش را در مسیر صحیح سازماندهی مینمایند.

بدین ترتیب مینویسیم که زاویه انتقاد و برخورد ما به اشتباهات تظاهرات ۲۲ بهمن، بسا زاویه برخورد اپورتونیستی، انحلال طلبانه و سیفستی نیروهاشی که اکنون میکوشند تا

اشتباهات نهفته در این حرکت را به وسیله ای برای حقانیت دادن به اپورتونیسم و بینش راست خود، تبدیل کنند، تفاوت اساسی دارد. آنها از یک اشتباه، به نفعی خط مشی تاکتیکی انقلابی در شرایط کنونی متناسب با وضعیت عمومی جنبش و توجه به سیفیسیم و پادشاهانه روی از توده های متوهم، میروند. حال آنکه ما این اشتباه را در یک حرکت عملی جستجو کرده و انتقاد به آن را به وسیله ای در جهت ارتقاء و تکامل خط مشی عمومی تاکتیکی صحیح خود، تبدیل می نمائیم از همین رو میبایست میان این دو زاویه - برخورد و انتقاد، یکی اپورتونیستی و دیگری پرولتری، مرز دقیق و اساسی کشید.

(۱) - رجوع کنید به سخنرانی ایراد شده در دیدار با اعضای هیئت های نمایندگی آلمان، لهستان و... - لنین: مجموعه سخنرانی لنین در انتر - ناسیونال سوم.

(۲) - لنین - همانجا.

(۳) - رجوع کنید به مجموع مقالات راهکارگر در مورد راه رشد غیر سرمایه داری و رهبری چریکی ای فدائی.

(۴) - مقاله "ما زمان پیکار: پیکار با شمشیر چوبین" راهکارگر، شماره ۶۴، نمونه روشنی از این شیوه اپورتونیستی "عدم تعیین" در ارزیابی از وضعیت جنبش توده ای و روند عمومی آن است. راهکارگر در این مقاله، همه جا شرایط ذهنی توده ها را پیش میکشد، تا از توضیح شرایط عینی مینازد و توده ها ظاهراً در راهکارگر در این جنبش خویش را پابند به تعیین روند عمومی جنبش و خصلت اساسی تاکتیک ها، که زیر بنای اساسی تعیین هر تاکتیک عملی منفرد قرار میگیرد، نمی دانند و چنین کاری را تحت عنوان "مطلقیت ذهنی" به تمسخر میکشند. و بدین ترتیب میکوشد تا راه را برای هرگونه چرخش اپورتونیستی، به مقتضای شرایط، هموار نماید. آخر راهکارگر از تجربه اولش به انداز کافی درس گرفته است. تحلیل "رکود جنبش" اکنون، در بن بست تناقض آفرینی گرفتار آمده است. بنابر این نباید خویش را پابند به بررسی و پیش بینی واقع - بینانه ای از روند واقع فعلی جنبش و سایر آتی آن نمود. راهکارگر اکنون بنظر میرسد تحلیل رکود را زیرکانه ترک گفته است. از طرف دیگر اعتدالی انقلابی راه قبول ندارد. خواننده خود باید به جستجوی حلقه های گمشده در میان این دو جستجو نماید. چرا که راهکارگر هیچ کمکی به او در جهت روشن کردن این حلقه گمشده نمیکند! اما مسئله تنها به اینجا ختم نمی شود راهکارگر بر پایه این تحلیل "روشن" از وضعیت جنبش و متناسب با ذهنیت توده ها، به ارائه تاکتیک می پردازد. و از جایگاه تظاهرات در این تاکتیک سخن می گوید. اما تا پایان مقاله، سرانجام روشن نمی شود که آیا راهکارگر، با این تحلیل از وضع جنبش و سطح آگاهی ذهنی توده ها، بسا

# معرفی کتاب

"با توجه به اینکه پرولتاریا بعنوان طبقه فقط در صورتی میتواند علیه قهر دستجمعی طبقات مالک وارد عمل شود که در حزب سیاسی مجزای خویش، در تحالف با همه اشکال قدیمی احزاب طبقات مالک متشکل گردد؛

با توجه به اینکه متشکل پرولتاریا در حزب سیاسی اش برای تضمین پیروزی انقلاب اجتماعی و هدف نهائی آن - نابودی طبقات - ضروری است؛ با توجه به اینکه با یوحدت نیروهای طبقه کارگر که از قبل در مبارزات اقتصادی تحقق یافته، بعنوان اهرم توده های این طبقه در مبارزه علیه اقتدار سیاسی استعمارکنندگانش بکار آید؛ کنفرانس به اعضای انترناسیونال خاطر نشان میسازد که در جریان مبارزه طبقه کارگر، فعالیت اقتصادی و فعالیت سیاسی این طبقه بطریقی ناگسستنی با هم پیوند دارند.

تلخیص از قطعنامه کنفرانس لندن انجمن بین المللی کارگران (انترناسیونال) سیستامبر ۱۸۷۱" (نقل از متن کتاب)



بقیه در صفحه ۸

# یادداشت های سیاسی هفته

جدیدا ورا وادار به پذیرش برخی عقب نشینی ها و گرفتن برخی ژست های لیبرالی کرده است: "رژیم می بیند که در برابر این سیاست یکساله درین بست سنا قضای آفرینی گرفتار آمده است، سیاست سرکوب عربیان در طول یکسال گذشته نه تنها "امنیت" را به جا مع با زنگرد اند و "نظم" مطلوب را مستقر نگرداند، بلکه بریسترا عتلا جنبش توده ای وستی پایه های توهیم توده ها، رژیم سیاسی حاکم پیش از پیش در برابر "ناامنی" و "بی نظمی" قرار گرفته است. سیاست سرکوب رژیم، در طول یکسال گذشته "نظم و امنیت" را برای رژیم به ارمغان نیاورد، بلکه بی ثباتی و افزونی بخشید و پایه های قدرت آنرا لرزانتر ساخت. تبلیغ "ملح" توسط سردمداران رژیم در سال جدید حکایت از این عجز و بیست دارد. (سرمقاله پیکار شماره ۱۰۰)

بپایمهای سردمداران رژیم در سال جدید، بیرونی این مسئله را نشان داد. آیت الله خمینی هر اسان از وضع موجود و گسترش نیروهای انقلابی، آنان را دعوت به کناره گیری و تحویل "سلاح" و بازگشتن به "آغوش اسلام" نمود. بیستمدار با گرفتن تا شید از آیت الله خمینی، با ب مناظره و "بحث آزاد" را دوباره گشود و به تبلیغ پیرامون آن پرداخت، به خیال آنکه با این عمل، تضادهای سیاسی - طبقاتی میان نیروها و احزاب سیاسی را بر سر میز مناظره و بحث آزاد، بدون توسل به طرق "زورمدارانه" به "وحدت" برسانند!

این سیاست، که اطلاعیه دادستانی نیز می - کوشد بر راستای آن حرکت کند، این هدف را همچنین دنبال میکند که با نشان دادن چند

بقیه در صفحه ۸

## اطلاعیه. امادهای دادستانی: آزادی فعالیت سیاسی یا ممنوعیت آن؟!

در روزهای آخر هفته گذشته، "دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی" با صدور یک اطلاعیه ده ماده ای، با اصطلاح "حدود فعالیت کلیه احزاب و گروهها" را مشخص کرد. رژیم جمهوری اسلامی تا کنون چندین بار و آنهم از جانب ارگانهای مختلف به صدور چنین اطلاعیه ها و قوانینی اقدام نموده است، اما هیچکدام از این اقدامات و اطلاعیه ها نتوانسته است تا شیرچندان در روند تشکیل فعالیت و مبارزه احزاب و نیروها، به نفع رژیم باقی گذارد.

آخرین دست پخت رژیم در این جهت، طرح ارتجاعی "فعالیت احزاب و جمعیتها و..." بود که در او خرسال گذشته توسط مجلس با اکثریت آراء به تصویب رسید. این قانون، که بحق قانون سیاه ۱۳۱۰ رضا شاه را در پانزدهم آوریل ۱۳۱۰ آنگنان ارتجاعی و ضددمکراتیک بود که سرمدای برخی از سردمداران "ماقیبت اندیش" رژیم را نیز به هوا بلند کرد. این قانون، صرف نظر از مضمون سیاه و ارتجاعی خود، از لحاظ شکل نیز آنچنان وقیحانه و نوابشانه تنظیم گشته بود و آنچنان عربیان و بی پرده ضدیت رژیم جمهوری اسلامی را با هر جلوه حتی کوچک دمکراسی بر ملا میساخت، که تلاش چندان را برای افشای مضمون و ماهیت آن از جانب نیروهای انقلابی طلب نمیکرد! همین شکل ناپخته و ظاهری عربیان بود که "دور - اندیشان" فریبکاری چون محلاتی را در مجلس وا داد و کرد که ضمن تاکید بر صحت مضمون "طرح" بگوید که با "شکل" تنظیم او را شاه این طرح مخالف است و پیشنهاد دهد که "این لایحه مسکوت بماند و برود در کمیسیون داخلی تا بعد طرح آبرومندی با شویبها نه بدست دشمنان غریب و شوق خودمان ندهیم." (تاکید از ما است.)

اطلاعیه اخیر دادستانی، هر چند که کمابیش همان مضمون ارتجاعی را با خود حمل میکند، اما اولاً در نحوه تنظیم آن، رژیم "پختگی" و "درایست" بیشتری برخج داده است تا ماهیت ضددمکراتیک اهداف و در پس کلمات و عبارات فریبناهنده پنهان بماند و تجربه قبلی تکرار نگردد، ثانیا صدور این اطلاعیه اهداف سیاسی خاصی را دنبال میکند که موضوعیت آن را در متن شرایط سیاسی فعلی و موضعگیری های اخیر رژیم در سال جدید، بخوبی میتوان درک نمود.

همانطور که در سرمقاله پیکار هفته پیش اشاره کردیم، مجموعه تناقضات و بیست های رژیم در سال گذشته، که در راستای آن گسترش نا - رضایتی و مبارزه توده ها قرار داد، در سسال

در صفحات دیگر این شماره:	
صفحه ۱۵	در حاشیه محاکمه امیر انتظام خائن
صفحه ۱۸	اعتصاب غذای زنان کمونیست در زندان اوین
صفحه ۱۹	مزد در ایران
صفحه ۲۲	جرحش رویونیستی اکثریت درباره بنی صدر
صفحه ۲۳	بحثی پیرامون دموکراسی (۲)
صفحه ۲۹	نظواهرات ۲۲ بهمن: یک تجربه و درس های آن

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست